

مارشال افغانستان معمار وحدت ملی

به مناسبت چهارمین سالروز رحلت
مارشال افغانستان

فهرست

- ۷ سومین سالروز رحلت مارشال افغانستان
- ۹ مارشال افغانستان همیشه به وحدت ملی و به تقویت نظام تاکید می‌کرد
- ۱۳ مارشال افغانستان از شخصیت‌های اثرگذار در چهاردهم اخیر کشور است
- ۱۵ مارشال افغانستان کاروان مجاهدین را خوب رهنمایی کرد
- ۱۹ مارشال افغانستان وطن دوست، هم‌کار و رفیق بود
- ۲۳ مارشال افغانستان یکی از ستون‌پایه‌های وحدت ملی در کشور بود
- ۲۷ مارشال افغانستان در شکست نهایی تجاوزگران نقش برآزنده ایفا کرد
- ۳۱ سومین سالروز رحلت مارشال افغانستان
- ۳۳ مارشال افغانستان هیچ نوع محافظه‌کاری و معامله‌گری را نپذیرفت
- ۳۷ اندیشه مارشال افغانستان تطبیق‌کردن اندیشه‌های پیامبر و صحابه کرام بود
- ۳۹ همواره از ارزش‌های جهاد و مقاومت یاد می‌کرد
- ۴۳ مارشال افغانستان از چهره‌های مؤثر و مطرح در تاریخ معاصر افغانستان است
- ۴۷ د افغانستان مارشال دا وطن د ټولو افغانستان خلک
- ۴۷ گد کور جوړ کړ
- ۴۹ نباید مارشال افغانستان را با شخصیت‌های امروزی مقایسه کنیم
- ۵۳ د مارشال فهیم له برکته اوس په مساجد او او دیني مدرسو کي د برق بل نه راځي

- ۵۷ مارشال افغانستان وعده خلاف نبود
- ۶۱ مارشال فهیم یقیناً یو مارشال او ملی شخصیت وو
- ۶۵ پیام مارشال کشور به علما
- ۶۷ مارشال افغانستان بدون در نظر داشت خواست امریکایی ها فرمان داخل شدن به کابل
- ۶۹ سومین سالروز رحلت مارشال افغانستان
- ۷۱ مارشال افغانستان مبارزاتش را با تعهد اسلامی آغاز کرد
- ۷۷ سنگ سیاه هلمند در نزد مارشال مانند زمرد پنجشیر و لعل بدخشان ارزش داشت
- ۸۷ نشست کاروان نور
- ۸۷ سومین سالروز رحلت مارشال افغانستان
- ۹۹ مارشال افغانستان یار نزدیک و باتدبیر مسعود شهید بود
- ۱۰۱ مقالات
- ۱۰۳ خاطراتی از مارشال افغانستان
- ۱۰۷ مارشال محمد قسیم فهیم، مرد درد و آگاهی
- ۱۱۱ مواضع دلیرانه مارشال فقید در دفاع از ارزش های جهاد و مقاومت
- ۱۱۳ یادى از مارشال افغانستان
- ۱۱۵ در نبود مارشال!
- ۱۱۷ جایگاه مارشال افغانستان پس از حکومت طالبان
- ۱۱۹ ولایت پنجشیر
- ۱۲۱ مارشال افغانستان مرد مجاهد، بی عقده و عیار بود
- ۱۲۳ شهادت احمد شاه مسعود و جانشینی مارشال فهیم
- ۱۳۳ تأسیس حکومت جدید نتیجه جانفشانی های مارشال فهیم است
- ۱۳۵ مارشال افغانستان هیچ گاه فراموش نکرد که یک مجاهد است
- ۱۳۷ مارشال افغانستان یکی از رهبران تأثیرگذار در تاریخ معاصر افغانستان است
- ۱۴۱ شهامت و تحمل از ویژه گی های شخصیتی مارشال افغانستان بود
- ۱۴۳ مارشال افغانستان عقیف و با سخاوت بود
- ۱۴۵ ولایت بلخ
- ۱۴۷ مارشال افغانستان فکر و اندیشه آزادی خواهی را از نوجوانی در سر می پروراند
- ۱۵۳ مارشال افغانستان بیرق نیمه افتاده وطن را به دست گرفت
- ۱۵۵ مارشال فهیم سنگرداری بود که برای کامیابی جهاد و مقاومت صادقانه خدمت کرد

- ۱۵۹..... ملت افغانستان اگر راه مارشال را ادامه دهند، اسارت ندارند
- ۱۶۳..... ولایت تخار
- ۱۶۵..... مارشال افغانستان بردبار و با حوصله بود
- ۱۶۷..... مارشال فهیم عالم و آگاه بود
- ۱۶۹..... مارشال افغانستان مرد شمشیر و قلم بود
- ۱۷۱..... مارشال افغانستان علاقه‌مندی به معارف و دانشگاه داشت
- ۱۷۳..... د مارشال خاطره د تل لپاره مونږ سره ژوندي ده
- ۱۷۵..... ولایت بغلان
- ۱۷۷..... مارشال فهیم به مردم جرأت داد
- ۱۸۱..... مجاهدین د ټول افغانستان افتخار دی
- ۱۸۳..... ولایت کندز
- ۱۸۵..... مارشال افغانستان پایه قوی مجاهدین بود
- ۱۸۹..... مارشال فهیم آزادی افغانستان را می‌خواست
- ۱۹۳..... مارشال افغانستان یکی از قافله‌سالاران کاروان مجاهدین بود
- ۱۹۷..... مارشال افغانستان برای ایجاد نظام عادلانه و میرا از تبعیض و تعصب جنگید
- ۲۰۳..... ولایت کاپیسا
- ۲۰۵..... مرحوم مارشال فهیم بعد از شهادت احمدشاه مسعود در رأس نیروهای مجاهدین
- ۲۰۷..... مارشال فهیم د قوم پرستی پر ضد وو
- ۲۰۹..... سخنرانی‌ها و پیام‌های مارشال افغانستان
- ۲۱۱..... سخنرانی مارشال افغانستان در روز چهلم شهادت سید مصطفی کاظمی
- ۲۱۷..... پیام مارشال محمد قسیم فهیم به مناسبت شش‌جلی
- ۲۱۹..... کارگاه چهار روزه جزایی - بیانیه افتتاحیه مارشال محمد قسیم فهیم



سخنرانی‌های تالار خیمه لویه جرگه

سومین سالروز رحلت مارشال افغانستان



مارشال افغانستان همیشه به وحدت ملی و به تقویت نظام تاکید می کرد

سخنرانی ادیب فهیم رئیس بنیاد مارشال فهیم در سومین سالگرد مارشال افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَشْرَفِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

جلالت مآب حامد کرزی رئیس جمهور پیشین، جلالت مآب احمدضیا مسعود معاون پیشین رئیس جمهور و نماینده خاص رئیس جمهور، جلالت مآب استاد محقق معاون دوم ریاست اجراییه، رهبران جهادی، اعضای فعلی و قبلی کابینه، اعضای انجمن والیان، مجاهدین عزیز، نماینده گان کشورهای خارجی، اتشه های نظامی، سفیر صاحب تاجیکستان، برادران و خواهران عزیز، السلام علیکم!

در ابتدا می خواهم از استاد محترم، رهبر جهاد و مقاومت، جناب استاد سیاف یاد کنم که واقعا

جای‌شان خالی‌ست. خداوند(ج) برای‌شان صحت عاجل نصیب کند و ان‌شاءالله که بزودی به‌کشور برگردند.

سومین سالروز درگذشت مارشال افغانستان را خدمت همه‌ شما ملت بزرگ و مجاهد کشور تسلیت عرض می‌کنم. حضور شما در این محفل بیان‌گر تعهد و احترام‌تان به ارزش‌های جهاد و مقاومت مردم افغانستان، ارزش‌های نظام نوین، وحدت ملی و هم‌پذیری و به جمهوری اسلامی افغانستان است. از تشریف‌آوری همه‌ شما ابراز سپاس می‌کنم.

این همه ارزش‌ها نتیجه فداکاری و قهرمانی ملت بزرگ ماست، همه ملت افغانستان قهرمان‌اند. درود می‌فرستم به روح همه شهدای افغانستان، مخصوصاً یگانه قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود، شهید صلح استاد برهان‌الدین ربانی، استاد عبدالعلی مزاری شهید، حاجی عبدالقدیر شهید، مصطفی کاظمی شهید، مطلب بیگ شهید، مرحوم حسین انوری، مرحوم خدایداد عرفانی و پیر سید احمد گیلانی مرحوم. خداوند روح همه عزیزان و بزرگان‌ما را که در جمع ما نیستند شاد داشته باشد و یادشان گرامی باد!

به‌منظور ارج‌گذاری به نقش و زحمات مارشال کشور در دوره‌های جهاد و مقاومت، اساس‌گذاری نظام نوین، مخصوصاً من‌حیث اولین وزیر دفاع جمهوری اسلامی در بنیان‌گذاری اردوی ملی کشور، به مارشال فقید لقب مارشال افغانستان اعطا گردید. این لقب بسیار پُرافتخار و متعلق به همه ملت افغانستان مخصوصاً منحصر به مجاهدین کشور است.

مارشال افغانستان تا آخرین لحظه حیات از این جایگاه پُرافتخار پاس‌داری کرد. همیشه به وحدت ملی و به تقویت نظام تاکید می‌کرد. مارشال افغانستان وجود یک نظام قوی را از ضروریات اصلی کشور عزیز ما می‌دانست و تاکید می‌کرد که چنین نظامی را می‌توانیم با هم‌پذیری، تدبیر و از خودگذری بنا کنیم. در عین حال، تاکید بر بهبود دوام‌دار در ساختارهای تشکیل‌دهنده نظام می‌نمود. امیدواریم تا رهبری حکومت وحدت ملی به وعده‌یی که در این مورد به ملت افغانستان سپرده‌اند، با قاطعیت عمل کنند.

امروز سرنوشت ملت عزیز ما به مجاهدت، مقاومت و شهادت بی‌نظیر نیروهای امنیتی دفاعی ما بسته‌گی دارد. بعد از گذشت دوسال از انتقال مسئولیت‌های امنیتی با تمام تلاش و دسایس دشمن، در رابطه به بقای نظام، مقاومت و فداکاری همه‌جانبه صورت گرفت. امروز در وضعیتی قرار داریم که مسئولیت هر فردی از ماست، مخصوصاً از بزرگان کشور تا در راستای تقویت نظام و حمایت همه‌جانبه از نیروهای امنیتی کشور که مارشال فقید نیز همواره به آن تاکید می‌کرد، تلاش عملی کنیم.

مارشال کشور، صلح را یک نیاز جدی امروز و فردای افغانستان می‌دانست. باور داشت که ما هم حق داریم تا مثل سایر ملت‌های جهان در صلح زنده‌گی کنیم.

تلاش‌های اخیر حکومت وحدت ملی و پیشرفت‌ها در پروسه‌ مصالحه با حزب اسلامی افغانستان

انجنیر صاحب حکمت یار، که در نتیجه آن پذیرش و حمایت از نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی کشور، ارزش های جهاد و مقاومت و ارزش های نظام نوین از جمله روندهای مردم سالار و آزادی بیان تأمین گردیده، قابل تقدیر است. پذیرفتن نظام جمهوری اسلامی از جانب این حزب، قدم مهمی در راستای برآورده شدن یکی از آرزوی های اساسی مارشال کشور است. از جلالیت مآبان رئیس جمهور و رئیس اجراییه، از بزرگان کشور، از هیئت مذاکره کننده شورای عالی صلح ابراز سپاس می نمایم. جا دارد تا به روح پیر صاحب مرحوم {سید احمدگیلانی} نیز دعا کنیم. خداوند روح شان را شاد داشته باشد.

با توجه به این پیشرفت ها در پروسه صلح، به سایر مخالفین نظام، مخصوصاً تحریک طالبان پیام می فرستیم تا با استفاده از فرصت موجود با ملت و دولت خویش بیوندند. در غیر آن، باید به طور واضح درک کنند، آن ها در مقابل یک نیروی شجاع ۳۵۰ هزاری نه، بل که در مقابل یک نیروی قوی ۳۰ میلیونی ملت افغانستان قرار دارند. در مقابل این ملت بزرگ نابود خواهند شد.

هم چنین، به حامیان معلوم الحال و حامیان جدید مخالفین پیام می دهیم تا دست از مداخله در امور افغانستان بردارند. حمایت از تروریستان تحت هیچ عنوانی قابل توجیه نیست و نتایج مثبت در قبال نخواهد داشت.

با این همه، در وضعیت کنونی، در بُعد داخلی، کشور بیشتر از همه به اتحاد و اتفاق و وحدت ملی و اجماع سیاسی ضرورت دارد. همان آرزوی همیشه گی مارشال کشور. پیشنهاد می کنیم از آن جایی که این محفل نیز تحت عنوان «ایجاد روحیه وحدت ملی» برگزار گردیده، به این ارزش اساسی و نیاز ملت، از جانب رهبران کشور تأکید همه جانبه صورت گیرد.

یک بار دیگر از همه شما بزرگان کشور، از مجاهدین عزیز، از خواهران و برادران عزیزم، مخصوصاً از جوانان کشور که همه باور به داشتن یک درک واضح از گذشته و اما متعهد به یک فردای بهتر در کشور عزیز ما استند، به خاطر حضورتان در این محفل ابراز نهایت سپاس را می کنم.

از رهبری حکومت وحدت ملی، از رئیس و اعضای کمیسیون عالی گرامی داشت از سومین سالروز درگذشت مارشال کشور، از نیروهای امنیتی کشور، تشکر می کنم.

تل دوی افغانستان

زنده باد افغانستان

والسلام علیکم و من الله توفیق



مارشال افغانستان از شخصیت‌های اثرگذار در چهاردههٔ اخیر کشور است

پیام محمد اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان به مناسبت سومین سالروز درگذشت
مارشال افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

هم‌وطنان گرامی، خواهران و برادران عزیز، السلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته!

مارشال محمد قسیم فهیم از شخصیت‌های اثرگذار در چهاردههٔ اخیر کشور بوده است. مرحوم مارشال محمد قسیم فهیم، سالیان طولانی عمر خود را از آوان جوانی تا آخرین لحظات حیات خویش در راه خدمت‌گذاری به مردم و کشور وقف کرد و در این راستا از خود فداکاری، رشادت و قهرمانی نشان داد. وی سال‌های زیادی را در سنگرهای مبارزه در برابر اشغال کشور در کنار شهید صلح و قهرمان ملی مشغول مبارزهٔ رهایی‌بخش بوده و در نبرد با تروریستان نیز در خط نخست مبارزه قرار داشته است.

مرحوم مارشال شخصیت چندبُعدی داشت و همین خصایص او سبب شده بود تا در میان مردم

از جایگاه و اعتبار خوبی برخوردار باشد. وی در دوران فعالیت خود به‌حیث یک مجاهد نترس و مدیر دل‌سوز به کشور و وطن تبارز کرد و همواره در راستای خیر و صلح کشور پیشگام بود. مرحوم مارشال پس از توافق «بُن» نقش برآزنده‌یی را در ایجاد زیرساخت‌های کشور ایفا کرده است که این نقش در تأسیس هسته‌های اول اردوی ملی مهم و حیاتی بوده است.

مردم افغانستان در سومین سال‌یاد مارشال فقید از کارنامه‌های آن مرحوم به نیکی یاد کرده و خاطرات مارشال مرحوم را گرامی می‌دارند. اکنون وقت آن رسیده است تا هواداران و هم‌فکران مارشال کشور به بررسی ابعاد شخصیتی او بیشتر از هر وقت دیگر پرداخته، افکار، اندیشه‌ها و آرزوهای ملی او را به نسل جدید به معرفی بگیرند.

با احترام

محمد اشرف غنی

رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی افغانستان



مارشال افغانستان کاروان مجاهدین را خوب رهنمایی کرد

سخنرانی داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه جمهوری اسلامی افغانستان در سومین
سالگرد مارشال افغانستان

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، اما بعد اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم. « إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ » آية ۴، سورة صف. ترجمه: الله متعال آن مؤمنان را که در راه او در صف جهاد با کافران، مانند بنیان و سدای آهنین هم دست و پایه دارند بسیار دوست می دارد. صدق الله العظيم.

حضر گرامی، جلالت مآب حامد کرزی رئیس جمهور پیشین جمهوری اسلامی افغانستان، جناب الحاج استاد محمد محقق معاون دوم ریاست اجرائیه، برادر عزیز فرزند ارشد مارشال صاحب مرحوم حاجی صاحب ادیب فهیم معاون ریاست امنیت ملی، برادر عزیز و گرامی احمد ضیا مسعود نماینده خاص ریاست جمهوری، شخصیت روحانی یادگار پیر صاحب سید احمد گیلانی برادر عزیز حامد آغا، برادر محترم صلاح الدین ربانی وزیر خارجه، داکتر صاحب زلمی رسول وزیر اسبق خارجه، برادر عزیز ما ارسال رحمانی، جناب عبدالهادی ارغندیوال رهبر حزب اسلامی، عبدالرحیم وردک وزیر دفاع

اسبق که همیشه در سالروز شهادت قهرمان ملی سخنرانی‌هایشان را می‌داشتیم، دکتر رنگین دادفر اسپنتا وزیر پیشین خارجه، بزرگان جهاد و سیاست افغانستان، خواهران و برادران محترم، مجاهدین بزرگوار، جنرالان و افسران قوای مسلح افغانستان، علمای کرام و جوانان عزیز، السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

در سومین سال یاد وفات مارشال افغانستان قرار داریم، این روز و یاد و خاطره را در حالی تجلیل می‌کنیم که حادثه‌یی را نیز در کابل شاهد هستیم که حتماً روی آن صحبت‌هایی شده و من نیز اشاره خواهم کرد. به روح مارشال مرحوم اتحاف دعا می‌کنم، به خانواده و فرزند ارشدشان که این‌جا حضور به‌هم رسانده است، به خانواده بزرگ جهاد و ملت قهرمان افغانستان تسلیت می‌گویم. اما در عین حال وقتی از بزرگی، یا سیاست سرزمین ما یاد می‌کنیم، از بزرگ جهاد و کلان مقاومت یاد می‌کنیم، از یک‌طرف ارج‌گزاری به ارزش‌های جهاد و مقاومت است و از جانب دیگر با یاد کارنامه‌های این شخصیت‌ها تجربه و مفکوره‌یی را به‌نسل امروز و فردا انتقال می‌دهیم.

مارشال محمدقسیم فهیم را بار نخست در ۱۳۶۴ خورشیدی، در درهٔ پنجشیر منطقهٔ «آب‌خاواک» در یگانه‌خانه‌یی که از جنگ با روس‌ها به سلامت مانده بود، دیدم که نماز صبح را به دنبال‌شان با آمرصاحب شهید یک‌جا اقتدا کردیم. از همان زمان، آشنایی، هم‌سنگری و رفاقت تا زمان وفات باهم داشتیم و مراحل مختلفی را نیز با هم طی کردیم. سه‌سال پیش در چنین روزی محفلی برای تجلیل از روز زن توسط خواهر مجاهد ما فتانه گیلانی برگزار شده بود که خبر درگذشت مارشال صاحب برایم رسید، واقعاً از جا کنده شدم. بعد از شهادت آمرصاحب، استاد ربانی و شهادت ده‌ها هم‌سنگر دیگر که شما تصاویرشان را در این تالار می‌بینید، خبر فوت مارشال افغانستان نیز یک تکان بزرگی بود که هم ما و هم کشور را تکان داد.

در طول سال‌هایی که با وی آشنایی داشتم یک‌رفیق خوب، یک هم‌سنگر باهمت، یک مرد پُرتلاش، شخصیت متحمل و بردبار و در عین زمان صاحب مفکوره، هدف و شخص با استقامت در راهی که به آن تعهد کرده بود، به همین صفات مارشال صاحب را می‌شناختیم. بعد از شهادت قهرمان ملی قسمت عمدهٔ مسئولیت‌ها به مارشال فهیم سپرده شد که این کاروان را خوب رهنمایی و رهبری کرد و مقاطع مختلف تصمیم‌های بزرگ گرفت. جای‌شان در بین خانواده جهاد و مردم افغانستان خالی‌ست.

چند روز پیش از شهادت شهید وحدت ملی عبدالعلی مزاری یادبود شده بود که از سراسر افغانستان مردم در آن شرکت ورزیده بودند و امروز نیز می‌بینیم که در محفل یادبود از مارشال افغانستان از تمام گوشه‌های افغانستان بزرگان سیاسی و جهادی کشور، علما، دانشمندان، جوانان، منسویین ملکی و نظامی همه حضور به‌هم رسانیده‌اند، این حرف نشان‌گر آن است که «این چراغ را ایزد برافروخته»، این عزتی‌ست که خداوند نصیب رهروان راه جهاده کرده است که خداوند این عزت را شامل حال همهٔ ما داشته باشد. خداوند استاد جهاد و مقاومت، استاد علم و دین، رهبر مجاهد استاد سیاف را که در بیرون از افغانستان تحت مداوا قرار دارند، صحت کامل نصیب کند. چون‌که در این

روزها همه انتظار سخن‌رانی‌های استاد را بیشتر از سخن‌رانی‌های ماها می‌داشتند به دلیل این که استاد همیشه به ملت ما پیام داشته‌اند.

امروز در حالی این مراسم را تجلیل می‌کنیم که در شفاخانه «چهارصدبستر» حمله تروریستی صورت گرفته است. حمله در شفاخانه، یعنی محل تداوی در کدام دین، در کدام مذهب، در فرهنگ کدام ملت جایز و رواج است؟ این حمله قبیح و جنایت را با شدیدترین الفاظ تقبیح می‌کنم و کسانی که دستور این حمله را داده‌اند، با چنین جنایتی خسارت دنیوی و اخروی برای خود کسب کرده‌اند که هیچ‌وقت از طرف ملت افغانستان بخشوده نخواهند شد. باز هم متأسفانه هر جنایت و کشتاری که صورت می‌گیرد، با سوءاستفاده از نام اسلام و سوء تعبیر از تعالیم اسلامی صورت می‌گیرد. این حادثه متأسفانه تلفاتی داشته است که به روح شهدا اتحاف دعا کرده و به خانواده‌هایشان تسلیت می‌گویم. اما یک پیام بسیار واضح هم است که جنایت، ترور، دهشت و وحشت هیچ حد و مرزی ندارد. عمل کرد این گروه در برابر تمام انسانیت و بشریت است.

برای مردم افغانستان ایجاب می‌کند، وضعیت را مطابق شرایطی که در کشور حاکم است بنگرند و به اوضاع تأمل کنند و تصمیم مهمی را در حیات ملی ما که ضرورتش است هر لحظه و در هر قدم خود و در هر لحظه از حیات سیاسی و زنده‌گی خود مدنظر داشته باشند و آن عبارت از این است که وحدت ملی در سرزمین ما و وحدت مردم افغانستان یگانه جواب به دشمنان این سرزمین است. اما این وحدت هیچ‌وقت تأمین شده نمی‌تواند اگر تبعیض باشد، اگر بی‌عدالتی باشد و اگر حق تلفی باشد. زمانی دشمنان توانسته‌اند اهداف شوم‌شان را در کشور و سرزمین ما پیاده کنند که ما متفرق بوده‌ایم.

امروز هم متأسفانه ما آن چیزی را که ضرورت مصالح علیای کشور و منافع ملی ماست، کم داریم. تقسیم‌بودن به قوم و قبایل را که خداوند پاک سبب تعارف و منشأ شناخت در میان انسان‌ها تلقی کرده است، متأسفانه ما از آن سبب اختلاف و به‌جان‌هم‌درآویختن ساخته‌ایم. اگر به دردهای اصلی مردم افغانستان توجه نکنیم، اگر از وظیفه و تعهد اصلی ما در قبال خدا و مردم افغانستان غفلت کنیم، بدون شک دشمنان افغانستان در دشمنی با ما متهورتر می‌شوند. دشمنی که امروز بر کشور ما حمله کرده است، در یک‌جایی پایگاه دارد و از وی حمایت صورت می‌گیرد که می‌آید با افتخار مسئولیت کشتار، انتحار و قتل عام مردم بی‌گناه، مریض و مجروح را به عهده می‌گیرد. آیا ما در برابر چنین دشمنی یک‌صدا هستیم؟ آیا ما به یک‌صدا همین‌گونه دشمنی با مردم افغانستان را محکوم می‌کنیم؟ سوال و حرف اصلی در همین نقطه است! اگر کم‌ترین انحراف در این‌جا نشان بدهیم و یا کم‌ترین شک و تردید را در شناخت دشمن از خود نشان دادیم، با این حال به دشمن خدای ناخواسته مجال خواهیم داد که به جنایت خود ادامه بدهند.

روزهایی که از شخصیت‌های بزرگ و نام‌دار کشور تجلیل می‌شود، ما را متوجه منافع ملی کشور، مصالح علیای کشور، ضرورت وحدت ملی، ضرورت تأمین عدالت اجتماعی و ضرورت هم‌بسته‌گی و تعهد مجدد در راه تحقق آرمان‌های شهدای افغانستان بسازد. خداوند روح همه شهدای ما را شاد

داشته باشد. ضرورت وحدت ملی و ضرورت تحکیم صفوف مجاهدین جهاد و مقاومت به صورت کُل، می تواند راه گشای مشکلات ما باشد.

در این روز که یادآوری از بزرگ جهاد و مقاومت است و در عین زمان حادثه‌یی در این کشور اتفاق افتاده است که هنوز ادامه دارد، نمی‌خواهم بیشتر مزاحم شما شوم، خداوند شما را به خیر و سلامت داشته باشد. خداوند ملت ما را سرفراز، مجاهدین را با عزت، وحدت را همیشه‌گی و همه مردم افغانستان را صلح با عزت و پایه‌دار نصیب کند.

و السلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته!



مارشال افغانستان وطن دوست، هم کار و رفیق بود

سخنرانی حامد کرزی، رئیس جمهوری پیشین افغانستان در سومین سالگرد مارشال افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

بزرگان حاضر در مجلس، حضار گرامی، فرزند ادیب مارشال عزیز ما ادیب جان فهیم!

امروز دو احساس دارم، یکی احساس غم و دیگر احساس خوشی. احساس غم این که دوست عزیز و رفیق چندین ساله و متحد سیاسی و کاری ام در میانما نیست. بسیار رفیق و دوست بودیم. احساس خوشی ام این است خوش بختانه می بینم که به یاد همه ما است و خاطراتش زنده است و او را فراموش نکرده ایم. بسیار خوشحال هستم که مثل همیشه در سه سال گذشته باز هم در مجلس بزرگ و سنگینی از مارشال عزیز افغانستان یاد می کنیم. ادیب جان، فرزند مارشال عزیز ما، همان گونه که نامش ادیب است واقعاً ادیب هم است، خوش حال هستیم که فرزندی مثل ایشان برجای دارند و ان شاء الله تعالی که جای شان را پُر کند.

پیشتر قصه یی از مارشال افغانستان کردند، گفتند مارشال صاحب، مارشال افغانستان بود، حقیقتاً همین طور بود. من یک بار نه، دوباره نه، سه بار نه، چهار بار نه، بارها و بارها شنیده بودم از مارشال

صاحب که می‌گفت: من مارشال افغانستان هستم! در جاهای مختلف، در مواقع مختلف و در صحبت‌های مختلف.

یک‌زمانی پس از شهادت استاد برهان‌الدین ربانی شهید صلح عزیزما، صحبت شد که جانشین استاد عزیزما در جمعیت اسلامی کی می‌شود؟ صحبت‌های طولانی در این مورد صورت گرفت، با مارشال نشستیم؛ گفتم، مارشال! جلساتی راجع به جمعیت اسلامی شروع شده است، تو چه فکر می‌کنی؟ تو در این جلسات اشتراک می‌کنی؟ شوق کلانی جمعیت را داری؟ گفت نخیر رئیس صاحب، گفتم چرا؟ گفت من مارشال افغانستان هستم، برای من همین عنوان کافی است. یعنی مارشال ما خود را از دایره فعالیت سیاسی بیرون کرده بود. فعالیت سیاسی چیز بد نیست، کار بسیار نیک است، ولی مرحله‌یی در زنده‌گی انسان می‌رسد که انسان می‌اندیشد که از این گروه و آن حزب نیستم، بل که من متعلق به همه می‌باشم.

مارشال عزیزما، از همه بود. از وطن‌دوستی‌شان، بهترین مثالش روزی است که بعد از حادثه یازدهم سپتامبر گفت‌وگو و حرکاتی راجع به افغانستان شد کشورهای غربی و شرقی با هم مجالسی داشتند، در آن مجالس پیشنهادهای شده بود که اگر تحریک طالبان شکست نخورند باز شما چه‌طور می‌کنید؟ یکی از بزرگان این منطقه با مارشال ما در یکی از کشورهای همسایه در مجلس بود که این پیشنهاد را به مارشال کرده بود که شما چه فکر می‌کنید؟ مارشال برای‌شان چه گفته بود؟ مارشال برای‌شان گفته بود برادرها، ما در افغانستان سنگ را به چند عنوان یاد می‌کنیم، در یک‌جای سنگ برایش می‌گوییم، در جای دیگر «تیگه» برایش می‌گوییم، من هم سنگ افغانستان را می‌خواهم و هم «تیگه» افغانستان را می‌خواهم و من صاحب هر دویش هستم. حقیقتاً که همین‌طور بود. به صدها و هزاران بار چنانچه دوستان ما در کابینه این‌جا حضور دارند ثابت شده است که وطن‌دوست، هم‌کار و رفیق بود.

یک‌روز من و مارشال در یکی از جلسات جنگ کردیم. جلسه خلاص شد، من رفتم به‌طرف نماز و مارشال رفت به‌طرف معاونیت ریاست‌جمهوری. دو روز از این قضیه گذشت، دیدم که مارشال عزیزما در دفترم ایستاده است، برخلاف معمول صبح وقت آمده بود. من که دیدمش گفتم مارشال چه می‌کنی؟ ما و تو دیروز جنگ کردیم، آدمم که ببینم از من خفه نباشی، من گفتم نی در کجا جنگ کردیم؟ گفت دیروز جنگ کردیم، من گفتم مارشال او جنگ نبود، مجلس حکومتی بود در مجلس حکومتی آن‌طور گپ‌ها می‌باشد، گفت پس رئیس صاحب خفه نیستی؟ من گفتم نه، گفت برو به کارهایت برس، من رفتم به امان خدا. بسیار عزیز و رفیقم بود. در مسائل ملی مملکت‌ما، در مسائل پالیسی حکومت، در تصامیم بزرگ، در جایی‌که با من اختلاف نظر می‌داشت، می‌آمد با من به تنهایی برایم می‌گفت که بنابراین دلایل من با شما در این مسأله موافق نیستم. در جلسات کابینه، وقتی در مسأله‌یی با من موافق نمی‌بود، به نرمی و آرامی آن مسئله را یاد می‌کرد، اما در بیرون از جلسات رسمی حکومتی هیچ‌گاهی از مخالفت‌هایش چیزی نمی‌گفت.

خواهران و برادران عزیز!

حرف‌های گوناگون در مورد مارشال افغانستان از رسانه‌های داخلی و خارجی شنیده‌اید، مارشال افغانستان خدمت‌گار این خاک بود و دلش برای این خاک می‌سوخت. ادیب جان در بیانیه خود کامیابی مذاکرات صلح را با حزب اسلامی یادآوری کرد، خاطره‌ی از جریان همین مذاکرات به یادم آمد. روزی از انجنیر صاحب حکمت‌یار نامه‌ی دریافت کرده بودیم، این نامه راجع به کوشش‌های صلح و آرزوی حکمت‌یار به برگشتن و کارکردن بود. پس از دریافت این نامه، در نخستین گام به مارشال تماس گرفتم، گفتم مارشال از انجنیر صاحب حکمت‌یار نامه آمده است. بسیار خوشحال شد، گفت به راستی؟ گفتم بله! گفت چه گفته است؟ گفتم راجع به صلح است، گفت بسیار کار نیک است. پس از آن به استاد برهان‌الدین ربانی زنگ زدم، استاد ربانی و مارشال بسیار به شوق و احساسات گفتند خدا کند که این پروسه صلح زودتر تحقق پیدا کند. مارشال صلح را در این خاک می‌خواست، خانه‌اش در همین خاک بود و اولادش نیز در همین خاک بود. خداوند آرزوی مارشال صاحب را که صلح افغانستان بود، برآورده سازد.

همین پیشتر که می‌آمدم جگرم بسیار خون بود زیرا دشمنان افغانستان به شفاخانه چهارصد بستر حمله کرده‌اند که امیدوارم عساکر و زخمی‌های ما در این حمله آسیب ندیده باشند. خدا دشمنان افغانستان را شکست بدهد، خداوند اصلاح‌شان بگرداند، خدا و راستی (به خدا سوگند که) اگر حرف بد به زبان در مورد دشمن هم بیاید، خدا اصلاح‌شان کند.

خوش و آباد باشید، خاطره خوش از مارشال داشته باشید، انسان نیک بود، آباد و جاویدان باشد. خداحافظ تان.



مارشال افغانستان یکی از ستون پایه‌های وحدت ملی در کشور بود

حاجی محمد محقق، معاون دوم ریاست اجرائیه در سومین سالگرد مارشال افغانستان

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَی سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِ قُلُوبِنَا اَبُو الْفَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ وَعَلَهُ اللهُ عَلَی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ مِنَ الْاَن اِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

قال الله تبارک و تعالی فی الکتابه الکریم «اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِي سَبِيْلِهِ صَفًا كَانْتَهُم بُنِيَانًا مَّرْضُوعًا» آیه ۴، سوره صف. ترجمه: الله متعال آن مؤمنان را که در راه او در صف جهاد با کافران، مانند بنیان و سدّی آهنین هم‌دست و پایه‌دارند بسیار دوست می‌دارد.

حضار گرامی! رهبران معظم جهاد، رهبران پیشین و حال دولت اسلامی افغانستان وکلای محترم پارلمان، مجاهدین عزیزی که در این مجلس حضور دارند، السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

امروز به‌خاطر تجلیل از یک مجاهد قهرمان و از یک بزرگ‌مرد تاریخ کشورما، همه‌گی جمع

شده‌اند. سومین سال‌یاد درگذشت مرحوم مارشال محمدقسیم فهیم را به همه ملت افغانستان، هم‌سنگران، دوستان و خصوصاً برای برادرزاده‌ها ادیب خان فهیم تسلیت می‌گویم. خداوند روح این مرد بزرگ را شاد داشته باشد. هم‌چنان به همه جهادگران و شهدایی که در راه آزادی و استقلال افغانستان جان داده‌اند، درود می‌فرستم. خصوصاً به رهبران شهید و ستاره‌گان درخشانی که در این سرزمین جهاد کردند و امروز در میان ما نیستند، یا شهید شدند و یا به‌نحوی از این دنیا رفته‌اند. شهید صلح افغانستان استاد برهان‌الدین ربانی، قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود، شهید وحدت ملی افغانستان استاد عبدالعلی مزاری، حاجی عبدالقدیر و حاجی عبدالحق شهید، مطلب بیگ شهید، احمدخان سمنگانی شهید و ده‌ها و صدها شهیدی که هم‌چون ستاره در آسمان کشور ما می‌درخشند و به رهبرانی که از دست ما رفته‌اند به روح‌شان درود می‌فرستم، پیر سید احمد گیلانی، آیت‌الله صادقی پروانی که از مجاهدین بسیار بانام کشور ما بودند و در این روزها از میان ما رفتند. به همه کسانی که امروز در میان ما نیستند، درود و احترام می‌فرستم.

چند کلمه‌یی را که به نوبه خود به‌شما به‌عرض می‌رسانم این است، افغانستان سرزمین غازیان و جهادگران است. اگر در تاریخ کشور ما افتخاری داریم، از همین مردمان است. اگر استعمار کهن انگلیس با آرزوهای درازش از این کشور دو دوره شکست خورد و رفت، اگر اتحاد جماهیر شوروی یک وقتی خیال بلعیدن این کشور را داشت بعد از ده‌سال شکست را تحمل کرد و رفت، و اگر تروریسم بین‌المللی در این کشور زمین‌گیر شد، همه از برکت مبارزه مجاهدان افغانستان می‌باشد. اگر در میان خرد و کلان افغانستان نام نیکی را بخواهیم به‌کسی نسبت بدهیم، همین خواهد بود که او را غازی یا مجاهد بگوییم. بزرگ‌ترین افتخاری که مردم برای امان‌الله خان می‌دهند، او را امان‌الله خان غازی می‌گویند. پس باوجود همه نامهربانی‌ها و ناجوانی‌هایی که در برابر مجاهدین شده است، باز هم می‌بینیم که این نام نیک در کشور ما جای‌گاه خود را دارد و هیچ‌گاهی نمی‌تواند کسی این واژه و اصطلاح زیبا را از فرهنگ کشور ما دور کند. این واژه گل‌واژه ادبیات افغانستان است. به‌خاطری که این واژه مقدس در میان متون فرهنگ آن‌چنان عجین شده است که نمی‌توان آن را از فرهنگ ملت مجاهد ما جدا کرد.

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُيُوتًا مَرْضُوصًا» آیه ۴، سوره صف. خداوند دوست می‌دارد کسانی را که مقاتله می‌کنند در راه خدا، مانندی که حصار از سرب‌بند، یعنی از جای خود تکان نمی‌خورند. این‌چنین مجاهدان را خداوند دوست دارد. این‌جا یک نکته است، میلیاردها مسلمان به خدا علاقه‌مند است و معبودش را دوست دارد، اما این‌جا برعکس شده است، معبود انسان را دوست دارد و این‌جا جای‌گاه بزرگی است. قرآن کریم به صراحت می‌گوید، خداوند دوست می‌دارد کسانی را که در راه او مقاتله می‌کنند. پس جای‌گاه جهاد در متن فرهنگ دینی در قرآن کریم و احادیث است که نمی‌شود آن را از فرهنگ دینی مردم جدا کرد. تا بیرق اسلام در این سرزمین بلند است، تا زمانی که جهاد مردان از وجب‌وجب این خاک دفاع می‌کنند، این گل‌واژه [مجاهد- هم‌چنان می‌درخشد. گاهی نیز کسانی هستند که در جهاد شهید نمی‌شوند، اما از آن‌جا که در همان مسیر در حرکت می‌باشند، اجر جهاد و شهادت را در پیشگاه خداوند دارند.

در قرآن کریم آمده است، «... وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا» سوره النساء، آیه ۱۰۰. ترجمه: ... و هر گاه کسی از خانه خویش برای هجرت به سوی خدا و رسول بیرون آید و در سفر، مرگ وی فرا رسد اجر و ثواب چنین کسی بر خداست و خدا پیوسته آمرزنده و مهربان است.

کسی که از خانه خود بیرون می‌شود در حالی که مقصدش خداوند و رسول اوست، اگر در مسیر راه با مرگ طبیعی از دنیا می‌رود، آن اجر و پاداشی را که خداوند برای مجاهدان و تلاش‌گران راه خود می‌دهد، برای او نیز خواهد داد. پس مارشال فقید ولو این‌که در میدان رزم به شهادت نرسید، اما تلاش شبانه‌روزی کار او برای خدا، برای استقلال وطن، برای حفظ این سرزمین بود، بدون شک اجر جهاد و شهادت را با خود دارد. ایشان یکی از استوانه‌های مهم مردم افغانستان بود و یکی از پایه‌های عظیمی بود که این ملت را نگه می‌کرد.

روزهای دشوار، روزهای سخت یعنی سه‌سال آخر مقاومت که تروریسم بین‌المللی جنوب، غرب و شمال را گرفته و می‌گفتند که نود و پنج درصد خاک افغانستان در دست ماست، این‌روزها روزهای بسیار سخت بودند. در آن زمان من در نقطه‌یی از این سرزمین در کوهستانات شمال یعنی بلخاب و دره صوف که نقطه وصل چهار-پنج ولایت شمال بود، سه‌سال در محاصره بودم. مهمات و امکانات خود را از راه‌های بسیار مشکل تهیه می‌کردیم. حتا خرج و خوراک مردم را به دشواری پیدا می‌کردیم، چه رسد به مجاهدین. از چهارسو راه‌ها به‌روی ما مسدود شده بود، مهمات به‌هیچ وجه نمی‌رسید خوراک، گندم و آرد نیز سر ما بسته بود. در آن‌جا فقط یک راه باز شده بود از طرف یکاولنگ که آن‌جا نیز سید صوفی گردیزی که انسان با شهامتی بود، همراه با طالبان قومندان بود، از این‌که با ملا محمد عمر آخوند رفاقت داشت، به زور خود همین راه را به‌روی ما باز کرده بود که توانستیم حداقل به آرد و برنج در زمان قحطی از طریق مسیر یکاولنگ دست‌رسی پیدا کنیم. از این‌ها که بگذریم، اکمالات مختصری توسط امکانات هوایی از طرف قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود که در آن زمان فرمانده عموم جبهات مجاهدین و وزیر دفاع بود، برای ما صورت می‌گرفت که متأسفانه پس از چندی آن نیز قطع شد.

وقتی که آمرصاحب به شهادت رسید، همه مردم فکر می‌کردند که قضیه ختم شد، من نیز مجاهدین دره صوف را خواستم و گفتم برادران قضیه از این قرار است، مردم گفتند که توکل به‌خدا مثل سابق ایستاد می‌شویم. در همین زمان بود که تماس من با مارشال فهیم برقرار شد و برای ما گفت، مطمئن باشید که جبهه را رها نمی‌کنیم، همان‌طور که آمرصاحب شهید در حمایت از شما در پشت سرتان ایستاد بود و با شما همکاری می‌کرد، من نیز همکار و پشتیبان شما خواهم بود. هم‌زمان استاد شهید برهان‌الدین ربانی رئیس‌جمهور وقت نیز برای ما در این مورد اطمینان داده بود. همین بود که مارشال مردانه ایستاد شد و جبهه را تا زمانی که قوت‌های بین‌المللی پای‌شان به این‌جا کشانده شد، نگه کرد که با مدیریت خوب او افغانستان به‌طرف پیروزی رفت. پس وقتی که برای او لقب مارشال افغانستان داده شد، لقب به‌جا بود. چون وقتی مجاهدین افغانستان برای قوای خارجی پیروز شده

بود، این لقب را باید دریافت می کرد که برای کلان مجاهدین یعنی مارشال محمدقسیم فهیم داده شد. زیاد وقت شما را نمی گیرم، خاطرات بسیار خوبی از مارشال فقید داریم. انسانی بود که برای کُل افغانستان فکر می کرد که یکی از ستون پایه های وحدت ملی افغانستان بود. از خداوند روحشان را شاد می خواهم. خداوند او را غریق دریای رحمت خود بگرداند. در آستانه سومین سالروز درگذشت مارشال افغانستان، برای وی و تمام شهدای افغانستان اتحاف دعا می کنم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته!



مارشال افغانستان در شکست نهایی تجاوزگران نقش برازنده ایفا کرد

سخنرانی عبدالرحیم وردک، وزیر اسبق دفاع ملی در سومین سالگرد مارشال افغانستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.

دیر محترم و گران و رور، د افغانستان پخوانی جمهور رئیس جلال‌مآب حامد کرزی، د اجراییه محترم رئیس داکتر عبدالله عبدالله، محترم استاد محمدکریم خلیلی، محترم د اجرائیه مرستیال حاجی محمد محقق، د جهاد و مقاومت اتلو مشرانو، د دولت محترم اراکینو، د پارلمان درانه مشرانو او استازو، بهرنیو دیپلوماتانو، کورنیو بهرنیو مهمانانو، خویندو ورونو السلام علیکم و رحمت الله و برکاتو!

افتخار دارم که امروز در مراسم بزرگداشت و یادبود از سومین سالگرد وفات دوست از دست‌رفته‌یی، برادر در خاک‌رها زنده‌یی، ابرمرد به‌خاک‌خفته‌یی، مارشال به‌وطن شیفته‌یی فرصت ایراد سخنان چندی میسر گردید. اول‌تر از همه اجازه دهید که به ارواح پاک شهدای وطن درود بی‌پایان بفرستیم. به حماسه‌آفرینان و طلایه‌دارن گذشته ارج بگذاریم، معلولین و معیوبین رستاخیز جهاد و مقاومت و مبارزات کنونی را گرامی داریم و به روان شاد شهدای اردوی ملی، پولیس و امنیت

ملی و هزاران زن، طفل، پیر و جوانی که به وسیله دهشت تروریستان شهید شده‌اند، اتحاف دعا کنم. کی می‌توان نوشت و کی می‌توان سرود؟ شرح حکایت قهرمانان و علم‌برداران تاریخ آزاده‌گی، جهاد و مقاومت و مجاهدت‌های پیگیر ملت افغانستان را که همه پیروان مکتب فرقان بودند که در عالمی از یأس و ناامیدی به ایزد تکیه کردند و بر این‌که از او هستند و به او باز می‌گردند، وفادار ماندند و با اهدای جان شیرین خود به مرگ و خون خندیدند و واژه عشق و ایثار به خدا و وطن را جاویدان به تاریخ بشریت به ارمغان سپردند.

در طول اعصار و قرون متمادی تاریخ کشورما همواره متلاطم و توفانی بوده است، اما باید یادآور شد که چهار دهه اخیر تاریخ ما پُرماجرتر از گذشته بوده و پیامدهای آن نیز ژرف‌تر و تأثیرگذارتر و فراگیرتر و جهانی‌تر است. دوره‌های مختلف از خود رادمردی، قهرمانی، عیاری و عاشقی به خدا و وطن به‌جا گذاشته است. مارشال فهیم ما شخصیتی است که در جریانات چهاردهه اخیر تبارز کرده و در مسیردادن رویدادهای دونیم دهه اخیر نفوذ و تأثیرگذاری وی روشن و انکارناپذیر می‌باشد. اگر اجل پیش از وقت او را شکار نمی‌کرد، شاید تحولات و تغییرات سیاسی اخیر شکل و رنگ دیگری می‌گرفت.

افغانستان در چهار دهه اخیر میدان جنگ‌ها، تخته شطرنج سیاسی جهانی و منطقه‌ای و صحنه بازی ده‌ها سازمان استخباراتی بوده است که پدیده‌های ناشی از آن با دسیسه‌ها، توطئه‌ها، نفاق و خانه‌جنگی‌ها، آواره‌گری‌ها، پروپاگندها و تخریب زیربناهای کشور توأم است. از میان‌بردن تأثیرات مادی و معنوی این پدیده سالیان درازی را در بر خواهد گرفت، خسارات مادی شاید جبران شود، اما ضایعه معنوی و ویژگی‌های کرکتر اصیل و ملی به مشکل احیا خواهد شد. در شرایط کنونی شخصیت‌ها همواره در نتیجه پروپاگندهای سیاه، سفید و خاکستری هدف قرار می‌گیرند. دست‌پرورده‌گان حلقات استخبارات خارجی فرزندان صدیق و شفیفته‌گان واقعی اسلام و میهن را شکار می‌کنند در حالی که واقعیت‌ها چیز دیگری و انتباهات چیز دیگری است.

آری! مارشال فهیم ما در چنین فضایی رشد کرد و بر اریکه عالی‌ترین مقامات دولتی تکیه زد. او مانند همه فرزندان واقعی میهن تمام تکالیف، درد و رنج دوران جهاد و مقاومت را در کنار مردم خود سپری کرد و آن‌ها را تنها نگذاشت و در دفاع از آخرین گوشه وطن و شکست‌نهایی تجاوزگران نقش مهم و براننده‌یی ایفا کرد و بعد از آن نیز به‌خاطر تأمین صلح و ثبات ریفورم و احیای مجدد اردوی ملی و بازسازی وطن از هرگونه تلاش و بذل مساعی فرو گذاشت نکرد. او هم مانند اکثر هم‌راهان نزدیک قهرمان ملی احمدشاه مسعود شهید که از جانب وی به فراگرفتن سند حرب و به‌ویژه جنگ‌های غیرمنظم به خواندن اشعار و ادبیات تشویق شده بودند، مطالعات عمیقی داشت و هرگز در مغایرت معیارهای حرب و استراتژی از او سخنی شنیده نشد. باید گفت که شخصیت عیاری داشت، قولش قول بود و وعده‌اش وعده؛ آن‌هم در هوا و فضایی که امروز بر محیط اجتماعی ما مسلط است که خصلت اصیل و ملی سخت صدمه دیده، وفا به عهد و صداقت و دوستی واقعی به ندرت سراغ می‌شود، حيله و نیرنگ و دروغ و تأمین منافع شخصی بر همه چیز چیره شده و پیشی گرفته است.

مارشال از هر گوشهٔ وطن و هر قوم دوستان زیادی داشت که بر حمایت از آنها سخت تأکید می‌کرد، این امر ملی‌بودن کرکترش را برملا می‌ساخت. همه شاهد رقت قلب و ریزش اشک‌های او بوده‌ایم که از درد و رنج مردم و وطن گاهی زار می‌گریست. مارشال فهیم، بسیار بی‌موقع و زود هنگام داعیه اجل را لبیک گفت و به بسیاری از آرمان‌ها و آرزوهایش در راستای خدمت به وطن نرسید.

آری مرگ پاداش نواده‌گان آدم است که تقدیر بر پیشانی همهٔ ما حک کرده است، کسی را زود و کسی را دیر در آغوش می‌کشد. خداوند روح مارشال عزیز ما را که کارنامه‌های زنده‌گی‌اش با تاریخ جهاد و مقاومت و بازسازی افغانستان محکم و برای همیشه گره خورده است شاهد نموده جایش را بهشت برین و یادش را جاویدان سازد.

و من الله التوفیق، تل دی وی افغانستان



نشست علما

سومین سالروز رحلت مارشال افغانستان



مارشال افغانستان هیچ نوع محافظه کاری و معامله گری را نپذیرفت

متن سخنان دکتر ایاز نیازی-استاد دانشگاه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَشْرَفِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ. فاعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» سورة هجرات، آیه ۱۰.

محبت و احترامی که بنده به مارشال فهیم فقید داشتم و دارم باعث شد تا دوستان را بگویم، اگر شما به محفل گرمی داشت از رحلت مارشال کشور می روید، من هم باید در آنجا حضری بدهم، چرا که از حقوق مسلم این شخصیتی است که از او شناخت کامل داشتم. حال چند صفاتی به شکل مختصر از او خدمت شما به عرض می رسانم.

علمای معزز، دانشمندان گرمی، جوانان عزیز، مهمانان محترم، السلام علیکم ورحمت الله و برکاته!

بدون شک چیزی که مارشال افغانستان به آن افتخار می کرد و همیشه تکیه کلامش بود، این که

پیش از همه چیز می‌گفت: من یک ملا استم. مارشال کشور با من گاهی شوخی می‌کرد، زمانی که به زیارتش می‌رفتیم، می‌گفت که والله! تو ملایی مرا ضربه (صدمه) زده‌ای! می‌گفتم که چه طور؟ می‌گفت که حالا زن‌ها فتوهای ترا بیشتر گوش می‌دهند و به فتوای من کم‌تر گوش می‌دهند. مارشال فهیم افتخار می‌کرد که یک عالم و عالم‌زاده بوده است.

فروتنی مارشال افغانستان:

هیچ‌گاه از زبان و حرکات مارشال افغانستان کسی احساس نمی‌کرد که او یک مرد متکبر، خودخواه و یا نظامی است. همیشه پیشه و اخلاقش فروتنی بود.

مجاهد بودن و افتخار کردن به جهاد:

مارشال افغانستان همیشه می‌بالید که او یکی از فرزندان سنگر است. واقعاً شاید پس از رحلت او همه دوستان احساس کرده باشند که یک خلاء بزرگی به میان آمد، بدون شک که چنین چیزی بود.

چیزی که بسیار مهم است گفته شود، زمانی که احمدشاه مسعود به شهادت رسید، در آن زمان من در مصر بودم، با وجود استاد برهان‌الدین ربانی شهید، استاد عبدرب الرسول سیاف و سایر بزرگانی که بودند، مجاهدین تشویش زیادی داشتند که شاید خلاء بزرگی به میان آید، بدون شک جمع شدنش بسیار مشکل است، چون شهادت احمدشاه مسعود پیش‌بینی نمی‌شد، ولی همین مرد واقعاً بزرگ و شخصیت جهادی که در دسترخوان جهاد تغذیه شده بود، توانست با اراده آهنین و با ایمان قوی که به پروردگار خود داشت، خلاء را پُر کند.

در این شب‌ها و روزها همه ما سخنان مارشال افغانستان را از طریق رسانه‌ها می‌شنویم و درک می‌کنیم که او چه قدر به صلح و یک‌پارچه‌گی ملت خود تشنه بود. شب گذشته بعضی از نکات مهمی که از صحبت‌هایش ثبت است و نه تنها که در رسانه‌های ما ثبت است، بل که در خاطرات مردم افغانستان نیز ثبت است را در شماری از رسانه‌ها دیدیم که یکی از آن‌ها را نقل می‌کنم:

مارشال می‌گفت: برادران! هر چه که بودیم، در هر جهتی که قرار داشتیم، بیاید به صفت مسلمان و مردم افغانستان اعم از طالبان و همه مردم این کشور به خاطر آبادی این وطن، به خاطر تقویۀ صفوف خود، به خاطر تقویۀ ملت خود دست به هم داده و کار کنیم.

دوستان عزیز! انسانی که در چنین موقعی قرار داشته باشد، شاید از محافظه‌کاری کار بگیرد، بسیاری از افرادی که در سنگر قرار داشتند، امروز آن جرأت را کرده نمی‌توانند تا چنین ابراز نظر کنند، اما مارشال فهیم با وجود این که بالاترین رتبه نظامی داشت و شخصیت ملی بود و در یک موقف بزرگ و متینی قرار داشت، هیچ نوع محافظه‌کاری و معامله‌گری را نپذیرفت، بل که چیزی، قولی و گفته‌یی را تکرار می‌کرد که در آن رضای خداوند متعال و یک‌پارچه‌گی ملت مسلمان افغانستان است.

در این مجلس علمای عزیز کشور همه اعضای یک خانواده استیم از تمام اقوام عزیز افغانستان

حضور دارند، شخصیت‌های بزرگ جهادی و سیاسی ...، که در این جا حضور دارند، دلالت به این می‌کند که ملت مسلمان افغانستان به مارشال فقید خود احترام، محبت و اخلاص دارند.

این خط باید حفظ شود، اما متأسفانه چنین نشده است. امروز از برادران بزرگ مجاهد خود که توقعات زیادی داشتیم، آن نبضی را که در مارشال فهیم می‌دیدیم در اینان بینیم. مثلاً وقتی که قضیه جهاد و مجاهدین پیش می‌آمد، همیشه موقفش واضح بود و می‌دانست چه قدر دشمن بالایش حساب می‌کند؛ بارها تهدید شد، اما هیچ نوع تهدیدی نتوانست مارشال فهیم را از موقف اسلامی و جهادی‌اش عقب بزند، بل که همیشه مصمم به طرف پیش در حرکت بود. او با داشتن اراده قوی، محبت زیاد به سرزمین خود جای‌گاه خود را در قلب ملت خود ثبت کرد.

باید این راه تعقیب شود، باید مجاهدین عزیز ما با همین آدرس حرکت کنند، باید افتخارات جهادی ما حفظ شود. علمای عزیز ما در طول تاریخ از جای‌گاه خاصی برخوردار بودند و هستند، مردم این کشور در هر نقطه‌یی از تاریخ که مطالعه کنید زیر قیادت، رهنمایی و ارشادات علمای عزیز حرکت کرده کرده‌اند. این هم رسالت‌شان است که بار دیگر به خاطر توجیه، توحید و یک‌پارچه‌گی ملت خود خصوصاً در توحید همین صفوف از هم‌پاشیده مجاهدین تلاش کنیم.

این ملت ضایع نمی‌شود و این ملت را خداوند همیشه حفظ کرده است، اگر چند دشمنان در هر گوشه و کنار به هر رنگی که باشند بخواهند تا ما را تضعیف کنند، نمی‌توانند تا زمانی که به وحدت و اخوت اسلامی و هم‌دیاری خود متمسک باشیم، الله متعال با ماست.

روح مارشال فقید شاد و یادش گرامی باد

السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته!



اندیشه‌های مارشال افغانستان تطبیق کردن اندیشه‌های پیامبر و صحابه کرام بود

سخنرانی ... در سومین سالگرد رحلت مارشال افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم. تشریف‌آوری همه شما عزیزان را در محفل یادبود از کارنامه‌های مارشال فقید افغانستان خوش آمدید می‌گویم.

مارشال فهیم فقید در زمان جهاد و مقاومت در موقف‌هایی کار می‌کرد که نماینده‌گی از علم، فرهنگ و دانش او می‌کرد. مارشال فهیم فقید در حقیقت سنگر جهاد و جهادگران و سنگر مقاومت و مقاومت‌گران را به یک مدرسه دینی تبدیل کرده بود. افکار و اندیشه مارشال فقید تطبیق کردن اندیشه‌های پیامبر و صحابه کرام بود و به خاطر این هم مبارزه می‌کرد.

به یاد داریم که خاد(سازمان استخبارات) دولت کمونیستی و جهنمی انسان‌ها را زنده‌به‌گور می‌کرد، ناخون انسان‌ها را می‌کشید، پس از این که حکومت مجاهدین در کشور تأسیس شد، خاد یا اداره امنیت ملی افغانستان زیر رهبری مارشال محمدقسیم فهیم قرار گرفت. بسیار افرادی که در امنیت کار می‌کردند می‌گفتند که خاد یا امنیت ملی یک کشتارگاه و قصاب‌خانه بود، اما مارشال فهیم

آن کشتارگاه را به دانشگاه و مدرسه تبدیل کرده بود.

پس از این که مارشال فقید مسئول امنیت شد، قطعاً در هیچ جایی به یاد ندارید که حتا جنایت کار کلان هم مورد شکنجه قرار گرفته باشد، ناخونش کشیده شده باشد، ریشش تراشیده شده باشد، زنده به گور شده باشد و یا به گونه های دیگر مورد شکنجه قرار گرفته باشد. به جای این که مجرمان را عذاب و شکنجه دهد، کوشش می کرد که بفهماند اگر این مجرم جرم کرده است در اندیشه و افکار و اعمالش خطایی است. آنچه که انسان را از جرم به طرف حقیقت می کشاند آن ایده، افکار و اندیشه اسلامی، علم و فرهنگ است. به خاطری که علم و دانش اسلامی از مردم دور نشود، مارشال فهیم شخصاً دارالعلوم را زیر نام دارالعلوم محمدقسیم فهیم تأسیس کرد و تا سال ۱۳۸۸ تمام مصارفش را از پول شخصی می پرداخت. بعد از ۱۳۸۸ خورشیدی آن دارالعلوم در وزارت معارف رسمی شد و پس از آن هم مارشال فهیم همواره آن را زیر نظر داشت و به آن توجه می کرد.

اندیشه بزرگ مارشال فهیم این بود که باید افکار پیامبر بزرگ اسلام، صحابه و امامان دین در افغانستان تطبیق شود. مارشال فهیم مبارزات را زمانی آغاز کرد که در برابر این اندیشه ها مقابله های گونه گون صورت می گرفت. زمانی که متوجه شد کمونیست ها افکار مردم را به طرف دیگر سوق می دهند در برابر آن قد علم کرده و مبارزه کرد و در مقابل، اندیشه حضرت محمد(ص) را در اذهان مردم روشن ساخت.

امروز هم کسان دیگری در لباس مبدل می خواهند تا اندیشه اسلامی را زیر سوال ببرند. این گروه از ابتدای حکومت بعد از طالبان آمده بودند، اما با وجود مارشال فهیم جرأت نمی کردند و راه نمی دیدند، می دانستند که رهبری در این جا وجود دارد و نمی گذارد تا شک و شبهه در اذهان مردم نسبت به قانون حضرت محمد(ص) بیاورند.

پس از این که مارشال فقید از میان ما رفت، سفیدچشمان و کسانی که دندان های خود را برای تجاوز بر اندیشه های ما تیز کرده و خواستند که شکوک در اذهان ما به وجود آورند، بدانند که اگر مارشال فهیم در بین ما نیست، اما افکار و اندیشه هایش همیشه جاودان است و ما بر اساس راه و اندیشه هایش تعهد بستیم چون که افکار و اندیشه حضرت محمد(ص) بود و با آن کار خواهیم کرد.

و من الله التوفیق



همواره از ارزش‌های جهاد و مقاومت یاد می‌کرد

سخنرانی ادیب فهیم رئیس بنیاد مارشال فهیم در سومین سالگرد رحلت مارشال فهیم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَشْرَفِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام و احترام حضور همه علمای عزیز کشور و حضار گرامی!

در محفل علما قرار داریم. اسلام عزیز با وجود بزرگی که دارد جای‌گاه خاصی برای علما قایل است و بدون علما هیچ نوع پیشرفت و ترقی در جامعه اسلامی نمی‌تواند صورت گیرد. شما عزیزان ما استید و افتخار می‌کنیم که در جمع شما قرار داریم و شما خدمت کلانی را در هر حالت به اسلام و ملت مسلمان انجام می‌دهید.

به‌عنوان فرزند مجاهد و مسلمان می‌خواهم خاطره‌ی را از مارشال صاحب یاد کنم، مارشال کشور تأکید بسیار زیاد به فراگیری علوم دینی داشت و به اسلام ارج می‌گذاشت. در زمان جهاد که هنوز حکومت مجاهدین تأسیس نشده بود، ما در ولایت پنجشیر زنده‌گی می‌کردیم، با وجود این‌که

مارشال صاحب بسیار مصروف بود؛-مجاهدین می‌دانند که در آن زمان نقش اساسی و کلیدی در بسیج مجاهدین در سراسر افغانستان مخصوصاً در شمال کابل و شمال افغانستان داشت-با آن هم تأکیدش این بود که چه‌طور بتواند اولادهایش را به‌عنوان مسلمان و فرزندان مجاهد تعلیم دینی دهد، مخصوصاً در خانوادهٔ متدینی که از طرف پدربزرگ‌های مادر و پدر عالمان دین بودند و چه‌طور بتوانند دست‌رسی به علوم دینی داشته باشند.

مارشال افغانستان همواره تأکید داشت که فرزندانش علم را فراگیرند، هم برای فراگیری پسرانش تلاش کرد و هم برای دخترانش. هیچ تفاوتی در این زمینه از طرف مارشال صاحب وجود نداشت.

مورد دیگری که از مارشال صاحب می‌خواهم بگویم این‌که او همیشه با وضو و نماز بود، مسلمان واقعی بود و همواره از اسلام، مجاهدین و ارزش‌های جهاد و مقاومت یاد می‌کرد. در هر مجلس شخصی که ما در آن حضور می‌داشتیم از داستان‌های اسلامی و از سیرت نبوی به‌عنوان پند یاد می‌کرد. در مواقع مختلف از دوران جهاد مقدس مردم افغانستان و از دوره‌های ارتباط خودش که با مجاهدین در نقاط مختلف کشور داشت، یاد می‌کرد.

مارشال افغانستان یک شخص بسیار مؤدب بود، همه برادرانی که از نزدیک با مارشال صاحب آشنایی داشتند حرف‌های ما را تایید می‌کنند. در هیچ‌جایی و در هیچ وضعیتی یک کوتاهی را در این ارتباط از مارشال صاحب به یاد نداریم. به همه اشخاص بدون این‌که به سن و سالشان توجه کند با احترام برخورد می‌کرد. یکی دیگر از برجسته‌گی‌های مارشال صاحب نسبت به هم‌سنگران این بود که او یک عالم دین بود و کسی بود که نوجوانی و جوانی خود را صرف یادگیری علوم دینی کرد تا بتواند حاصل آن را در زنده‌گی، در مبارزات دوران جهاد و مقاومت و در اساس‌گذاری این حکومت مثل سایر بزرگان کشور، نقش اساسی بازی کند و تمام مسائل را از نظر دینی هم در نظر داشت.

مارشال صاحب بنیان‌گذار اردوی ملی جدید افغانستان است و تقویت‌کنندهٔ پولیس و امنیت ملی می‌باشد. او همیشه تأکید می‌کرد که اردوی ما از لحاظ عقیدتی و سیاسی وقتی می‌تواند قوی باشد که در آن ارزش‌های دینی به شکل اساسی در نظر گرفته شده و پیاده شود.

امیدواریم مسئولین اردو، پولیس و ما که در امنیت ملی هستیم، تلاش کنیم عقیدهٔ اسلامی را در ذهن نیروهای مان تقویت کنیم، ما می‌توانیم تانک و سایر تجهیزات داشته باشیم، اما اگر از لحاظ عقیدتی مسلح نباشیم نمی‌توانیم در هیچ جنگی پیش برویم.

موضوع یا عنوان برگزاری سالگرد رحلت مارشال صاحب در این سال وحدت ملی می‌باشد. مارشال صاحب در رأس قوای مسلح قوی وارد کابل شد و کوچک‌ترین نزاعی صورت نگرفت که این مسأله باور مارشال افغانستان را نسبت به وحدت ملی نشان می‌دهد. گاهی اوقات صحبت در مورد وحدت ملی و عمل در این راستا قیمت هم دارد، اما مارشال افغانستان با تمام وجود در این ارتباط کار کرد و عملاً ثابت ساخت که به‌عنوان یک مسلمان و مجاهد هیچ مرزی نزدش وجود ندارد، هیچ خطی نیست و تنها خطی که است منافع اسلام، دین و مردم افغانستان است. همه شاهدیم که بیشتر

از یک دهه که مارشال صاحب مسئولیت مستقیم را داشت بالای این مسأله همیشه تأکید می‌کرد.

ما یک ملت مسلمان استیم، تاریخ طولانی داریم و به‌هیچ وجه و تحت هر عنوانی دشمن نمی‌تواند که این ملت را نابود سازد. چیزی که مارا نگران ساخته مسائل سیاسی است که چه‌طور بتوانیم از این لحاظ خود را منسجم بسازیم، از لحاظ وحدت ملی چه‌طور خود را منسجم بسازیم. مشکلات جدی وجود دارد، دشمن تنها در جنگ جبهه‌ای با ما در جنگ نیست، بل که در جنگ روانی با ما است و عملاً کار می‌کند که چه‌طور بتوانند در بین ملت متفق، مجاهد و مسلمان افغانستان رخنه و فاصله ایجاد کنند. در چنین موارد نقش شما برادران و علمای عزیز بسیار اساسی است، شما کسانی استید که یک مرز نزدتان است که همانا مرز خدا، قرآن و مرز دین است، به‌همان اساس اگر کسی دیگری بخواهد این داعیه را پیش ببرد شاید یک مشکل سیاسی در جایی داشته باشد، اما شما به‌عنوان کسانی که در جامعه همه به‌شما احترام دارند و مراجع اصلی استید و می‌توانید توصیه کنید.

انتظار و توقع ما از علمای گرامی در چنین محفل و سایر محافل این است که به‌عنوان مراجع اصلی مردم دست به دست هم‌دیگر داده و به‌خاطر انسجام امور مانند انسجام سیاسی و وحدت ملی کار کنیم که این پیام اساسی مارشال صاحب بوده است. این سالگرد که پیش رو است زیر عنوان وحدت ملی برگزار می‌گردد، توقع ما از همه این است که هم در حرف و هم در عمل به‌خاطر وحدت در بین ملت مسلمان و مجاهد افغانستان که دشمنان این کشور در کمین است با دل و جان کار کنیم.

در اخیر تشکر می‌کنم از همه علما و مسئولین دولتی که چنین محفل پُرشکوه را برگزار کردند و از کسانی که تشریف آوردند نیز ممنونم، برای من قابل افتخار است که در این‌جا حضور دارم. من به‌عنوان فرزند مجاهد و به‌حیث یک مسلمان همیشه در خدمت شما قرار خواهم داشت.

و من الله التوفیق



مارشال افغانستان از چهره‌های مؤثر و مطرح در تاریخ معاصر افغانستان است

دکتر فضل الهادی وزین-استاد دانشگاه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ﷻ. اما بعد فاعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ﷻ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﷻ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ﷻ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» سورة آل عمران، آیه ۱۸۵. ترجمه: هر کسی مرگ را می‌چشد و شما بی‌شک مزد کامل خویش را در روز قیامت دریافت می‌کنید. پس کسی که از آتش دوزخ دور نگه‌داشته می‌شود و به بهشت داخل ساخته شود (چنین شخصی) در واقع به‌مراد خویش رسیده است. و زنده‌گانی این دنیا (چیزی) جز متاعی فریبنده نیست.

حضار گرامی! السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

تشکر از همه علمای کرام که در برگزاری این محفل خجسته، شکوه‌مند و مبارک زحمت کشیدند و الله تعالی در برابر زحمات‌تان اجر عظیم نصیب کند. ملت‌های زنده و ملت‌هایی که در صحنه استند

همیشه بزرگان، علما، دانشمندان و شخصیت‌های ملی خود را ارج می‌گذارند و پاس می‌دارند و ذکر خیرشان را زنده نگه می‌دارند. در چنین محافلی که در آن وعظ، پند، یادآوری از محاسن و خوبی‌های شخصیت‌های ما است که در دوران‌های سرنوشت‌ساز نقش رهبری کننده و فعال داشتند، در چنین محافل اجر و پاداش است و الله متعال اشتراک ما را در چنین نشست‌ها در حسنات ما محسوب کند.

در نخست درود می‌فرستیم به روح مجاهد بزرگ مارشال محمدقسیم فهیم و دعا می‌کنیم که الله متعال او را غریق رحمت کند.

حضار گرامی!

مارشال محمدقسیم فهیم یکی از چهره‌های موثر و مطرح در تاریخ معاصر افغانستان است. شخصیت مارشال می‌تواند از چند بُعد مورد بررسی قرار گیرد، وابستگی او به خانواده خودش به‌عنوان یک طالب علم و یک عالم؛ هم‌چنان شخصیت جهادی او؛ شخصیت سیاسی او و بعضی از مزایا و محاسن فردی که در شخصیتش وجود داشت می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

شخصیت‌های زیادی از لحاظ علمی، سیاسی، نظامی، اجتماعی در کشور وجود دارد، اما آن‌چه که مارشال محمدقسیم فهیم را ساخت و حتا بعد از وفاتش به او با برگزاری چنین محافل ارج می‌گذارند، این است که مارشال از خانواده نهضت اسلامی برخاسته است، او از خانواده علم برخاست. مارشال فهیم کسی است که از اوایل جوانی خود در راه دعوت اسلامی، به‌خاطر اعلائی کلمه الله، به‌خاطر نشر و پخش ارزش‌های اسلامی و اقامه نظام مبتنی با عدل اسلامی به نهضت اسلامی افغانستان پیوسته است. او هنوز متعلم دارالعلوم عربی کابل بود که به نهضت اسلامی افغانستان پیوست. وقتی که کمونیست‌ها در کشور در یک کودتای بسیار خونین و منحوس در هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی، قدرت سیاسی را گرفتند، چندی نگذشته بود که مارشال محمدقسیم فهیم با عده‌یی از برادران و هم‌صنفی‌هایش از دارالعلوم عربی کابل هجرت کرد، هنوز وقت زیادی سپری نشده بود که او به‌خاطر پاس‌داری از دین، ایمان و ناموس مردم افغانستان، به‌خاطر مبارزه با کفر و الحاد کمونیستی تفنگ به‌دست گرفت و وارد کوه‌پایه‌های کتر و نورستان شد.

اگر قرار باشد که ما از اولین مجاهدین فهرست داشته باشیم، نام مارشال محمدقسیم فهیم از جمله اولین کسانی است که وارد مبارزات جهاد شده و وارد سنگر شدند و تا آخرین لحظات در سنگر جهاد باقی ماند، می‌باشد.

یکی از ابعاد شخصیت مارشال، مجاهد بودن او است که تا آخر مجاهد باقی ماند. بُعد دیگر شخصیت مارشال را می‌تواند ملی بودنش دانست، او واقعاً شخصیت ملی در دوران جهاد و پس از آن بود. در دوران جهاد هم یک شخص مذاکره‌کننده خوب بود، یک دیپلمات فوق‌العاده بود، او به‌خاطر کم‌کردن تنش در میان مجاهدین، برای جلوگیری از درگیری در بین مجاهدین و به‌خاطر ناکام‌ساختن برنامه‌های حکومت کمونیستی، روس‌ها و KGB که مجاهدین را به‌جان هم بیندازند، فعالیت می‌کرد. به یاد دارم که مارشال فهیم شش روز راه را پیاده از کوه‌ها می‌پیمود تا برای جلوگیری از جنگ در

بین مجاهدین گفت‌وگو کند و مانع از جنگ شود، حتا در سخت‌ترین شرایط بدون کدام خودنمایی وارد مذاکره برای آوردن صلح بین مجاهدین می‌شد.

بُعد ملی بودن شخصیت مارشال فهیم بسیار اساسی است و همیشه بر این اصل تأکید می‌کرد، یک نمونه آن را می‌توان از بیانیه او در کنفرانس والی‌ها که از عمق قلبش سخن می‌گفت، یاد کرد.

بُعد صلح‌طلبی زنده‌گی و فکر مارشال افغانستان این بود که همیشه باور داشت، راه حل جنگ افغانستان فقط با گفت‌وگو و صلح حل می‌شود. کوشش‌هایی که به‌خاطر آوردن صلح صورت می‌گرفت و هر باری که به او ارتباط گرفته شد، با جبین باز از کوشش‌ها در راستای صلح حمایت می‌کرد. او همواره می‌گفت که برای قطع برادرکشی و خون‌ریزی از هر تلاش حمایت می‌کنم و بارها می‌گفت تنها راه حل مشکلات افغانستان صلح است و بدون آن راهی نیست.

مارشال افغانستان از سه سال به این سو در میان ما نیست، لیکن امروز ما فقدان او را احساس می‌کنیم، به‌خاطر این که مارشال برای پیاده کردن اهداف و ارزش‌هایی اسلامی جهاد کرده بود، دعوت و مبارزه کرده بود و عمر خود را در آن راه سپری کرده بود، اما هنوز هم آن آرمان‌ها تحقق نیافته و به‌جای خود باقی‌ست.

پیام مارشال فهیم به مردم افغانستان اقامه حکومت عدل اسلامی، ارزش‌های اسلامی، اعلای کلمه الله، تطبیق ارزش‌های اسلامی، احکام اسلامی، شریعت اسلامی و دین اسلام در این سرزمین است، باید به خاطرش کار، تلاش، مبارزه و جهاد کنیم.

پیام من به هم‌سنگران و هم‌قطاران مارشال افغانستان این است که آن مسئولیتی را که او حمل می‌کرد، حمل آن بیرق، آن درفش وظیفه همه ماست. به فرزند مارشال فهیم، ادیب فهیم هم پیام ما این است که شما چه در وظایف دولتی باشید و یا نباشید راه مارشال کشور را تعقیب کنید.

خداوند روح مارشال فهیم را شاد داشته باشد. راهی که او و هم‌سنگران‌ش تعقیب کرده بودند، ادامه داشته باشد.

و آخر دعوانا اِنَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ



د افغانستان مارشال دا وطن د ټولو افغانستان خلک گډ کور جوړ کړ

شهزاده مسعود

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين.

د افغانستان دیر عزت منو علمای کرامو، مجاهدينو او ځوانانو السلام عليكم و رحمت الله و برکاته!

دیر خوشحاله یم چه نن په دي مجمع کي چه د افغانستان د گوډ گوډ څخه د افغانستان د مختلفو ولایاتو څخه، د مختلفو قومونو څخه راغلي دي. اول د ټولو علماوو نه دیر مننه کوم چه لوي ابتکار کړي ده، هر چا چي دا ابتکار کړي ده خدای د دي دنیا ورسمه کي او خدای د هغه دنیا ور سمه کي.

عزیزانو د مرحوم محمدقسیم فهیم چه د افغانستان یوه وتلي خیره ده خوشبختانه باید وویمه چه مارشال صاحب د موقت اداري نه را په دي خوا زما انډیوالي ورسره پیدا شوه. مارشال فهیم مرحوم نه یواځي چه د افغانستان د یو عظیمه مجاهدينو څخه وو هم عالم وو او هم د عالم د کورني سره تعلق درلود، مارشال صاحب سیاست مدار هم وو، مارشال صاحب قومي مشر هم وو، په مارشال صاحب کي ډیر خاص خاص خصوصیتونه وو، د مجاهدينو سخت عزت هم کوله.

مارشال صاحب کله چي په موقته اداره کي يو مطرحه شخصيت وو نه يواځي چه د ملي اردو د بنسټ ايښودونکي څخه وو، بلکه د نورو ملگرو سره يي افغانستان د ټولو افغانستان خلک گډ کور جوړ کړ.

په کراتو په مجلسوکي، په شخصي ملاقاتو کي به دي ويلي که د ملي ټينگست ته يي بايد دير کوشش وکړو چي د افغانستان خلک لاسره يو متي کو او يووالي ته لا تنگيست ورکو.

مارشال فهيم هغه څه غوښتل چي د افغانستان ملت غوښتل يعني د ملت د آرزو سره د غوښتنه د دي هم وو او ډيره کلکه غوښتلي هم وه.

په افغانستان کي با عزته، تل پاتي سوله د مارشال صاحب د ارمانونه وه. مارشال صاحب ټل دا ويل چي په افغانستان کي باعزته او تل پاتي سوله بايد راشي. ما خپله په مجلسو کي له مارشال صاحب څخه مي اوريدلي ده چي دا وطن د ټول افغانستان خلک دي او بايد ټولو ته په درنه سترگه وکتل شي.

علماي کرامو مارشال فهيم صاحب سخت دور انديشه انسان وو، دومره دورانديشه لکه مارشال ما په افغانستان کي څوک ندي ليدلي. دا اوس يي کومه داخلي ناخوالي روان دي، دغه ته جناب مرحوم مارشال صاحب پيش بينه وو، دا مسئله يوه هفته د رحلت مخکي مونږ سره شريکه کړي وو. مارشال صاحب ويويل چي او عزيزانو که يوبل ته لاس ورنکو، يو سه مناسب کانديدا په افغانستان کي ونلرو په دي وطن کي بيا دا حالت راځي، دا د مارشال صاحب د ويناوو څخه وه.

زه دوه وړانديز تاسوته لرم، که څوک د مارشال صاحب د لاري ملگري وي، د هغه د لاري پيروان وي، نو مارشال صاحب په دوه شيانو ډير تاکيد کاوو، د ملي يووالي ټينگښت په افغانستان کي چي په دي که د مونږ افغانستان کي بقا ده، په دوم قدم کي د سولي په راوستلو لپاره کوششونه. نو مونږ په ټولنه کي تر بل هرچا مونږ علماي کرام نقش کلدي او ډيره اساسي ده.

راځي د يو باعزته او تل پاتي سولي د پاره علماي کرامو لاسونه را بد وځي او په موجوده نظام باندي دا غږ کومه چي اي د حکومت مشرانو! که چيره د عالمانو دين په خپل څنگ کي ونيول او د دوي صلاح او مشوري مو واخيستلي تاسو کامياب ياستي او غير د هغه نه که علما په حاشيه کي وو بيا دا بدبختي په افغانستان کي روانه وي.

علماوو تاسو ته يي هم دا پيشنهاده کوه مه چي خپل يووالي، اتفاق او لاس لاتينگ کي او په عين زمان کي په موجوده حکومت هم غږ کوم او په افغانستان په مهمو او ملي مسائلو کي د مونږ د ديني علماوو سره مشوري وکي او د دوي په مشوري باندي عمل وکي.

ومن الله التوفيق



نباید مارشال افغانستان را با شخصیت‌های امروزی مقایسه کنیم

مولوی رحیم‌الله عزیزی آگاه مسائل دینی

بسم الله الرحمن الرحيم (... و فضل الله المجاهدين على القاعدین اجراً عظيماً) سورة نساء، ایه ۹۵. ترجمه: ... و خدا مجاهدان را نسبت به کسانی که نشسته‌اند (یعنی از جهاد کناره‌گیری کرده‌اند) با مزدی بزرگ برتری داده است.

الحمد لله والصلوة على رسول الله. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

در مورد مجاهدین که مارشال یک مجاهد بود به‌طور مختصر خدمت حضار گرامی عرض می‌کنم که مجاهد به‌عنوان مجاهد در کلام الله صفت شده است، هر آن کسی که به زبان طعن و بدی از مجاهد یاد کند با خدا جنگ می‌کند، در حالی که جنگ با خدا زدن سر به دیوار فولادین است. جهانی که می‌خواهد نام مجاهد محو گردد، بداند که با خدا جنگ کردن دشوار است، داستان نمرودیان و فرعونیان را که با خدا در جنگ بودند مطالعه کنند که به چه سرنوشتی دچار شدند.

اما در باره مارشال افغانستان باید گفته شود که او تا شانزده ساله‌گی تعلیم دینی کرده است و بعد

از آن برای دفاع از کشور سلاح به دست گرفته که این حکایت از زبان خودش شنیده شده است. یک زمانی امریکایی‌ها پروپاگند داشتند که نماینده‌های خاص خود را در این کشور بیاورند، روزی خدمت مارشال صاحب رفتم ماه رمضان بود دیدم که تنها نشسته است، گفتم که مارشال صاحب! این چه برنامه‌یی است که می‌خواهند آرمان شهدا را نادیده گرفته و برنامه‌های غرب را در کشور پیاده کنند؟ گفتم که روزی شغالان پوست شیر را پوشیدند و گفتند که بیرون می‌شویم و می‌گوییم که ما شیر هستیم، زمانی که پوست شیر را پوشیدند گفتند که حالا چه کسی مرد است که داخل خانه شیر برود! افغانستان خانه شیران است. هر کسی که می‌خواهد پوست شیر را ببوشد و در حکومت شامل شود، فرهنگ و دین این ملت را تغییر دهد، شاید مثل همان شغالان باشد، اما داخل خانه شیر شده نتواند.

طوری که می‌دانید آغاز جهاد مارشال کشور از ولایت کنر بود، در آن زمان جهاد در پنجشیر، پروان و کابل...، هنوز شروع نشده بود. حکایات خود او است که می‌گفت، در آن زمان نه حزبی بود، نه جمعیتی، نه حرکتی و یا سایر احزاب؛ در حالی که همه مجاهدین زیر یک پرچم لا إله إلا الله محمد رسول الله جهاد می‌کردند.

زمانی که قرعه‌کشی می‌شود که چه کسی در ولایت کنر جهاد می‌کند، چهل نفر دست بالا می‌کنند در حالی که در آن جا ده نفر نیاز است. این قربانی بود که مجاهدین نظر به آیه کریمه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ □ ...» سوره توبه، آیه ۱۱۱. ترجمه: بی‌گمان خداوند از مسلمانان جان و مالشان را در برابر بهشتی که به آن‌ها می‌دهد خریده است... مارشال فقید جهاد را در آن زمان در راه خدا کرده است.

مارشال گفت که در جمع افراد انتخاب شده من نیز شامل بودم، فرمانده ما از غوربند بود، زمانی که به ولایت کنر رفتیم، گفتند که فهیم خان از ولایت پنجشیر است در راه‌های کوه‌بند و صعب‌العبور توان انتقال بار را بیشتر از دیگران دارد، مسئولیت انتقال هفت مرمی راکت یا (RPG) را به من سپردند، من از انتقال آن به جبهه باوجود این که سنگین بود لذت می‌بردم.

مارشال فهیم همیشه از این که در دوران تعلیم دینی برای تغذیه طلبه‌های دینی غذا جمع می‌کرد یاد می‌کرد و می‌گفت، من هم از آن غذا خورده‌ام و دین را از این طریق یاد گرفته و قدر آن را می‌دانم.

در زمان حکومت حامد کرزی نُه صد ملا را از وظایف‌شان منفک و در مساجد (میترا) نصب کرده بودند تا مساجد هم پول صرفیه برق را پردازند و جمعی از علما برای رفع مشکل خدمت مارشال صاحب رفته و به او عرض کردیم، او یک ساله معاش نه‌صد عالم را پرداخت و گفت که ما می‌خواهیم افراد در حال جنگ از کوه پایین بیایند، اما شما معاش علما را قطع می‌کنید!

ما چنین روزها را ممنوع قرار می‌دهیم، اما به خاطر توصیه اسلامی و جهاد این را ایجاد کردیم. به ما گفتند که امروز سالگرد است، جمعی از علما به من گفتند که چه کنیم؟ من گفتم که تعزیت بیشتر از سه روز ناروا است، اما به ادیب فهیم فرزند ارشد مارشال فقید چند پیشنهاد داریم:

- هر روز مارشال فقید تجلیل شود، یعنی یک جامعه اسلامی باید بسازیم که هر روز درس قرآن و حدیث باشد و در چنین کاری روح مارشال شاد باشد.

- سیاستون به پیشنهاد و گفته‌های علما توجه نمی‌کنند، شعری را می‌خوانم و شما قضاوت کنید.

امروز بهای هیزم و عود یکیست

هم مرتبه خلیل و نمرود یکیست

در گوش کسانی که ز دولت مستند

آواز خر و نغمه داوود یکیست

نباید مارشال محمدقسیم فهیم را با شخصیت‌های امروزی مقایسه کنیم، اگر ما مارشال را با اشخاصی که امروز از شرق و غرب ناله می‌کنند یکی پنداریم جفا است.

پیشنهاد این است که علما در بین سیاسیون توهین می‌شوند، برای‌تان اعتراف می‌کنم، سیاسیون سلام شما علما را علیک نمی‌گویند، گفتیم که علما باید مستقل برنامه داشته باشند.

دیگر این‌که در جریان بعضی بداخلاقی‌ها و فساد تعرض و حمله به مقدسات صورت می‌گیرد و باید در از بین بردن آن همکاری کنید که هر سه پیشنهاد با کمال احترام پذیرفته شد که یکی آن برگزاری مجلس جداگانه علما بود که اینک شما شاهد آن استید که تجلیل از جهاد و مجاهدین است.

امیدواریم به همه پیشنهادات پذیرفته شده، عمل شود. الله متعال آرمان‌های شهدا و مجاهدین را قایم و دایم بگرداند.

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ!



د مارشال فهيم له برکته اوس په مساجد او او ديني مدرسو کي د برق بل نه راځي

د مولوي عبدالبصير حقاني وينا

إن الحمد لله، نحمده ونستغفره ونستعينه ونستهديه ونعوذُ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهْد الله فلا مضلَّ له ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. اما بعد قال الله تبارك و تعالي اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» سورة بقره، آيه ۱۵۳ راغلي محترمو ميلمنو، شيوخ، مفتيان او علماي كرام. السلام عليكم و رحمت الله و برکاته.

لكه څنگه چي له عنوان نه معلومه ده د افغانستان مارشال او د هغه كارنامي بايد وستايل شي. هر ملت ځانگړي اشخاص لري، افغانستان په توله جغرافيا كې چه څومره جغرافيايي حدود د ځمكې د كړي سره تړلي دي په هغه كې افغانستان ځانگړي اشخاص لري.

د افغانستان په تول تاريخ كې چي مونږ وگورو مختلف سياست مداران، نظامي، ملكي او دغه سي په نورو عرصوكي مونږ مختلف شخصيتونه لرو. چه هغي خپلي كارنامي كړيدي او هغه د افغانستان په

تاريخ کي ثبت دي. دغه انسانان په انسانانو کي پيدا کيږي که د هغي نوم تر ډيره په خلکو کي ژوندي وي، دي نوي، دي په ځمکي باندي حيات نوي خو نوم يي باقي ژوندي پاتي وي دا انسانان ډير کم پيدا کيږي، هر څوک دي مقام ته نشي رسيدلي. لکه څنگه چي د روسانو په مقابل کي جهاد وکه او روساني ماتي ورکړي، تاريخ ووس هم په جبل السراج په فرقه کي پروت دي چي د روسانو تانکونه، توپونه، لوناگان، اوروگان او دغه رنگي (بي.ام.۴۰) نوري پراته دي، ده د همدغو قهرمانانو چي د افغانستان ملت ورسره څنگ په څنگ ولاړ وو د دي کارنامي دي چي د افغانستان تاريخ ورباندي زرين او روښان دي.

تر ټولو مهمه خبر داده چي په تول د تاريخ کي افغانستان ته هغه کارنامه وکرله چه د جهان ابرقدرت هغي دري وري او ټول ملت ورسره يو ځاي ولاړ وو او هغي په گوندو که چي نن هم هغي د افغانستان خلکو د نوم نه دارپري.

زه تاسو ته يو وعده درکوم، روسانوته چه څومره کولاي شي زره ورکي لکن هغي به د همدغي مجاهدينو د نوم نه هم په دار وي او دوي به دي جرأت به نکړي چه افغانستان ته راشي او بيا مداخله وکړي. دا رنگي کله چي همدغه اشخاص مجاهدين په حکومت کي وو او دوي په حکومت په رأس کي وو هيچ چا په دين باندي تيري نشوي کولاي، هيچ چا په مقدساتو باندي تيري نشوي کولاي.

د مارشال فهم يوه کارنامه يي چي ماته معلومه ده هغه دا چه هغه وخت کي د او او بريښنا وزارت په مساجدو باندي بلونه اعلان کړل چه مساجد د بلو برق پيسي ورکړي. زه له سو علماوو سره يو ځاي ورغلو رئيس د مساجدو سره کيناستو. رئيس د مساجدو مکتوب وليکه، کله چي حامد کرزي صاحب خارج ته سفر لار، مارشال صاحب معاون اول وو ورته يي وړاندي که، نوري کارنامي پرېږدي، ټولي کارنامي په ځاي باندي پاتي وي لکن يو ارزښت په ټولو نړي باندي چا نه دي کړي لکه دي چه وکړل. کله چي په ميز باندي د مساجدو بل برق کيښودل، دا وي په هيچ قانون کي قبول نده چه د ظاهر شاه تر وخت باندي نيولي تر نن وخت پوري معاف وو نن به د مجاهدينو په حکومت بل بي راځي؟ هيچ وخت. دا مکتوبي واخيست ويشکاوو تر ننه پوري په مساجدو باندي بل نشته دي.

دا هغه ملي، اسلامي، ميهني، مجاهدانه احساس وو چي د دي په وجود کي وو، نوري کارنامي يي پريډو په خپل ځاي باندي.

درنو علماي کرامو! دا يو خدمتي چه مساجدو مقدساتو ځاي او مدارسو ته چي کړي نظير نلري. په مدارسو بل نشته، پاکستان غوندي هيواد کي د مسجد نه د تلويزيون تکس اخيستلي کيږي په بل کي ليکلي ده څوک پي شاهد نبي زه پي شاهد يم. لکن دا د دي مجاهد برکت وو چه د مدرسي نه بل برق نشي اخيستلي. دا يي غټه کارنامه وه.

مونږ ته د افتخار وړ دي، د افغانستان خلک ته د افتخار وړ دي او د دي غوندي چه زه معلومات لرم اساسي هدف د مارشال صاحب کارنامي بيانول او د علماوو را توليدل له يو بل سره ليدل او له يو بل سره ملاقات کول دغه سي هغه څه کړي چي په علماوو کي د تفريقي لپاره چه علما په خپلو کي پاشلي

دي هغوي ته دا کارنامه وړاندي کول چي علماوو کي هيڅ کله لساني، سمتي او نورو توپير موجود ندي او الحمد لله د افغانستان علما په خپلو مشرانو باندي وياړي د هغي کارنامي ورته د قدر وړ دي ځکه نن په دي تالار کي د هري ژبي، د هر قوم عالم موجود دي او ټول په يو غږ باندي د افغانستان وحدت غواړي. د افغانستان د سوکالي لپاره، افغانستان د هغه ځوانانو چه تاريخي کارنامي کړيدي د هغي سره وږه په وږه ولاړ دي او هغه به دنياوالوته ثابتوي چه د افغانستان په علماوو کي هيڅ قسمه لساني او سمتي توپير په کي وجود نلري.

و آخر دعوانا عن الحمد لله رب العالمين



مارشال افغانستان وعده‌خلاف نبود

متن سخنان عبدالحکیم منیب-معین مسلکی وزارت ارشاد، حج و اوقاف و رهبر حزب حرکت انقلاب اسلامی مردم افغانستان

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم، اما بعد فاعوذ با الله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» سوره رعد، آیه ۱۱ ترجمه:... بی‌گمان خداوند حالت هیچ قومی را تا وقتی تغییر نمی‌دهد که ایشان خود را تغییر ندهند...

سلام حضور حضار گرامی، خیلی خوش حال استم که در خدمت شما می‌باشم. الله متعال می‌فرماید که شما در اسلام به‌طور مکمل داخل شوید، اسلام را به‌عنوان دین بپذیرید و تمام احکامش را عملی کنید. «...وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» سوره بقره، آیه ۲۰۸ ترجمه:... و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمن آشکار است.

مجلس امروز به‌مناسبت سالروز رحلت مارشال محمدقسیم فهیم برگزار گردیده است و مارشال فهیم یک مجاهد بود. مجاهد کسی را گویند که به الله متعال محبت داشته باشد، مجاهدین کسانی‌اند که عاشق خداوند(ج) می‌باشند و به‌خاطر رضای معشوق خود که الله متعال است از جان، مال، اولاد

و از هر چیز خود می‌گذرند که این قربانی را مجاهدین افغانستان به شمول مارشال فهیم، شهید احمدشاه مسعود، شهید استاد برهان‌الدین ربانی، مولوی شفیع‌الله مرحوم و تمام مجاهدین و علما و سایر شهدا که ثابت کردند که به‌خاطر رضای الله متعال و وطن، قوم، اولاد و زنده‌گی خود را فدای رضای الله متعال کردند، سرانجام دشمنان اسلام را شکست دادند.

دوستان عزیز! در جهاد به‌عنوان یک مجاهد بودم نه به عنوان یک رهبر، با مارشال فهیم مرحوم آن‌قدر شناخت از نزدیک نداشتم طوری که از احمدشاه مسعود داشتم. در روزهای آخر یکی از دوستان ما به‌نام حاجی کاتب، با چند نفر از بزرگان خدمت مارشال صاحب به‌منظور ملاقات رفته بودیم، راجع به اوضاع و مشکلات افغانستان نظریاتی ارایه کردیم، مارشال مرحوم از دیدگاه و نظریات بسیار خوش شد و گفت، یک‌بار من و شما تنهایی می‌بینیم، من هم گفتم، بسیار خوب است. از دوستان نزدیک مارشال فهیم که زمینه ملاقات را مساعد می‌ساختند کسانی مانند حارنوال اکرام، دکتر گلبدین و مدیر اعتبار بودند، با آن‌ها هم از نزدیک رابطه نداشتم و کسی دیگر هم نبود که به آن‌ها بگوید تا ما را درست بشناسند و زمینه ملاقات را مساعد سازند. دیگر راهی نبود، روزی یکی از دوستان ما به‌نام حاجی اسماعیل از تگاب که نزدیک منزل حاجی کاتب و تاج‌محمد جاهد زنده‌گی می‌کند، رفتم به‌خانه‌اش که حاجی کاتب را دیدم، در جریان گفت‌وگو آن مسأله یاد شد و از طرف من گفته شد که ما را مارشال صاحب خواسته بود. حاجی کاتب برای من گفت: نرفتی؟ گفتم که نه، کسی از نزدیکان او نبود که زمینه ملاقات دوباره را مساعد سازد، اما حاجی کاتب گفت، من این کار را می‌کنم که چنان کرد. من با یکی از دوستان ما که در لندن زنده‌گی می‌کند و هم‌چنان حاجی اسماعیل به‌دیدار مارشال صاحب رفتیم.

در جریان ملاقات مارشال فهیم دست مرا فشرد و گفت که ما و شما قول برادری می‌دهیم که این قول مردی، دینی، برادری و قول مجاهد است، برادری ما و مارشال افغانستان از آن‌جا شروع شد. در یکی از روزها یکی از نزدیکان مارشال فهیم که نمی‌خواهم از او نام ببرم، در مجلسی از من یادآوری خوب نکرده بود، در ظاهر با ما دوست بود، اما در آن مجلس زمانی که از من یاد می‌شود به مارشال صاحب می‌گوید که این‌ها از ما شده نمی‌توانند، اما مارشال دیدگاه او را رد می‌کند. فردای آن روز مارشال فهیم برایم زنگ زد و گفت، منیب صاحب! یکی از نزدیکان خود را به‌خاطر خودت که قول برادری برای تان داده بودم، ناراحت ساختم و حرفش را در مورد خودت رد کردم.

مارشال فهیم برادر من بود و به برادری او افتخار می‌کنم. او برادر مجاهد بود، برادری بود که دروغ نمی‌گفت، وعده خلاف نبود، برادر باغیرت بود، انسان باید به‌داشتن برادر باغیرت افتخار کند.

دوستان عزیز! بزرگان ما که در زمان جهاد مبارزاتی کرده بودند مانند مارشال فهیم و سایر بزرگان باید کارنامه‌های شان پاس‌داری شود. اگر زنده‌گی احمدشاه مسعود را مطالعه کنیم، او همیشه با وضو بود، پابند نماز بود. آخوندزاده صاحب گجر که یکی از مشایخ حرکت انقلاب اسلامی است و با شهید احمدشاه مسعود از نزدیک رابطه داشت و حتا وظایف اصحاب را برای شان می‌گفته به ما قصه کرد، او گفت که احمدشاه مسعود را یک وظیفه داده بودم که روزانه یک‌هزار و یک مرتبه سوره اخلاص

را بخواند، می‌خواند و هم‌چنان گفته بودم که همهٔ مجاهدینی که با شما است با وجود یک (چانته) یک جلد قرآن کریم نیز با خود داشته باشد، همان‌طور بود یا نه؟ بدون شک که بود و آن از برکت علما می‌باشد. تا جایی که ما مردم پنجشیر را می‌شناسیم، آن‌ها مردم متدین استند.

جایی که آرام‌گاه احمدشاه مسعود است، این زمین از میاگل جان آغا است و این زمین بهترین زمین در موقعیت خوب ولایت پنجشیر است. این زمین را مردم پنجشیر برای میاگل جان آغا که ولی خدا و از تگاب بود، هبه داده بودند. مردم پنجشیر عالم‌دوست، عالم‌پرور، متدین و مذهبی بودند، هستند و خداوند حفظشان کند و افتخار این وطن استند.

مارشال افغانستان خودش عالم دین بود، پدرش نیز عالم دین بود، از یک خانوادهٔ متدین و از جملهٔ خانواده‌های عالم بودند. دعا می‌کنیم که که الله متعال از حاجی ادیب فهیم هم یک عالم قوی دین بسازد و یا خادم علمای دین باشد.

حضار گرامی!

شماری از افراد به‌مجاهدین توهین روا می‌دارند، به کسانی که خون و جان خود را فدا می‌کنند و عاشق خداوند باشند دزدگفتن، غاصب‌گفتن و قاتل‌گفتن ظلم بزرگی است، اما به کسانی که دزد، قاتل و غاصب است او را مجاهد گفتن هم ظلم است. به قول محمدیونس قانونی که در ۲۶ دلو در رابطه به مجاهدین صحبت کرد گفت، کسانی که در صفوف مجاهدین بودند و مرتکب جرایم شدند مستحق جزای بسیار اند چرا که این‌ها با پوشیدن لباس مجاهدین آن‌ها را بدنام کردند. باید دانست که مجاهد، قاتل و دزد از هم فرق دارند.

دوستان عزیز! آیا کسی می‌تواند پیدا کند که از شهید احمدشاه مسعود کدام بداخلاقی مانده باشد؟ بدون شک که نه، پس چه‌طور او را بد گفته می‌توانیم؟ چه‌طور کسانی استند که بالای چنین مجاهد افتخار کرده نمی‌توانند؟ ای کاش که زنده بود و می‌دیدیم که چه‌گونه تحولات در کشور می‌آمد.

رابطهٔ حرکت انقلاب اسلامی با جمعیت هم در دوران جهاد و هم در حالت موجود رابطهٔ دوستانه و برادرانه است. بعد از ایجاد حکومت مجاهدین شورای (اهل حل و عقد) ایجاد شد کاندیدای ما استاد برهان‌الدین ربانی شهید بود و رأی خود را به استاد ربانی داده بودیم. آن کار به معنای این بود که افغانستان در یک مرحلهٔ بسیار تاریخی قرار داشت و تمام افراد حرکت انقلاب اسلامی نشان دادند که برای ما افغانستان، دین و ارزش‌های جهاد مهم است نه قوم، سمت، تنظیم و سایر موارد. ما در مقابل تعصبات قومی، زبانی و سمتی مبارزه می‌کنیم، این کار را همان وقت هم کردیم و حالا هم به‌همان نیت هستیم.

علمای گرامی! از همان روزی که در پروسهٔ بن تقسیمات از نظر قومی صورت گرفت به معنای آن بود که خارجی‌ها در بین ملت افغانستان تخم زهری را کاشته و ما را به نام قوم، سمت و زبان تقسیم می‌کنند، مگر بازهم از برکت الله متعال و از برکت همین مجاهدین بود که دشمنان ما، مردم

افغانستان را از هم جدا کرده نتوانست و بر ماست که در مقابل تعصبات قومی، زبانی و سمتی یک جا باهم مبارزه کنیم.

من از هرکسی که لفظ تعصبات قومی و زبانی را بشنوم، ناراحت می شوم، اما اگر از زبان علما بشنوم بسیار مأیوس می شوم چون که طبقه علما یگانه طبقه بی است که در مقابل این پدیده شوم می تواند مقابله کند، وقتی که علما در این مصیبت ها گیر مانده باشند، پس به چه کسی امید کنیم؟ چه گروهی مرجع امید ما شده می تواند؟ پس علما باید دست به دست هم دیگر بدهند و مردم افغانستان را دوباره برادر بسازند، مجاهدین را دوباره زیر یک قیادت بیاورند و انواع تعصبات قومی...، در نتیجه مبارزات ما باید پایان یابد. در جنگ هیچ نوع منافع ما نهفته نیست، اما در صلح استقلال ماست، منافع دینی ماست، قوت ماست، پس در این دو پدیده که جنگ و صلح است، ترجیح به صلح می دهیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته!



مارشال فهیم یقیناً یو مارشال او ملی شخصیت وو

مولوی شفیع الله-مشاور د اجرائیه ریاست سلاکار

ان الحمد لله نحمده حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه. والصلوات و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين محمد و على آله و صحبه اجمعين. اما بعد فاعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» سورة مريم، آیه ۹۶ ترجمه: بر کسانى که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند، (خدای)رحمن محبت ایشان را (در دلها) قرار می دهد.

د هر حه نه وړاندی تول حاضرین ته د رره له کومی سخته احترام وړاندی کوم. السلام علیکم و رحمة الله و برکاته!

زه اختصار به توگه باندی سو تکی خبری کول غوارم. ورونو حه خکلی او بابرکته محفل دایره کری دی. لکه حنکه چی علماوو یو مقوله ده چی «کل شیء یرجع الی اصله». چون مارشال فهیم یقیناً یو مارشال وو یو ملی شخصیت وو خو اصلاً یو عالم دین وو. د یو اسلامی دارالعلوم فارغ التحصیل وو.

د هغی اسناد هم د عالم دین په توگه ارزیابی شوی دی. دا زمونږ لپاره لوی افتخار دی چی یو عالم دین مبارزات شروع کوی، نظامی مراحلو کی مارشالی درجی ته رسیږی، یقیناً د علماوو لپاره لوی افتخار دی. مارشال مرحوم له سخاوت له مخی یو عظیمه فلسفه لری، د شجاعت له مخی عظیم صفحات لری، له جرئت له مخی یو بی نظیره تفصیلات لری او له علم له مخه بیلگه خصوصیات درلودی.

زه له هغی له خاطراتو سخته یو خاطره تاسو ته ذکر کوم، په دی اوخرو کی جناب مارشال صاحب سره زما دیر وار نشست شوی دی. یو زل د افغانستان د جمعیت د انسجام په خاطر هیئت رهبری فیصله وکړه چه د دی مشرانو سره وکتلی شی، نو په هغی که عبدالستار مراد، ساغلی واقف، زه او نور مشرانو وو مارشال صاحب سره تفصیلی بحث وشو، د بحث اساسی او محور اسلامی او دینی صبغه درلود او خاصتاً په یو علمی موضوع کی هغی بحث وکړه، پره ته له سیاسی بحث، حکه چی مارشال صاحب همیشه باوضو گرزیده او په اوداسه کی دیر وخت تیروه، هغی موزه آغوستی وو او پوره د ساق ته نرسیده، مارشال یو بحث را واچوه چی په دی باندی مسخ حنکه به یی؟ ورونو مارشال فهیم دیرش دقیقی ورباندی بحث وکړه چی غایه په مغایه کی داخل دی که نه دی. بلاخر مونږ یو حه د طالب العلمی خبری وکری او نور علما چه مونږ سره وو خبری وکری، هغه نقطه چی مونږ په حاشیه د نورالانوار کی کتل، هغی مونږ ته بلفظهی ویویلی چه دا مسئله حنکه دی. بلاخره په دی نتیجی ته راورسیدو که دا موزه ده او مسخ هم په دی جایز ده.

ورونو! مارشال صاحب یقیناً یو علمی شخصیت وو الله دی د هغی په قبر باندی د رحمتونو باران واوری او روح یی ساد وساتی او الله د جنت د هغی حای وگرزوی. مارشال صاحب علم د دارالعلوم د کابل نه شروع کړل. مارشال جهاد د کتر، نورستان او پنجشیر نه شروع کړی دی. کله چی د پاکستان نه راغی هغه پنجشیر ته مستقیم ندی تلی، هغه د خپل مرگرو سره په نورستان او کتر کی پاتی شو. مارشال فهیم وو چه د اسمار غوند فتح شو، د هغه حای نه هغی د خپل مجاهدینو په کمک باندی چی زمونږ تره مولوی غلام ربانی هم تشریف درلود خپل د مجاهدینو سهم اسلحه پنجشیر ته اول مارشال صاحب انتقال کړی دی د نورستان نه او د کتر نه. دوستانو د مارشال صاحب په مورد کی د هر هغه افغانستان وگری چه د هغوی په زړه کی اسلامی روحیه موجود وی هغه یقیناً نن ورسره محبت هم لری او خفه دی د هغوی په تگ باندی. هغه آیت کریمه چی ما وړاندی تاسو ته تلاوت وکړه چی الله رب کریم فرمایي هغه کسان چی ایمان لری او عمل صالح سره مزین دی زر دی چی الله کریم د هغه محبت لپاره د قلوبو د مسلمینو کی وگرزوی، نن دا هغه مصداق دی. ورونو تاسو ته یی بهتر معلوم دی، یو ورور که هغه د جنوب دی، که هغه د مشرقی دی یا د نورستان د سردرو نه دی، د هرات نه دی یا د بدخشان نه دی هغه د مارشال صاحب په وفات باندی هم خفه او د هغی په شخصیت باندی اعتراف کوی. هغه احترام چی په مارشال فقید په مشرقی، په جنوبی او په جنوب غرب کی کیری، یقیناً وایم صحیح ده چی په پنجشیر او بدخشان کی هم کیری مگر په مشرقی او جنوبی کی چی کیری د هغی مثال وجود نلری.

نن د مارشال صاحب رحلت د افغانستان تول ملت ته لوی ماتم دی. ورونو تاسو ته بهتر معلوم دی مارشال فهیم چی کله وفات کیری او یقیناً دغه افتخار حاصل دی ماته چی لومړنی کس زه وم چی

مونر جناب مارشال سر ته ولارو او د هغی تجهیز او تکفین تصمیم مونر نولی ده. د مارشال د مړینې په حالت کی تاسو ولیدل چی هغه ازدحام او هغه کثرت د جنازه تاسو ولیدل، فکر نکوم چی هغه په دی قرن کی چاته دومره جمع شوی وی یا چاته دومره غونده شوی وی، دا مبالغه نده شواهد موجود دی ووس هم فیلم کتلی شی.

ورونو! په هغه وخت چی جهان شرق د هغوی په خلاف باندی فزیکي مبارزی او جنگونو ته حاضر وو، هغه وخت مارشال یو قوماندان اعلیٰ په توگه باندی د مجاهدینو په رأس کی پیرنده کیده. نن چی جهان غرب حومره کوشش کوی چی د دغه شخصتونو بدننامی کی او خصوصاً د افغانستان خلکو په فکر کی کار وکی، بیا هم په دغه سی حساس مرحله کی مارشال فهیم د خلکو په زرونو کی حی لری او د هغی په فکر باندی ارمان کوی چی افسوس چی مارشال موجود وی نو دا حالات نه راتله.

تل افغانستان چی یو غت بحران سره مواجه شوی دی هغی حلونکی یقیناً مارشال وو. کله چی موقت اداره موجودیدله هلته خپل ملیتوب او شخصیت مارشال سودلی دی. اکثریت نظر وو چی ظاهرشاه باید د موقت دوره کی راشی، مارشال د غر غوندی کی د خپل علمو د خپل شخصیت سره راغی ودریده چی زه به ژوندی یمه حوک په دی ملک کی راشی او چی بریادی په دی ملک کی راوری دی د هغی بنیاد وی، هغه وو چی حامد کرزی راغی ریاست جمهوری ته ودریده، مارشال دغه سی یو ملی شخصیت وو. کله چی د صلح پروسه بنبست سره چی مخامخ شو هلته هم مارشال ارزنده رول لوبویلی دی.

یقیناً مارشال صاحب صلح دوست وو، یقیناً غوسته چی تول افغانستان خلکو په دی دولت باندی لکه شریک په حیث باندی باید سهم ولری. په مارشال صاحب په مشهور بیانیه زه هم وم، د مارشال صاحب بیانیی خحه یوه جزء دا هم وو چی طالبانو ته وویل چی مونر نویی چی راشی زمونر سره سربازگیری وکی، راشی مونر ته تسلیم شی، دا هیچ افغانستان کلتور نه منی او نه د دین او اسلام ایجاب دی، بلکه مونر دعوت ورکوو چی په نظام کی شریک وی، دولت کی شریک باندی په حیث باید دعوت ورکو، دغه د هغی کلمات دی.

یو حل مونر په ارگ کی د اختر مונح وکره، مارشال صاحب، ساغلی قاضی امین وقاد او زه وم. د استاد برهان الدین ربانی د شهادت نه وروسته وو. مارشال صاحب مخ را واراوه وقاد صاحب ته او دیر په عاجزانه توگه ویویل چی که حکمتیار صاحب سره تماس لری زما له طرفه پیام راورسوه چی راشی دلته زمونر سره یو مجاهد ورور په توگه دلته راشی، دا دی د مارشال صاحب اخلاص. خدای د مارشال صاحب ته جنتونه ورپه برخه کی.

باید د خپل اسلافو د خپل د مشرانو ذکر جمیل وکو او یو درون په توگه همیشه وگورو. یقیناً د مونر د انگریزانو په خلاف باندی چی زمونر غازیانو قربانی ورکری ده او زمونر قهرمانو په سه توگه په هغه زمانه کی کری وی، په سه توگه باندی مونر د هغوی کردار نه یادونی کری وی نو شاید شوروی دا جرئت پیدا ونشو کولی چی دلته راغلی وی او دلته فزیکي حضور پیدا کری وی. خو نن ددغه دوری دغه قهرمانان

یادونه چي مارشال صاحب په شمول د قهرمان ملي او د استاد رباني شهيد او د نورو شهداوو په حير
 باندی چي د مونر شخصیتونه قربانی ورکری ده هغی چي مونر ذکر وکو او د هغی چي مونر حومره
 کردار یادوو، انشاءالله نو به جهان غیر مسلم دا به جرئت ونکی چي دلته حضور پیدا کی، حی د فکری
 په شکل باندی او حی په فزیکي په شکل باندی.

و آخر دعوانا عن الحمد لله رب العالمین



پیام مارشال کشور به علما

مولوی عطاءالله فیضانی-وکیل شورای ولایتی کابل

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

الحمد لله الذی فضل الله المجاهدين علی القاعدین اجرا عظیم و الصلاة و السلام علی سیدنا محمد (ص) و علی اله و صحبه اجمعین.

زه د مرحوم مارشال محمدقسیم فهیم خخه یو تازه پیام لرم.

شب گذشته دوستی برایم زنگ زد که او یکی از دوستان، هم‌سنگران و ندیم مارشال افغانستان بود. او گفت که من یک شب پیش مارشال فهیم را در خواب دیدم که ریشش مکمل سفید شده بود و ریش درازی داشت، مصروف تلاوت قرآن عظیم‌الشأن بود و با صدای زیبا قرائت می‌کرد. صدای مارشال صاحب به حدی گیرا بود که شهید احمدشاه مسعود وقتی که مارشال افغانستان را می‌دید او را به امامت پیش می‌کرد. او ادامه داد که مارشال صاحب در جریان قرائت گریه هم می‌کرد، مرا که دید گفت، بیا نزد من بنشین، قرآن کریم را بست و گفت تباہ شدم و تباہ شدیم. آرمان شهدا چه بود؟ آرمان

مجاهدین چه بود؟ آرمان ما چه بود و مردم چه می‌کنند؟ آن دوست نخواست که نامش را یاد کنم از منطقه عمرض است و دوستان می‌شناسندش. آن شخص گفت که مارشال مرا گفت که برو به علما بگو که این کشتی غرق شده (افغانستان) را نجات دهید، کسی دیگر نجات داده نمی‌تواند مگر علما.

اگر حقیقتاً پیروان مجاهدین، قاعدین، پیروان شهید احمدشاه مسعود و مارشال محمدقسیم فهیم هستیم بیایید که آرمان آن‌ها را تحقق ببخشیم و بیایید که مشکلاتی را که علما در این محفل بیان کردند با اتفاق، اتحاد حل کنیم. تا زمانی که ما متحد نشویم به مرور هر روز تباه شده می‌رویم.

همان آیت کریمه است که الله متعال می‌فرماید که «...فَوَرَّيْكَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ...» سوره حجر، آیه ۹۲ ترجمه: ... به پروردگارت سوگند از همه آن‌ها پرسش خواهیم کرد... از همه پرسیان می‌شود خصوصاً از علما چون که « الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ »، مقامی که الله متعال در روز قیامت به علما قایل شده به این دلیل است که احساس مسئولیت بیشتر کنند.

از مسئولین برگزاری مجلس علما تشکر می‌کنم که به‌خاطر بزرگداشت از رحلت یک عالم که فرزند عالم بود و قاعد مجاهدین بود، این مجلس را از آدرس علما برگزار کردند. علما موقف خود را حفظ می‌کنند، موقف جهاد خود را حفظ می‌کنند، جهاد هرگز از بین نمی‌رود، تا که جهاد نکنیم روز به‌روز تباه و هلاک می‌شویم.

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ



مارشال افغانستان بدون در نظر داشت خواست امریکایی‌ها فرمان داخل شدن به کابل را بر ضد تمام قوت‌های خارجی داد

مولوی عنایت‌الله بلیغ-استاد دانشگاه و خطیب مسجد پل خشتی

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

الحمد لله و الصلاة و السلام علی سیدنا رسول الله و علی اله و صحبه اجمعین و بعد قال الله تعالی فی کتابه الکریم: اغوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» سورة فتح، آیه ۲۹ ترجمه: محمد پیامبر خداست، و آنانی که با او استند در برابر کافران سرسخت و قوی و در میان خودشان مهربان اند...

دانشمندان، علمای کرام و حاضرین محفل! پیامبر اسلام و یارانش در برابر کفاری که بر ضد دین بودند شدید برخورد می‌کردند، در برابر کافری که دین ستیز بود و بر ضد دین برنامه داشت شدت به خرج می‌داد، اما کفاری که بر ضد دین برنامه نداشت به عیادتش می‌رفت، مذاکره، مفاهمه و معاهده می‌کرد.

در یکی از غزوات بین مهاجرین و انصار کمی مشکل پیدا شد، عبدالله بن ابی منافق سر بالا کرد و

گفت که سگت را که (چا) کدی پیش راحت را می‌گیرد، باز خود را عزیز گفت و مسلمان را ذلیل. چه زمانی این جرأت برایش پیدا شد زمانی که بین دو نفر اختلاف به وجود آمد. در این زمان فرزند او نزد پیامبر بزرگ اسلام آمد و گفت که اگر می‌خواهید من سر عبدالله را نزد شما بیاورم در حالی که پدرم برایم بسیار عزیز است. پیامبر اسلام فرمود که نه، احسانت را به پدرت ادامه ده. فرزندش در دروازه مدینه آمد و گفت که «والله لا تجوز من ها هنا حتی يأذن لك رسول الله - صلى الله عليه وسلم». بناءً اگر ما خدمت دین را کنیم شمشیر را حتا در مقابل پدر خود گرفته و ذلت را عملاً برایش بفهمانیم.

با جناب مارشال فهیم در دارالعلوم هم دوره بودیم و من دو صنف پیشتر بودم. موضوع کودتای هفت ثور بود و در ماه میزان همان سال یک حرکت کودتایی بود و امکان داشت که حملات هم صورت گیرد. در آن وقت دیگر چاره‌یی نبود، برای ما گفته بودند که اگر صابون را با برف یکجا کنید و پترول بزیند تانک را آتش می‌زند، کسی گفت که مولانا قسیم (مارشال محمدقسیم فهیم) با یک بوجی بوتل از این مواد بالای قلعه جنگی رفته بود. کسی گفت که او مولانا این همه را خودت در پشتت گرفته‌ای؟ گفت که چه کنم، برای انتقال این، حمال یا جوالی بگیرم؟ مارشال فهیم چنین غیرت داشت.

در زمان ورود به کابل از طرف امریکایی‌ها گفته شد که به کابل داخل نشوید، مارشال که رهبری شورای نظامی مقاومت را داشت صدا کرد که ما به واشنگتن نمی‌رویم بل که به کابل می‌رویم. بدون در نظر داشت گفته امریکایی‌ها فرمان داخل شدن به کابل را بر ضد تمام قوت‌های خارجی داد.

الله متعال به همه ما و شما قوت، نصرت و ایمان نصیب کند که از جمله محسنین باشیم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته!



نشست تالار وزارت اطلاعات و فرهنگ

سومین سالروز رحلت مارشال افغانستان



مارشال افغانستان مبارزاتش را با تعهد اسلامی آغاز کرد

دکتر ذبیح الله مهدی‌یار-استاد دانشگاه

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

اغوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا، اما بعد در نخست درود و دعا به روح پُرفتح شهدای ادوار تاریخ اسلام به ویژه شهدای تاریخ نهضت اسلامی افغانستان پروفیسور غلام محمد نیازی، دکتر محمد عمر، استاد غلام ربانی عطیش، شهدای دوران جهاد شهید احمد شاه مسعود، قهرمان ملی کشور، استاد ذبیح الله شهید، محمدپناه شهید و سایر شهدای تاریخ مبارزات جهاد و مقاومت ملی مردم افغانستان در برابر تجاوز سرخ و سیاه و دعا و درود ویژه به روح استاد برهان الدین ربانی که تمام کارنامه زنده گی اش برای بصیرت و احیای اخلاق و انسان گرایی و احیای انس با مبانی اسلام عزیز بود.

در این سخنرانی کوتاه به چند نکته در مورد مارشال محمدقسیم فهیم اشاره می‌کنم:

تعهد اسلامی، خودباوری، کاریزما و کیاست مدیریتی، اعتماد به نفس، تواضع و گذشت در

تقاضای کلان که مربوط به کشور و مربوط به دولت‌داری و شناخت عمیق از ظرفیت‌های انسانی جامعه افغانستان در این مملکت می‌شد، از خصوصیات مارشال کشور بود.

مارشال مرحوم مبارزاتش را با تعهد اسلامی آغاز کرد، او به دارالعلوم عربی پیوست و در دارالعلوم عربی بود که با مدارس فکری و با نحله‌های اندیشه‌ای مختلف آشنایی پیدا کرد و در این دارالعلوم بود که او با اندیشه‌های جریان راست میانه و یا با اندیشه اصلاحات اسلامی آشنایی پیدا کرد و از آن تأثیر پذیرفت و عملاً به جریان دانشجویی نهضت اسلامی افغانستان که بعدها به جمعیت اسلامی تغییر نام داد، پیوست.

مارشال فهیم مبارزاتش را از یک محیط اکادمیک و علمی آغاز کرد و برنامه‌اش این بود که به تحصیلات اکادمیکش ادامه دهد و مصدر خدمت به جامعه افغانستان شود، اما وضعیت استثنایی و اضطراری که بر کشور حاکم شد و عملاً ما با کودتای سال ۱۳۵۷ خورشیدی مواجه شدیم، آن وضعیت استثنایی مارشال را واداشت برای این که کیان مردم افغانستان کیان فرهنگی، کیان عقیدتی، کیان اجتماعی و هویتی‌شان در خطر قرار گرفته بود رهسپار هجرت شد و در محیط هجرت هم با سپری کردن مدت بسیار محدود دوباره به وطن برگشت و از کمر و نورستان مبارزات آزادی اسلامی را در افغانستان شروع کرد.

مارشال برای این مبارزه کرد که ما به نظامی برسیم تا قابل قبول برای همه بوده باشد و استبداد را بتواند معالجه کند، از خودبیگانه‌گی را بتواند از این کشور به شکلی بزدايد و بتواند مدیریت کارا، مؤثر و مدیریتی که در پهلوی ارزش‌های افغانستان، ارزش‌های اسلام عزیز و ارزش‌های هویتی ما را بازتاب دهد، آن مدیریت عمل‌گرا و پراگمات باشد، مدیریتی باشد که ما را به شکلی تصور نکند که ما یک کتله کاملاً جدا و دور افتاده از جهان بشریت هستیم و ما نیاز نداریم که با بشر امروز در تعامل بوده باشیم. چنین یک مدیریتی برای افغانستان هم می‌تواند بحران‌زا بوده باشد و هم دنیا را در برابر ما می‌تواند تحریک کند برای این که مارشال با وجود تفاوت‌هایی که داشتیم با آن روند و روال بین‌المللی و یا نظم حاکم در جهان، اما خواهان تعامل سازنده با نظم جهانی بود.

مارشال فهیم می‌خواست تا افغانستان در تعامل با دنیا از این وضعیت بحرانی که واقع شده بود عبور کند و عملاً افغانستان قادر به این شود که بتواند حکومتی که در آن ثبات سیاسی بوده باشد، رشد اقتصادی بوده باشد و مردم بتوانند نیازهای‌شان را از طریق خدماتی که حکومت می‌تواند به مردم ارایه کند پاسخ نیازها و تقاضاهای‌شان را بتوانند مردم پیدا کنند و بتوانیم به شکلی رشد را در ابعاد انسانی و توسعه را در ابعاد اقتصادی‌اش در این کشور محقق بسازیم.

مارشال به خاطر رسیدن به این مرحله حُسن نیت داشت، مهم‌ترین چیزی که در سلوک رفتار و کردار مارشال چه در مرحله جهاد و در مرحله مقاومت و چه در مرحله سازنده‌گی و دولت‌داری که ما می‌توانیم ببینیم، این است که او نسبت به هر روندهایی که در کشور شکل گرفته با دید مثبت و با حُسن نیت می‌دید است.

حسن نیت مارشال فهیم بعضاً به اندازه‌یی از قوت و حالت عمیق برخوردار بود که برایش این مطرح نبود وقتی ما در ارتباط به‌مفاهیم، مبانی و پدیده‌ها صحبت می‌کنیم نیاز به این داریم این پدیده‌ها باید به یک شکلی تعریف موضوعی شوند و این تعریف موضوعی بوده باشد که به شکلی بتواند واقعیت‌های ما را بازتاب دهد و با احترام به این واقعیت‌ها بتوانیم مدیریت را به شکلی ارایه کنیم که موثریت داشته و نتایج خوبی را به جامعه داشته باشد.

مارشال با این حُسن نیت نسبت به مردم افغانستان، نسبت به روندی که مردم خواهان تحقق آن بودند، همیشه به قضایای کشور می‌نگریست و تا آخرین لحظه نگران این بود که ما برای این کشور به ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برسد قربانی‌های زیادی دادیم، این قربانی‌ها باید مد نظر قرار گیرند و بیرونی‌ها به‌ما احترام کنند چنان‌که به بیرونی‌ها احترام قایل هستیم.

بیرونی‌ها نباید در جزئیات مدیریت سیاسی افغانستان مداخله کنند و به شکلی بوده باشد که باعث واگرایی جدید و فتنه‌های جدیدی شود، باز در آن‌زمان نه ما قادر به مدیریت آن بوده باشیم و نه بیرون قادر به مهار آن فتنه‌ها باشد. مارشال فهیم با این نگرش پیش‌رو و برای آبادی و آزادی و حفظ تمامیت افغانستان می‌اندیشید، برای افغانستان کار کرد، مبارزه کرد و در حد توانش برای کشور ارایه کرد.

ممکن اشتباهاتی هم داشته باشد، ممکن در بعضی از موارد فهمش نیاز به بازنگری داشته باشد که این بحث در فهم و ظرفیت انسانی کاملاً طبیعی است، انسان‌ها خطا می‌کنند، ممکن اجتهادات ما به شکلی کامل نبوده باشد چرا که انسان کامل نیست، فقط ملائکه استند که اراده ندارند و قادر به اعمال عقل مثل انسان‌ها نیستند و کرامت انسانی هم ناشی از همین نقطه است.

به این خاطر مارشال در حد توانش تلاش کرد و الله متعال او را بیامرزد و به پیروانش و کسانی که به فکر نهضت اسلامی باور دارند، باید گوشزد کنیم که مارشال فهیم فرزند نهضت اسلامی بود، برای اصلاحات اسلامی کار می‌کرد و ما نماینده این جریان راست میانه هستیم که برای شگوفایی، آزادی، تحقق تمامیت آرزوی و برای رسیدن افغانستان به قله‌های عزت کماکان تلاش و مبارزه می‌کنیم و این خط باید ادامه داشته باشد. اگر مارشال نیست جوانانی استند که به کمک الله متعال این خط فکری را ادامه خواهند داد.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته!



خداوند است که از یک پسر افغانستان روزی مارشال می سازد

سید محمد موسی جناب-عضو مجلس نمایندگان

بسم الله الرحمن الرحيم. عرض سلام و ادب دارم خدمت بزرگان به اجازه همه حاضرین محفل. الله متعال تمام شهدای افغانستان را بیامزد، از احمدشاه مسعود گرفته تا آخرین سربازی که شهید شده است. خداوند بزرگ همه ما را پیرو نیکان، صالحان و مردم اهل بگرداند.

در مورد سال ۱۳۵۷ خورشیدی کمی برای شما جوانان می گویم، بزرگان همه به یاد دارند که کسی جرأت این را نداشت که در مقابل کفر و الحاد حتا در خانه خود هم چیزی بگوید. اگر کسی می گفت حتماً جزا می دید و بر علاوه خودش خانواده و اقوام او هم مجازات می شدند، حتا همسایه های او هم جزا می دیدند.

برکتی که خداوند برای مجاهدین داده است، برکت دین اسلام است، بلندتر از اسلام چیز دیگری نیست، قدرت همه قدرت خدا است. خداوند است که از یک پسر افغانستان روزی مارشال می سازد، از یک پسر افغانستان قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود را می سازد و از یک پسر این کشور استاد

برهان‌الدین ربانی می‌سازد.

قدرت در دست الله است، فقط تقاضای من از شما جوانان و تمام ملت افغانستان این است که حکومت امروزی به آسانی به‌دست نیامده است، بل‌که در نتیجهٔ دادن بیشتر از یک و نیم میلیون شهید و ویرانی افغانستان به‌دست آمده است، شرایط را بسیار سخت می‌نگریم و باید همه باهم یک دست شویم و از وطن خود دفاع کنیم.

ما باید در جهاد علیه نفس پیروز شویم، ملت افغانستان در جهاد مسلحانه در مقابل ابرقدرت وقت شوروی پیروز شد، بدبختانه در جهاد در برابر نفس کوچک و بزرگ ناکام ماندیم.

تلاش کنیم در جهاد بر نفس هم کامیاب شویم. الله متعال ملت افغانستان را از تمام بدبختی‌ها نجات دهد.

و من الله التوفیق.



سنگ سیاه هلمند در نزد مارشال مانند زمرد پنجشیر و لعل بدخشان ارزش داشت

مولوی فضل کریم سراجی-رئیس عمومی مساجد افغانستان

نحمده و نصل علی رسوله الکریم. اما بعد، اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» سورة احزاب، آیه ۲۳ ترجمه: از مؤمنان کسانی اند که بر چیزی که به آن با خدا پیمان بسته اند صادق بودند. بعضی از آن ها ذمه داری خود را ادا کردند و بعضی از ایشان هنوز هم منتظر اند و (به روش خود) تغییری ندادند

مسلمانی که داند رمز دین را

نساید پیش غیرالله جبین را

اگر گردون به کام او نگردد

بگرداند به کام خود زمین را

حضار گرامی السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

در نبود مارشال محمدقسیم فهیم چه باید کرد، نکات ذیل را مختصراً به عرض می‌رسانم:

مارشال فهیم را چه چیزی برانزده ساخت که دانستن آن بسیار مهم است. خاطره جالبی از مارشال فهیم دارم، سفری داشتیم به طرف مزار شریف جهت تعزیت نزد استاد عظامحمد نور به خاطر وفات پدرش؛ در این سفر یک قطار بسیار طولانی از موترها به طرف مزار شریف حرکت کردیم. در این قطار سران مجاهدین به شمول استاد برهان‌الدین ربانی نیز شامل بود.

در برگشت از مزار شریف شاید که گذشته از پلخمیری بود، وقت نماز شام فرا رسید و در زمان برگشت شماری از موترها پراکنده شده بودند، در مسجد کوچکی در کنار سرک داخل شدیم دیدیم که سه نفر از محافظین مارشال صاحب در بیرون استند و خود وی در محراب قرار دارد و نماز مغرب را با صدای بسیار گیرا که سوره طین را می‌خواند، امامت می‌کند. این‌ها به تقوای فردی تعلق دارد که منتج به تقوای سیاسی می‌شود، به نظر من آنچه که مارشال را از دیگران متمایز می‌سازد رابطه عمیق او در اوج قدرت با خدایش بود. بسا از مردمانی استند که در حالت بی‌کاری‌شان الله متعال را عبادت می‌کنند، فرمان‌برداری او را می‌کنند و خوب سلیقه دینی را می‌داشته باشند، اما هنگامی که به کرسی و به قدرت رسیدند همه چیز را فراموش می‌کنند که گویا جاودانه در این زمین زنده می‌مانند و هم‌چنان این قدرت جاودانه برای‌شان می‌ماند و همیشه‌گی با نیرو و انرژی زنده‌گی می‌کنند.

اگرما بخواهیم راه مارشال فقید را تعقیب کنیم، به یاد داشته باشیم که در رأس همه کارهایش در ارتباط ناگسستگی او با پروردگارش بود، هر کسی که با پروردگار رابطه داشت همیشه کامیاب می‌باشد.

مبارزات مارشال از هیچ‌کسی مخفی نیست. دوران مبارزه و مجاهدت در مقابل اژدهای خون‌آشام اتحاد جماهیر شوروی سابق که از ورود آن به افغانستان کشورهای همسایه مان پابه لرزه بودند، نه تنها کشورهای همسایه که کشورهای اروپایی در خوف و هراس بودند، چه زمانی افغانستان در شکم این اژدها حضم می‌شود و بعد از آن پاکستان و هندوستان تسخیر و به دنبال آن به طرف اروپا و حتا به طرف امریکا سیلاب خطرناکش رُخ می‌آورد، بی‌خبر از این‌که در این سرزمین رادمردانی‌که از لحاظ مادیات هیچ چیزی نداشتند مبارزه می‌کنند. شاید شکم گرسنه و پای برهنه و بدون امکانات چنان استوار و با قامت بلند در مقابل این اژدها سینه خود را سپر کردند و نگذاشتند که قوام جماهیر شوروی سابق از افغانستان عبور کند و بشریت را پامال کند.

هر آن چیزی که ما در کشور داشتیم، قربان ساختیم به خاطر آزادی خود و دیگران که در میان این راد مردان یکی از نمونه‌های خوب آن مارشال محمدقسیم فهیم بود. بعد در زمان مقاومت بعد از شهادت قهرمان ملی کشور احمدشاه مسعود که مردم فکر می‌کردند که با شهادت او افغانستان در کام بیگانه‌ها ذوب می‌شود و مزدوران می‌توانند حکومت خود را در کشور به شکل مطمئن بسازند و هر آن‌چه که دل‌شان بخواهد مانند سوختاندن باغ، زمین، انتقال ناموس این ملت به جای دیگر، اما بی‌خبر از این‌که بعد از شهادت احمدشاه مسعود بیرقش به زمین نمی‌افتد، بل که هم‌سنگر و یارش بیرق

مقاومت مردم افغانستان را مردانه‌وار استوار نگه می‌دارد. مارشال فهیم در اولین روزهای جانشینی‌اش دو چرخ‌بال توپ‌دار را به کابل می‌فرستد و اولین مانور نظامی خود را اجرا می‌کند و به دشمن هشدار می‌دهد که با شهادت احمدشاه مسعود نمی‌توانید جبهه و سنگرش را شکست دهید، این جبهه شکست‌ناپذیر است و دلیلش هم این است، این جبهه با ذات شکست‌ناپذیر که همانا رب العالمین است ارتباط قایم و دائم دارد و به‌زودی به آزادی افغانستان دست می‌یابد.

مارشال فهیم با قیادت سالمش با تمام اقوام کشور به دروازه‌های کابل می‌رسد. توطئه شرق و غرب بر این است که باید نیروی مقاومت وارد کابل نشود و افغانستان باید تجزیه شود. اما در این جا مارشال فهیم چه زیبا سخن می‌گوید و زیبا عمل می‌کند و بدون در نظرگیری هشدارهای امریکا و همکارانش فاتحانه وارد کابل می‌شود و این شهر را از وجود افراد بی‌خرد و مزدور بیگانه کاملاً پاک می‌کند.

در یکی از سخنانش می‌گوید که سنگ سیاه هلمند در نزد من به مانند زمرد پنجشیر و لعل بدخشان ارزش دارد. بعد از آن با بیرق سه‌رنگ سفید، سیاه و سبز وارد کابل می‌شود، با سرود ملی مشخص، جامع و کامل که در حکومت اسلامی افغانستان اساس آن گذاشته شده بود و تمام اقوام و اهداف ملت افغانستان در آن ثبت بود، وارد می‌شود. ولی به‌خاطر حفظ وحدت ملی از بیرق سه‌رنگ کشور که پیکر احمدشاه مسعود با آن دفن شده است، می‌گذرد و در عین حال، به‌خاطر وحدت تمام اقوام افغانستان سرود ملی جدید را نیز می‌پذیرد.

از همه مهم‌تر انتقال مسالمت‌آمیز قدرت که افغانستان مثالش را ندارد، به‌خاطر آمدن صلح و امنیت و رفاه مردم شریف افغانستان توسط مارشال فهیم صورت می‌گیرد. در حالی که در افغانستان به‌خاطر قدرت برادر چشم برادر را کور کرده، پسر به‌خاطر حفظ و یا به‌دست آوردن قدرت پدر خود را به قتل رسانده است.

الله متعال تمام شهدا و گذشته‌گان را بیامرزد و به‌یاد داشته باشید که اگر ما راه شهدا و مجاهدین را تعقیب نکنیم در روز قیامت شهدا به‌حضور پروردگار شکایت خواهند کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته!



مارشال افغانستان تقوای فردی و سیاسی داشت

دین محمد مبارز راشدی-وزیر اسبق مبارزه با مواد مخدر

بسم الله الرحمن الرحيم. حضار ارجمند، یاران، هم‌فکران و ارادت‌مندان مارشال بزرگ و فقید افغانستان!

بسیار خوشحال استم که امروز می‌توانم چند کلمه در رابطه به مارشال فهیم که عمری را برای نجات افغانستان و برای ایجاد نظام نوین در کشور کار کرد، خدمت شما باشم.

زمانی که برای من خبر داده شد که یکی از سخنرانان محفل استم خوشحال شدم، ترجیح دادم که در این محفل خاطره یا برداشت خود را از مارشال فهیم برای شما بگویم. تقوا برای زنده‌گی فردی یک موضوع بسیار جدی است، برای زنده‌گی خانواده‌گی، برای بودن در اجتماع، در قدرت، برای حکام، کسانی که در جامعه تأثیر گذارند و حکم‌روایی دارند، حکم‌روایی به معنای این که ارگ در اختیارش است، وزارت در اختیارش است، یا عالم دین است که افکار و عواطف دینی مردم در اختیارش است، یا روشن‌فکر است جوانان راهی را که می‌خواهند برای خود باز کنند، در اختیارش

است. این‌ها اهرم‌های قدرت استند و در تمام این زمینه‌ها تقوا بسیار مهم است.

یکی تقوای فردی است که یک انسان نماز می‌خواند، روزه می‌گیرد و زکات می‌دهد، ادب را مراعات می‌کند، انسان فرهیخته است، انسان باادب و بی‌آزار و در واقع، دل‌نشین برای دیگران است که این موارد شامل یک نوع تقوا است.

نوع دیگر تقوا، تقوای سیاسی است، آن‌چه که سیاست‌مداران را نسبت به هم‌دیگر برجسته می‌سازد، آن‌چه که یک کشور و یک ملت را به‌طرف روشنایی و آبادانی می‌تواند سوق دهد. انسان‌های سیاست‌مدار قدرت‌مند بی‌تقوای سیاسی ولو با تقوای فردی بیش از آن‌که جامعه را آباد کند، جامعه را به سرگردانی و قهقرا و به سقوط می‌کشاند. در کشورهایی که جنگ، بی‌نظامی و بحران را تجربه می‌کنند مثل افغانستان نقش شخصیت‌ها برجسته می‌شود، شخصیت‌های جهادی، شخصیت‌های دوران مقاومت، هنوز هم که پانزده سال است برای تحکیم نظام می‌خواهیم کار کنیم، شعاع وجودی و تأثیرگذاری شخصیت‌های برخاسته از بحران و جنگ در افغانستان فضای سیاسی افغانستان را در اختیار خود دارند.

شرایط امروز ما هم فاصله آن‌چنانی با دیروزما ندارد، معیارهای سازنده‌گی به‌وجود نیامد و حتا بعضی از معیارهای امیدوارکننده رو به ضعف، سستی، رخوت و حتا اضمحلال رفت.

مارشال فهیم در دوران جهاد، جهاد کرد و در دوران مقاومت نگذاشت که افغانستان به سمت بلعیده‌شدن کشوری برود که خیال خام کرده بود و نگذاشت سیاهی و جهل افغانستان را در سیطره خود بگیرد. این دو برهه را با تمام تلاش سپری کرد. برهه بعدی یعنی دروان سازنده‌گی که کاملاً متفاوت بود، معیارها، دانش و همه‌اش با دوران جنگ متفاوت بود، سیاست‌مداران شاید زیاد حرف بزنند که برای‌شان آسان است، اما سکوت کردن به‌نفع ساختن مملکت و به نفع آبادی مردم برای سیاست‌مدارها کار بسیار سخت است.

بیاد دارم زمانی که مارشال افغانستان در حاشیه قدرت بود بسیار مقبول در خانه نشست و سکوت کرد. می‌بینیم زمانی که شماری از شخصیت‌ها در خانه می‌نشینند، بیتاب می‌شوند. خودم در وزارت اطلاعات و فرهنگ معین نشراتی بودم، رئیس دفتر مارشال صاحب اعتبارخان برایم زنگ زد و گفت که شما را مارشال صاحب خواسته، یک بار بیایید. زمانی که من خدمت‌شان رفتم دیدم که تنها به دفتر نشسته است، وقتی وارد شدم از جا بلند شد و دستم را گرفت، در حالی که من با حال و هوای دیگر رفته بودم فکر می‌کردم شاید مارشال کشور کدام هدایتی، شکایتی و یا انتقادی دارد، در حالی که وزارت اطلاعات و فرهنگ تلویزیون و رادیو و رسانه‌های چاپی داشت و مسائل دیگر که طبق معمول برای این بابت‌ها مارا می‌خواست، مرا با صمیمیت برای نشستن در کنار خود دعوت کرد. در کنارش نشستم، گفت، چه مدتی می‌شود در این وزارت کار می‌کنی؟ گفتم، این مدت. گفت، در همین فاصله زمانی که در وزارت اطلاعات و فرهنگ کار می‌کردی من همیشه حرف‌هایت را گوش می‌کردم، به این تصمیم رسیدم که تو باید به کابینه افغانستان بیایی. برایم بسیار خوش‌آیند بود، زیرا

اول این که خودم به خاطر این کار خدمت‌شان نرفته بودم و در عین زمان، هیچ فکری برای بالا رفتن نداشتم. در دورانی که در وزارت اطلاعات و فرهنگ کار می‌کردم، گذر زمان را متوجه نشدم. چرا که این کار بسیار برایم خوش‌آیند بود و شماری از دوستان در این محفل می‌دانند که چه‌طور در آن‌جا زنده‌گی کردیم.

تصمیم مارشال فهیم حکایت از این دارد، او در بند بعضی از مسائل که به دیگران مهم است و افغانستان را نمی‌گذارد، گام به پیش بگذارد، نبود. صحبت‌هایی داشت می‌گفت: جنگ و مقاومت کردیم، در این مدت‌ها خدمت کردیم، اشتباهاتی هم داشتیم، کارهای خوب کردیم و در عین حال، کارهای بدی هم شاید از ما سر زده باشد ولی حالا رسیدیم به جایی که باید افغانستان را آباد کنیم. گفت، جهاد برای آباد کردن نبود، بل که برای دفاع از افغانستان و مردم ما بود، هم‌چنان مقاومت برای دفاع بود، ولی اکنون باید برای آباد کردن این کشور کار کنیم. برایم گفت، معیار به کار کردن نزد من فقط آن چیزهایی است که الله متعال در آخرت از من می‌پرسد، در بند چیز دیگر نیستم. به این خاطر برای من مهم است که شما باید به کابینه افغانستان بیاید.

مارشال فهیم را خداوند مغفرت کند، فوق‌العاده در وضعیت آن روز افغانستان برای تحکیم و ثبات، وحدت ملی کشور کار کرد، با توجه به این که آسان از حرفش نمی‌گذشت، این قاطعیت یکی از ویژه‌گی‌هایش به حساب می‌آید، همه می‌دانند زمانی که مارشال چیزی را می‌گفت از آن عقب‌نشینی نمی‌کرد. وقتی که پای مصلحت ملی و وحدت ملی به میان می‌آمد، بسیار آرام می‌شد.

سه یا چهار روز پس از وفات مارشال صاحب در نشستی در سازمان ملل در اتریش در ویانا شرکت کردم که در حاشیه آن نشست اتحادیه اروپا مجلسی داشتند از من خواسته شده بود تا وضعیت افغانستان را تشریح کنم، فکر می‌کنم حدود بیست‌وهشت سفیر در مجلس خصوصی برای من به نوبت پشت مایک تسلیم تقدیم کرد و تمام سفرای کشورهای مطرح مانند امریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان...، یک جمله را برای من می‌گفتند مرگ مارشال فقید را که در دوران جنگ از افغانستان دفاع کرد و در دوران دموکراسی برای آبادی در افغانستان کار کرد برای شما تسلیم می‌گویم که این مسأله ارزش و جای‌گاه او را در سطح جهان نشان می‌دهد.

مارشال فهیم واقعاً در فکر آن بود که افغانستان و مردمش صاحب عزت شود. او در مسائل سیاسی سرگردان نبود، این‌طور نبود که اگر شما یک موضوع سیاسی را مطرح می‌کردید و او سی نفر مشاور را می‌خواست و فکر می‌کرد، این طرف و آن طرف می‌کرد و مجامله می‌کرد، نه! این حرف‌ها نبود؛ اگر شما حادثه‌ترین مسأله را به مارشال افغانستان می‌گفتید، به‌طور عاجل نظر خود را بیان می‌کرد و در کابینه هم بسیار کوتاه و جدی نظر می‌داد. با این حساب رحلت مارشال فهیم برای افغانستان یک فاجعه بود و امروز نبودش احساس می‌شود.

آرزومند استم که شخصیت‌های سیاسی این کشور اعم از کسانی که در حکومت استند و چه کسانی که در بیرون از حکومت افغانستان نقش سیاسی دارند، تأثیرگذار استند برای عزت ملت

و خاکشان سیاست کنند. درست است که سیاست کردن در کشور کار سختی است. کشوری که ابتدایی ترین نیازمندی های خود را از کشورهای دیگر تأمین می کند. باید بین استقلال، عزت و کمک گرفتن توازن مقبولی را برقرار کنند که مارشال فهم این کار را می کرد. کمک گرفتن از کشورهای کمک کننده به افغانستان به معنای پامال کردن عزت مردم این کشور نباید باشد.

موضوع دیگری که در این کشور مهم است، بخش عظیمی از اشتراک کننده ها در این مجلس جوانان هستند، در کشورهای بحرانی و جهان سومی سیاستمداران می توانند بیشتر به افکار عامه اشراف کنند و اینها را مثل اقیانوس که کشتی را این طرف و آن طرف می کشاند، این نقش را باید داشته باشند. در کشورهایی که دارای زیربنا هستند، به ثبات رسیده اند و آگاهی عامه صورت گرفته به سواد و فهم و اندیشه پای سنگ برایش برقرار شده است، افکار عامه سیاستمدارها را بیلانس می کند و تحت تأثیر قرار می دهد.

یکی از مشکلات امروز ما این است که سیاستمداران می توانند افکار عامه را به سمت هایی که دلشان می خواهد برانند و بی رحمانه برانند، با توجه به منافع شخصی برانند، با توجه به منافع قومی برانند و مصلحت علیا و بزرگ افغانستان قربانی شود، فراموش شود و در نتیجه این شود که ما هر چه تلاش کنیم رنگ زردی مردم کشور کم نشود و از بین نرود.

اگر ما بحث های قومی را مطرح می کنیم، در نهایت اینها را بلوکه کنیم به سمت وحدت ملی که عزت جمعی مردم افغانستان را به پا کند، اگر برای نهاد، برای حزب و یا هر چیز دیگری که می خواهیم کار کنیم همه اینها را به سمتی ببریم قدرت واحد برای افغانستان بسازیم و الا ما هم کشور و هم به مردم آن خیانت کردیم و نمی توانیم نزد الله متعال جواب دهیم.

تقوای سیاسی عنصر مفقوده و کم یاب در سیاست افغانستان است. وقتی تقوای سیاسی نبود، همه دست آوردها و شه کاری های یک ملت را به کام نابودی می کشاند. عزتی که جهاد افغانستان خلق کرد، دنیا را تسخیر کرد و به حیرت انداخت، ولی نبود تقوای سیاسی رهبران ما به جای آن که با عزت جهاد بستر آسایش و برادری پهن کنند، یخن کشی ها و کوتاه نظری ها و قساوت ها و بدبختی ها را به دامن جهاد پاک کردند.

امروز شما انسان های نفهم، جاهل و بی عزت با مقاومت مردم افغانستان در زیر دلشان درگیر اند. تو چه می خواهی، می خواهی مستعمره این و آن باشی؟ می خواهی عزت افغانستان در دست همسایه های ما باشد؟ ما با تمام همسایه ها، با تمام کشورها و ملت های دنیا مانند توتیه ای از پیکره جامعه انسانی رفتار می کنیم. مربی و معلم ما مولانا است، معلم و مربی ما آن شعر سعدی است که در سر دروازه سازمان ملل نوشته شده است: بنی آدم اعضای یکدیگر اند. ما معتقد به این قضیه هستیم، اما زیر سلطه نمی رویم و مزدور کسی نمی شویم، عزت خود را نمی فروشیم.

ملتی که در طول تاریخ از ارزش های دینی دفاع کرد، ملتی که یک روز به فکر زراندوزی و آسایش گری نبود، ملت های دیگر در فکر این استند که در کجا باغ داشته باشند و در کجا عسرت کده

داشته باشند، کدام جزیره را برای رفتن به تفریح‌های خود انتخاب کنند، ولی این ملت در برابر ستمی ایستاد که در واقع مسیر تاریخ را متفاوت رهنمایی کرد. حالا این ملت هم نمی‌خواهد که برادری را قربانی کند و هم نمی‌خواهد مزدور باشد که حق این ملت است.

در زمانی که قبر دسته‌جمعی در بدخشان کشف شده بود در آن‌جا بودم و نیز بزرگانی از جهاد افغانستان شرکت داشتند. استاد برهان‌الدین ربانی و محمد یونس قانونی سخنران‌های این مجلس بودند و شمار زیاد دیگری هم اشتراک داشتند و در مقابل ما نشسته بودند، در آن محفل گفتم که اگر تقوای جهاد نباشد، عزت به‌وجودآمده با خون یک ملت هم سقوط می‌کند.

حالا هم برای شما بگویم که بی‌تقوایی سیاسی در افغانستان بی‌داد می‌کند و افغانستان در مسیر درست حرکت نمی‌کند. امیدوارم همان‌گونه که فرزندان این ملت قربانی می‌دهند، جان خود را برای این وطن فدا می‌کنند، ما حد اقل توهمات خود و احساسات بی‌جا و خودخواهی‌های خود را کم‌سازیم تا این ملت روزگار بهتری را تجربه کند.

السلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته!



نشست کاروان نور

سومین سالروز رحلت مارشال افغانستان



مارشال افغانستان عيار و بانديشه بود

احمدولی مسعود-رئيس عمومي بنياد شهيد احمدشاه مسعود

سلام حضور حضار گرامي و جوانان عزيز که همواره تلاش می‌کنند که بتوانند پیوند ناگسستنی خود را با داعیه جهاد و مقاومت محکم داشته باشند، بتوانند از رمز و راز جهاد و مقاومت و از این داعیه بزرگ آشنایی بیشتر حاصل کنند و بهتر بشناسند، با این کار هویت خود را بیشتر بشناسند که این جوانان به کدام هویت شناخته می‌شوند و چه‌طور می‌توانند رابطه ناگسستنی را همواره با این‌طور گردهم‌آیی‌هایی محکم‌تر شود تا از شهدا و گذشته‌گان خود به نیکویی یاد کنند، از کسانی که در راه جهاد و مقاومت قربانی‌ها دادند به خوبی یاد کنند.

در آستانه سالیاد رحلت مارشال محمدقسیم فهیم قرار داریم و به روح همه گذشته‌گان و شهدا دعا می‌کنیم. مارشال فهیم یکی از پیشتازان و سابقه‌داران مکتب جهاد و مقاومت بوده و امروز در میان ما نیست و مطمئناً کمبودش به همه محسوس است.

مارشال فهیم شخص عیار، جوانمرد، بانديشه و در عين حال یک دولت مرد با هيبت بود. او

انسان خوش سلیقه و خوش مشرب بود. هر زمانی که با مارشال می‌دیدیم صحبت‌ها و روایت‌هایی از گذشته‌ها داشت، از جهاد، مقاومت و تنگناهایی که در این راستا وجود داشت، یاد می‌کرد. هر زمانی که از این دوره‌ها و از احمدشاه مسعود، قهرمان ملی کشور یاد می‌کرد، تأثیر بسیار روانی بالایش می‌گذاشت و بارها دیده شد که اشک‌هایش جاری شده است. مارشال فقید امروز در بین ما نیست، اما شکی نیست که ما می‌خواهیم راه و اندیشه‌هایش را ادامه دهیم.

جوانان گرامی! امروز در واقع شما در ادامه همان مبارزاتی هستید که پدران و برادران شما با خون خود، فداکاری و قربانی به انجام رساندند. شما ادامه همان جهاد و مقاومت هستید که مقاومت و جهاد آن‌ها به خاطر شما بوده است، به خاطر سرافرازی، آزادی و استقلال این کشور بوده است. مجاهدین در بدترین شرایط جهاد و مقاومت کردند و امروز که شما در واقع ادامه‌دهنده آن هستید، شرایط مساعدتر است، زمینه‌ها فراخ است تا بتوانید همان آرمان‌ها را به دست آرید. از یک طرف برادران شما در مقابل همان دشمن دیروزی با همان انگیزه مقاومت می‌کنند و قربانی می‌دهند، از طرف دیگر بر شماست که در میدان سیاست، اجتماع، اقتصاد... خود را آماده بسازید.

گذشته‌گان ما در سنگرهای داغ، جهاد و مقاومت کردند، امکان دارد که شیوه تغییر کرده باشد، اما یادمان باشد که همان طوری که در دوران جهاد و مقاومت پدران و برادران شما موفق شدند، امروز شما قطعاً در میدان سیاست و انتخابات موفق هستید. به بیاد دارید که در سه انتخابات گذشته شما از شانزده درصد، سی و دو درصد تا پنجاه درصد در انتخابات پیروز شدید، اما متأسفانه یا نتوانستیم و یا نگذاشتند تا آنچه که ما می‌خواستیم در عمل پیاده شود. دلیلش هم روشن است یا امروز ما شیوه مدیریت را بلد نیستیم و نمی‌توانیم دولت‌داری کنیم و یا نمی‌گذارند، قطعاً این‌ها دلایلی است که ما با بحران‌های عدیده‌ی مواجهه هستیم.

شما جوانان باید بدانید که اگر ابتدا خود را با چنین شرایط آماده نسازیم باز فردا مشکلات بیشتر شده می‌رود، به همان نسبت است که شیوه مبارزه شما فرق می‌کند. تا زمانی که این شیوه مبارزه را یاد نگیرید، نمی‌توانید در مدیریت این کشور سهم برجسته داشته باشید. چون شیوه فرق می‌کند قطعاً باید آماده باشیم.

بارها گفته‌ام که جوانان باید تحصیل کنند تا با خودسازی، فراگیری و آگاهی خود را آماده سازند و از جانب دیگر باید کشور را بسازند. زمانی که حالت بحرانی کشور را می‌بینیم، نمی‌توانیم به کسانی اطمینان کنیم که در پانزده سال اخیر در قدرت بودند که بتوانند این کشور را نجات دهند. در یک‌ونیم دهه اخیر بار بار تجربه کردیم که کسانی که اهرم قدرت را در دست دارند، بار بار در چارچوب سیستم قبلی تغییر و تبدیل شدند و این طرف و آن طرف رفتند، اما آنچه که مردم افغانستان می‌خواستند به دست نیامد. به همین لحاظ است که مردم افغانستان چشم به شما دوخته‌اند که هم ظرف شوید و هم مظلوف که هم خود و کشورتان را بسازید.

چیزی را که می‌خواهم پیشنهاد کنم چون شما جوان هستید و می‌توانید زودتر درک کنید و بگیرید

و هضم کنید، اگر بتوانیم که ابتدا نشانی، به خود بسازیم تا بتوانیم از راه این نشانی تعامل کنیم و در این نشانی آنچه که بسیار اهمیت دارد این است که چه طور می‌توانیم آینده خود را در چارچوب یک برنامه تضمین کنیم و بعد از این از همین نشانی بتوانیم تعامل کنیم.

و من الله التوفیق



پس از مارشال احساس بزرگی را از دست دادیم

عبدالحفیظ منصور-عضو مجلس نماینده گان

بسم الله الرحمن الرحيم. در سومین سال درگذشت مارشال افغانستان قرار داریم. خوب است که بدون مقدمه بگوییم، چه چیزی باعث این شد تا چنین محفلی برگزار شود و با توجه به این که در این روزها فرصت ها کم است و در هر جا نمی شود اشتراک کرد، اما چه چیز باعث شد تا در این جا بیایم و صحبت کنم؟ و هم چنان چه انگیزه باعث شده تا چنین محفلی ما را به خود جذب کند؟

ضمناً از شخصیتی که امروز از سالروز رحلتش یاد می کنیم و کارنامه های او را به یاد می آوریم، کم از کم گوشه یی از کارنامه های او را بازگو کنیم تا نسل های امروز و فردای ما بدانند چرا این همه زحمت کشیدن و مارشال و شخصیت های دیگر کشور به چه دلیل بالای ما حق دارند که محفلی بیاراییم و راجع به زنده گی آنها و کارنامه های شان صحبت کنیم.

مارشال فهیم مانند هر انسان دیگری در این کره خاکی زنده گی می کند دارای ویژه گی های برجسته یی بود که در وجود سایرین یا آن خصوصیات نیست و یا هم بسیار اندک است.

اولاً مهم‌ترین ویژه‌گی مارشال فهیم شجاعتش بوده است، شجاعتی در حد تحول. شما حتماً سوال می‌کنید که آیا کسی می‌تواند مارشال شود و شجاع نباشد؟ بلی، بسیار استند که در این سرزمین جنرال شده‌اند و اما شجاع نیستند و حتا در جنگ‌ها یک مرمی هم شلیک نکرده‌اند. خوب به یاد دارم در جنگ‌های کابل همان جبهه‌یی که می‌گفتند که امشب دشمن حمله می‌کند، مارشال فهیم شب را همان‌جا می‌خوابید.

دومین ویژه‌گی مارشال سخاوتش بود. خوب، همه‌ما سرانجام از گوشه‌یی از این دولت پول به‌دست می‌آوریم، کم یا بیش؛ اما این پول‌ها به بانک‌های خارجی می‌رود و بلندمنزل‌ها ساخته می‌شود، سرمایه‌گذاری در بیرون می‌شود، مارشال فهیم در بیرون از کشور چنین چیزهایی را نداشت. دستش باز بوده است و هرچه به‌دست آورده است، با هم‌قطاران و هم‌سنگران‌ش مصرف و خرج کرده است. هیچ رفیق دیگری چنین خصلتی را ندارد، نام نمی‌برم که باز شماری را دل می‌رنجد.

کسی مارشال فهیم شده نمی‌تواند به این دلیل که تنها می‌خورد. مارشال فهیم حد اقل سفره‌اش همیشه هموار بود و با هم‌سنگران‌ش، با فقرا می‌خورد، به مجاهد زخمی همیشه تقسیم می‌کرد. سرمایه‌برادرانش به‌جای خودش باشد، اما تا جایی‌که من می‌دانم خانواده‌ او چیز چندانی ندارند. او مرد شجاع در عین حال، با سخاوت و کرم بود که این خصوصیات چیز اندکی نیست؛ ما بسیار آدم‌ها داریم که پول می‌آورند، اما دست راست‌شان دست چپ‌شان را نمی‌بیند، در جیب می‌اندازند و پنهان می‌کنند. این چیزها ما را وامی‌دارد که بیاییم و از ایشان قدردانی کنیم.

جنگ و جنگ‌آوری توأم با خشم و قهر است، چون قهر که نباشید، زده و کشته نمی‌توانید، توپ و تانک استفاده کرده نمی‌توانید، یکی از شاخص‌های بارز مارشال فهیم که در وجود هم‌قطاران‌ش بسیار به ندرت دیده می‌شود، بی‌کینه و بی‌عقده بودنش است. من با مارشال فراوان درگیری و بگومگو کرده‌ام، اما هیچ وقتی عقده نگرفته است. با تمام کسانی‌که با مارشال مشاجره و مجادله می‌کردند، اما مارشال فهیم با جبین باز و با آغوش باز با او رفتار می‌کرد و گذشته‌ها را فراموش می‌کرد.

مارشال فهیم توطئه‌گر نبود، در عین حال که بی‌کینه و بی‌عقده بود، چنین انسان‌هایی با قلب پاک در بین ما و در عصر ما و در بین سیاست‌مداران ما بسیار اندک است؛ هفتاد سال قبل اگر پدرش را چیزی گفته باشی تا حال فراموشش نمی‌کند. اما مارشال فهیم حرف صبح تا ظهر به یادش نبود، می‌گفت که یک مجاهد یک انتقاد یا یک گپ گفت فراموش کنید.

یکی از خصلت‌های بارز دیگری این بود که احساس بزرگی می‌کرد؛ این نکته بسیار مهم است. یک شخص را اگر قدرت بدهی، امکانات بدهی نظر به آن خود را بزرگ می‌داند، اما مارشال فهیم ذاتاً احساس مسئولیت و بزرگی می‌کرد؛ در منزلش می‌نشست و به اشخاص مورد نظرش زنگ می‌زد که بیایید مشوره دارم و می‌گفت چنین کارها چرا شده و یا نشده است، اما دیگران اصلاً گپ زده نمی‌توانند، در بالا نشسته نمی‌توانند، احساس بزرگی کرده نمی‌توانند. ما خانه‌های مجلل و پولهای کلان داریم و اما کسی که احساس مسئولیت و کلانی کند نداریم.

مارشال فهیم بعد از احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور در همه مسائل احساس مسئولیت می‌کرد. این خصلت‌ها خریده نمی‌شوند، بل که چیزی است که الله متعال به کسانی به صورت خاص عطا می‌کند.

ما رتبه داریم و در بالا هستیم، اما چون احساس مسئولیت نمی‌کنیم، هیچ کاری از دست ما نمی‌آید. برای پنج‌سال مسئولیت دولتی نداشت، اما زمانی که زنگ می‌زد، کار اجرا می‌شد و کسی نبود که در مقابلش ایستاده شود. با رفتن مارشال فهیم احساس بزرگی را از دست دادیم. در حد مأمورین دست‌نگر و گوش به فرمان تنزل پیدا کرده‌ایم. اما مارشال شجاع، با سخاوت، بی‌عقده و بزرگ بود.

چون فراوان شنیده‌اید، من خلاصه دوتا حادثه و روی‌داد از زنده‌گی سال‌های پسین مارشال افغانستان را به عنوان واقعیت بیان می‌کنم و تحلیلش را شما کنید. پانزده روز پس از شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود (رح) در سرپچه که مرقد آمرصاحب است، بلندآژی است و جلسه‌یی برگزار شد تا جانشین احمدشاه مسعود تعیین شود، این تاریخ است و آن‌چه که می‌گویم مسئولش هم منم و کسی که رد کرد بگویید که منصور گفته است، در آن جلسه بعداً تبلیغات شد که می‌خواهم همان را روشن کنم.

اصرار بر این بود که احمدضیاخان {احمدضیا مسعود} تو برادر احمدشاه مسعود استی، بیا تو جانشینی او را بپذیر، اما او رنگش پرید تا این مسئولیت را قبول کند، دکتر عبدالله عبدالله را گفتند، محمدیونس قانونی را گفتند و بسم‌الله محمدی را گفتند، اما آنان مسئولیت را نپذیرفتند، چرا که در همان زمان خون‌دادن به‌کار بود، لغت‌گفتن دردی را دوا نمی‌کرد، زمانی بود که احمدشاه مسعود شهید شده بود، در جایش یک شخص فدایی نیاز بود. جانشینی مارشال فهیم به‌جای احمدشاه مسعود خودگذری، فداکاری و رفتن به‌سوی مرگ بود نه کدام امتیاز، در حالی که شماری از افراد تبصره‌هایی می‌کنند، من به تشریح نمی‌گویم بسیاری از دوستانی که پسان‌ترها لغت گفتند، گلوی‌شان خشک شده بود صحبت کرده نمی‌توانستند، در چنین مرحله‌یی که پانزده روز از شهادت احمدشاه مسعود و هشت روز هم از دفن‌اش سپری شده بود این مسئولیت را به دوش گرفت.

جانشین‌شدن مارشال فهیم در آن شرایط که هیچ چیزی نبود و زمین و آسمان تنگی می‌کرد، امریکایی وجود نداشت، ناتویی وجود نداشت، دالری وجود نداشت، خیلی از مهاجرین و مردم ماتم‌زده و مجاهدین غمگین؛ مارشال فهیم در چنین شرایطی مسئولیت را به دوش گرفت و کاندیدا برای مرگ شد، جانشین شدنش به آن معنا است.

این برگه تاریخ را شما به‌عنوان یک تحول، فداکاری، جان‌نثاری و فداشدن مارشال افغانستان برای ملتش باید ثبت کنید، این کار مارشال فهیم کوچک و اندک نیست. این کار چیزی نیست که توپ را به گول بزیند و چند نفر کف بزند، بل که کار مارشال فهیم این بود که کسی با تمام هست و بودش در آن‌طور شرایط آماده‌ مرگ است.

روی‌داد دوم به فاصله‌ی زمانی اندکی به‌وقوع پیوست طوری که جنگ شروع شد و حملات

مجاهدین از زمین و نیروهای خارجی از آسمان که در چنین شرایط دو حادثه بسیار تاریخی است. یکی آن این که شماری از کشورهای منطقه علاقه‌مند تجزیه افغانستان بودند، می‌خواستند افغانستان شمالی و جنوبی شود که از هندوکش به بالا شمال و پایینش افغانستان جنوبی باشد، مانند کوریای شمالی و جنوبی یا یمن شمالی و جنوبی به وجود بیاید، در این صورت افغانستان تجزیه می‌شد. اگر دل‌سوزی و درایت و وطن‌دوستی مارشال فهیم نبود افغانستان تجزیه شده بود و این وحدت نبود، آیا این چیز اندک است و ناچیز؟

اما در عرصه داخلی چه کسانی به کابل آمدند، بدون شک در بین‌شان مجاهدان و مقاومت‌گران خشمگین شمالی که خانواده‌شان کوچانده شده بود، خانه‌شان ویران شده بود، تاکستان‌های‌شان آتش زده شده بود، در مقابل چنین جنایاتی که طالبان انجام داده بودند، می‌دانید، اگر مارشال فهیم نبود و مانع نمی‌شد چه اتفاقی رخ می‌داد؟ پاسخ این است که یک جنگ قومی شدید در کابل رخ می‌داد و هرکس که از جنوب و جنوب‌غرب افغانستان می‌بود مثل زن، مرد، پیر و جوان همه کشته می‌شدند و جوی‌های خون جاری می‌شد. مارشال فهیم تمام فشارهای مجاهدین را پذیرفت و تحمل کرد، ولی اجازه چنین فاجعه را نداد و گفت که اصلاً ما برای گرفتن انتقام نیامده‌ایم، طالبان غیر از مردمی استند که در این جا زنده‌گی می‌کنند، طالب متعلق به کدام قوم نیست، این جنایت‌کاران هم مردم جنوب را می‌کشند و هم مردم شمال را و شما نباید انتقام بگیرید.

پس جلو این مردم خشمگین را مارشال فهیم گرفت و از جنگ خونین قومی و وطنی در داخل کابل که جان هزاران انسان در خطر بود جلوگیری کرد، این کار آسانی نیست. مارشال فهیم با این کار خود چه قدر توهین شد، چه قدر دشنام شنید و چه قدر تهمت‌هایی به او زدند که مارشال معامله گر است... همه را تحمل کرد. شما تصور کنید اگر در همان زمان جلوگیری نمی‌شد، سرانجام ما و رابطه‌ما با هم و وطنان در گوشه و کنار افغانستان چه می‌شد؟ پایان این کشور و تاریخ این سرزمین چه می‌شد؟ من بارها گفته‌ام که اگر مارشال فهیم در زنده‌گی خود هیچ‌کاری که نکرده باشد، به‌عنوان شخصیت بزرگ افغانستان به‌خاطر همین کارش نامش باید برای همیشه جاودان بوده و با نیکی یاد شود.

از توجه‌تان تشکر



مارشال افغانستان یار نزدیک و باتدبیر مسعود شهید بود

عبدالرحیم راشد-سخنگوی شورای مردمی کوهدامن

درود و سلام حضور حضار گرامی!

دورد بر روان شهدای راه آزادی، جهاد و مقاومت، به‌طور ویژه به روان پاک مارشال محمدقسیم فهیم.

مکت کوتاه‌های بالای راز ماندگار شدن شخصیت‌هایی که در قلب‌های ما و در اجتماع جای‌گاه خاصی دارند. جهاد یک امر دینی و فریضه الهی و آزمون بسیار بزرگی بود که یک ملت سلح شور، آزادی‌خواه، مومن و مسلمان در برابر یک تجاوز بسیار بزرگ که همه دارو ندار، سرزمین، کشور و ملت ما را و سرانجام اعتقادات و باورهای دینی، فکری، فرهنگی و تاریخی ما را می‌خواستند نابود کنند، جهاد آغاز شد. جهادی که در پایان کار حدود یک‌ونیم میلیون انسان متعهد، باورمند، خداپرست و وطن‌دوست در بسیار شرایط حساس در صدر مبارزات و مجاهدت مردم افغانستان قرار گرفتند و به‌خاطر دفاع از ارزش‌های دینی و ملی ایثار و فداکاری کردند، با لطف الله متعال و فداکاری که داشتند

راز ماندگاری خود را در بین ملت و در قلب‌های مردم رقم زدند.

بنابر کمی وقت نمی‌شود تمام آن شخصیت‌ها را نام برد، اما در صدر مبارزات و مجاهدت مردم افغانستان قرار گرفتند و به‌خاطر دفاع از ارزش‌های دینی و ملی ایثار و فداکاری کردند با لطف و عنایت خدای متعال راز مانده‌گاری خود را در میان ملت و قلوب‌شان رقم زدند.

آزمون دیگر که ادامه جهاد برحق مردم افغانستان بود، بازهم پای تجاوز سیاه در کشور کشانده می‌شود، متأسفانه تا اکنون دوام دارد، دوره مقاومت بود. دوره‌یی که تمام ارزش‌ها و دست‌آوردهای جهاد را می‌خواستند به یک‌باره‌گی از بین ببرند. در زمان مقاومت دشمن این وطن می‌خواست که چیزی به‌نام افغانستان در جغرافیای جهان وجود نداشته باشد. ملت آزاده و مجاهدی که افغانستان دارد، وجود نداشته باشد، باز هم مردان مقاومت هدف‌مندان سنگرداری می‌کنند، در مقابل تجاوز نه می‌گویند که در جمع شخصیت‌ها قهرمان ملی کشور این مقاومت را رهبری می‌کرد و یار نزدیک، باتدبیر، باشهامت، باتعهد مسعود شهید مارشال فهیم فقید بود.

چنان‌چه شما می‌دانید، مارشال فقید مرد جسور، مردی که در دشوارترین شرایط می‌توانست با همان خصوصیات ذاتی و فطری خود تصمیم‌گیر و عمل‌گرا باشد. او تصمیم می‌گرفت و عمل می‌کرد و به لطف خدا و ایستاده‌گی مجاهدین و یاران خود به پیروزی می‌رسید. دلیل پیروزی او اراده محکم و ایمان قوی بود، به‌عزت و آزادی مردم افغانستان می‌اندیشید، فکر کلان دینی و ملی داشت.

حکومتی که امروز داریم اولاً عنایت پروردگار بوده و بعد ایستاده‌گی مجاهدین در زمان جهان و مجاومت بود که دوباره صاحب وطن و کشوری به‌نام افغانستان شدیم.

و من الله التوفیق



مارشال افغانستان یار نزدیک و باتدبیر مسعود شهید بود

عبدالرحیم راشد-سخنگوی شورای مردمی کوهدامن

درود و سلام حضور حضار گرامی!

دورد بر روان شهدای راه آزادی، جهاد و مقاومت، به‌طور ویژه به روان پاک مارشال محمدقسیم فهیم.

مکت کوتاه‌های بالای راز ماندگار شدن شخصیت‌هایی که در قلب‌های ما و در اجتماع جای‌گاه خاصی دارند. جهاد یک امر دینی و فریضه الهی و آزمون بسیار بزرگی بود که یک ملت سلح شور، آزادی‌خواه، مومن و مسلمان در برابر یک تجاوز بسیار بزرگ که همه دارو ندار، سرزمین، کشور و ملت ما را و سرانجام اعتقادات و باورهای دینی، فکری، فرهنگی و تاریخی ما را می‌خواستند نابود کنند، جهاد آغاز شد. جهادی که در پایان کار حدود یک‌ونیم میلیون انسان متعهد، باورمند، خداپرست و وطن‌دوست در بسیار شرایط حساس در صدر مبارزات و مجاهدت مردم افغانستان قرار گرفتند و به‌خاطر دفاع از ارزش‌های دینی و ملی ایثار و فداکاری کردند، با لطف الله متعال و فداکاری که داشتند



مقالات



خاطراتی از مارشال افغانستان

دكتور شمس الحق آريانفر

در بازشناسی شخصیت‌ها توجه داشته‌اید که برخی افراد با تغییر مقام و موقف، وارونه می‌گردند. دربارهٔ چنین افراد واژه «کم‌ظرف» و یا به اصطلاح عامهٔ مردم «قطره مست» را به کار می‌برند. می‌گویند ظرفیت ندارد و با قطره‌یی مست می‌گردد، اما شخصیت‌های بزرگ و با ظرفیت با هیچ مقام و منزلتی، خود را گم نمی‌کنند. باری منتقدی از مولانا جلال‌الدین محمد بلخی که ارادت‌مند شمس تبریزی بود، پرسید: در بارهٔ شراب چه می‌گویی؟ این که شمس شراب می‌خورد. مولانا گفت: این مربوط به آنست که چه کسی می‌خورد. اگر کسی چون شمس شراب می‌خورد او چون دریاست اگر در دریا کوزهٔ شراب را بریزد حرام نگردد و وضو روا باشد. اما اگر کسی چون تو پدر... بخورد یک قطرهٔ آن حرام است. هم‌چنان که حوضی با قطرهٔ می‌حرام گردد و وضو در آن روا نباشد.

مارشال محمدقسیم فهیم در محدودهٔ خود ظرفیت بزرگی داشت، در تمامی مراحل حیاتش دگرگون نشد. هم‌چنانی که همه یارانش شاهد اند، در معاونیت ریاست جمهوری به گونه‌یی بود که در جبهه؛ در این جا چند خاطره را از مارشال یاد می‌کنم.

نخستین دیدار:

نخستین دیدار من با مارشال محمدقسیم فهیم، در دوران جهاد در قرارگاه پارنده پنجشیر بود. محمدقسیم فهیم معاون احمدشاه مسعود بود، من یک فردی که در دولت کار می‌کردم و برای یک روز آنجا بودم. قرار بود شب با آمرصاحب احمدشاه مسعود بینم. کسی نمی‌دانست مسعود کجاست. می‌گفتند در تخار است، امشب می‌آید و سخن‌های دیگر. من مهمان بودم؛ وقتی نماز ظهر شد همراه با فهیم‌خان طرف مسجد حرکت کردیم. دو اتاق در مقابل ما بود، هیچ‌کس در نزدیکی آن وجود نداشت. فکر کردم همانجا مسجد است، همین که آن طرف حرکت کردیم، فهیم‌خان از دستم گرفت و گفت: مسجد آن طرف است، باهم حرکت کردیم، بعد فهمیدم که آمرصاحب مسعود در همین اتاق بود و بدون اینکه محافظ در مقابل آن باشد و یا مورد توجه قرار گیرد.

آن روز تا شب و غذای شام به گونه‌ی یک مجاهد عادی با ما و شاید مجاهدین بود. قصه می‌کرد می‌خندید و اصلاً گمان نمی‌کردی این شخص معاون آن شخصیت افسانه‌ی -احمدشاه مسعود- است و در نبود او هم امور جبهه را به پیش می‌برد.

یار پُر صلابت:

صمیمیت مارشال محمدقسیم فهیم همیشه‌گی بود، وقتی معاون رئیس‌جمهور شد، در او تغییر نیامد، زمانی که با ایشان مقابل می‌شدی همانگونه بلند می‌خندید و صمیمانه احوال پرسی می‌کرد. اصلاً به گونه‌ی بعضی‌ها در رفتار و حرکت و صحبتش اندک‌ترین تغییری نیامده بود که احساس کنی خود را معاون رئیس‌جمهور می‌داند. یگان مرتبه با خنده می‌گفت: همین لحظه سرپرست ریاست‌جمهوری و شخص اول هستم، اما می‌خندید و هیچ غروری در او دیده نمی‌شد.

گویی مقام ریاست‌جمهوری هم نتوانسته بود، ظرفیتش را پُر کند و او را از خویش ببرد. اما با وجود همه صمیمیت‌ها، عظمتش محسوس بود و یک صلابت خاصی او را همراهی می‌کرد که در یافتنی بود.

دیدارهای صمیمانه:

هر وقت به دیدنش می‌رفتم، با چهره‌ی باز پذیرا می‌شد، بیشتر اوقات مرا زمانی می‌پذیرفت که وقت غذای چاشت می‌بود. بعد صحبت از شعر و شاعری می‌کرد، اشعاری را از حافظ و دیگر شاعران می‌خواند و بحث‌های ادبی و اسلامی می‌کرد. خاطراتش را یاد می‌کرد، مجلس گرم و شیرینی و خودمانی برپا می‌شد. از یاد می‌بردی که در ریاست‌جمهوری و با معاون رئیس‌جمهور هستی، این حالت را او برایت حالی می‌کرد.

خاطره‌ ماندگار:

باری خواستم مارشال محمدقسیم فهیم را ببینم. چند روز معطل شدم، وقتی وعده ملاقات رسید

به قصر صدارت رفتم، همین که به دوازه ساختمان قصر صدارت رسیدم، متوجه شدم که شمار زیادی از مهمانان خارج می‌شوند.

در آن میان عبدالله قندهاری منجم و مجاهد خوب دوران جهاد نیز حضور داشت. همین که از دور متوجه من شد، در میان دیگران در حالی از دروازه بیرون می‌شد، باخنده صدا کرد: امروز فقط آریانفر را می‌بینم دیگران بروند.

ملاقات با مردم سمنگان:

در سمنگان مظاهره شده بود و چند نفر هم کشته و زخمی شده بودند. شماری از ریش سفیدان آمده بودند تا رئیس‌جمهور کرزی و مارشال فهیم را ببینند، مظاهره در برابر والی سمنگان شده بود. والی برای برائت خود کسی را محرک این کار به رئیس‌جمهور معرفی کرده بود. از این که رئیس‌جمهور آن شخص را خوب نمی‌دید از والی حمایت می‌کرد.

وقتی مارشال را دیدیم، مسایلی را گفت و تاحدی مردم را قناعت داد. ریش سفیدان در برابر سخنان مارشال صاحب آرام شده بودند و نمی‌دانستند چه بگویند.

من گفتم: مارشال صاحب ما با شما دعوی دیگری داریم! و نمی‌گذاریم که به این ساده‌گی تمام شود. رئیس‌جمهور فریب دسیسه والی را خورده است. ما را با رئیس‌جمهور مقابل کنید. مارشال صاحب سخنانی گفت باز تکرار کردم، یک راه وجود دارد. دیدن با رئیس‌جمهور و این کار را شما هم‌آهنگ می‌کنید، ما را به رئیس‌جمهور بنشانید.

مارشال صاحب خندید و خطاب به من گفت: شما را با رئیس‌جمهور می‌نشانم، دیگر چه می‌گویید. روز شنبه این کار عملی می‌شود. این همه صمیمیت و این همه بزرگ منشی را در بزرگ‌مردانی چون مارشال باید جست که نه همه جا پیدا می‌شود نه در هر جا هست.

منبع: روزنامه اصلاح



مارشال محمد قسیم فهیم، مرد درد و آگاهی

دكتور شمس الحق آریانفر

دكتور علی شریعتی در آسیب‌شناسی ابعاد اجتماعی زیست جوانان، یادآور می‌شود، در برخی جوامع همین که جوانی خواست سرش را بلند کند و بر جامعه نظر اندازد، سرش را به زیر نافش گره می‌زنند. در آن بحر شناور می‌گردد، زمانی که سربلند می‌نماید، از مرز چهل ساله‌گی گذشته است. ای بسا فرصت‌ها که حیف شده و فراوان لحظات که به غفلت هدر رفته است.

در جوامع عقب مانده نیز فراوان مصروفیت‌های ناسالمی وجود دارد که جوانان را بر غفلت و ناآگاهی می‌کشاند و از درد و آگاهی تهی نگه می‌دارد.

آگاهی:

مارشال محمد قسیم فهیم از شمار اندک جوانانی بوده است که دوران غفلت و بیداری را تجزیه نکرده است. او نوجوان بود که تحصیل علوم دینی و اسلامی پرداخت و در ۱۹ ساله‌گی با درد دین و آگاهی اسلامی در جامعه ظاهر شد. در حقیقت تمام دوران رسالت‌مندی را با مسئولیت گام برداشت و

هرگز مجال و فرصتی برای او نبود تا در غفلت راهی دنیای هوس‌های جوانی و بیهوده‌گی و انحراف و فساد اخلاقی شود، از آغازین روزهای جوانی که ۱۹ سال داشت به سرنوشت دین، میهن و آزادی فکر کرد و در راستای اهتمام به این امور راهی جبهات جهاد شد.

ایمان استوار:

در نوجوانی اغلب جوانان احساسات پاک و وجدان سالم دارند و می‌خواهند در راستای باور و ایمان و انسانیت کارهای کنند، اما خود را ناتوان می‌یابند و از اقدام عملی باز می‌مانند.

فقط اراده‌ها و ایمان‌های استوار است که در جهت تحقق عملی باورهایش مصممانه گام بر می‌دارد. مارشال محمدقسیم فهیم، وقتی طرف مبارزه حرکت کرد در کشور آرامش حکم فرما بود. نظام نوین حزب دموکراتیک با شعارهای نو و دل‌فریب برای جوانان و مبارزه برای سرنگونی امپریالیسم درخشش و تابنده‌گی داشت. سلطنت چهل ساله را سرنگون کرده بود ابرقدرت شوروی و پکت وارسا در حمایتش قرار داشت؛ کسی باور نمی‌کرد، این نظم روزی سرنگون گردد.

محمدقسیم فهیم در چنین حالتی، روانه کنرها می‌گردد و با جرقه‌های خفیفی که تازه در آنجا بر علیه نظام سرکشیده است، یک‌جا می‌شود. این عمل برای یک جوان در حکم خودکشی است. اقدام به کاری که امیدی در آن دیده نمی‌شود، کسانی زیادی هم وجود ندارند که او را راهنمایی کنند و او از دنبال آنان برود. خود این جوان ۱۹ ساله راه‌نماست. راه می‌گشاید و می‌خواهد دست به کاری بزند که مخالفت با تمامیت نظم و نظام است. در حالی که اگر بزرگان مناطق در آن وقت از عمل او آگاه شوند، او را خود به دولت می‌سپارند. چنین عمل و اقدامی بدون شک ایمان استوار و اراده بزرگ محمدقسیم فهیم نوجوان را بر می‌تابد که هم‌قطارانش اندک بوده اند.

شهامت و دلاوری:

جوان با ایمان هم فراوان است، اما بازی با آتش و مرگ در نوجوانی، خود را در برابر توپ و تانک قرار دادن و سلاح برداشتن شهامت بزرگی را طلب می‌کند، به‌یاد داشته باشید که در آن روزگار مردم از صدای فیر واهمه می‌کردند، سلاح را ندیده بودند و حرکت در برابر حکومت را عمل عجیب و دیوانه‌گی می‌دانستند. وقتی جهاد سراسری شد هر کس می‌توانست جهاد کند، اما آغازگران بی‌بدیلان اند. رفتن به راه نرفته و اقدام به کارهای بی‌سابقه، شهامت و جگرآوری خاصی را نیاز داشت که محمدقسیم فهیم از آن بهره‌ور بود.

معاونیت احمدشاه مسعود:

شهید احمدشاه مسعود بدون شک نابغه نظامی عصر حاضر است؛ هفت مرتبه شکست جنرالان و ارکان حرب‌های ارتش سرخ در برابر او، نشان می‌دهد که مسعود طرح و برنامه برتر از شوروی‌ها را مطرح می‌کرد.

وقتی شوروی‌ها با ۳۰ هزار سپاه در حمله هفتم به پنجشیر، در دام تنیده مسعود افتادند و در یک دره خالی گرفتار آمدند، مسعود به خبرنگار ایتالیایی در اندراب گفت: شوروی‌ها جنگ را باختند. مردی که ابر قدرت‌ها را به دام انداخت و زمین گیر کرد، به معاونیت خود محمّدقسیم فهیم را برگزید. این وظیفه را بدون ظرفیت و توانایی نمی‌شد به دست آورد. مسعود را شما نمی‌دیدید او به خاطر جلوگیری از ردیابی جواسیس شوروی، زیست و حرکت و حضور مخفی داشت، باری ظاهر می‌شد و دوباره ناپدید می‌گردید. اما محمّدقسیم فهیم همیشه در صحنه بود، وظایف جبهه و جهاد را به پیش می‌برد، آن‌گونه که مسعود از کارکرد و شهامتش راضی بود.

مقاومت در کابل و تخار:

بعد از ایجاد دولت اسلامی، همه دشمنانی که امروز حضور دارند، با پشتوانه استخبارات و کشورهای بیرونی بدون مزاحمت در برابر دولت اسلامی اقدام کردند. حتا احزاب جهادی را با تطمیع و تهدید با نظام در مخالفت کشاندند. در این زمان بار مقاومت به دوش جبهاتی بود که در کابل قوماندان عمومی آن مارشال محمّدقسیم فهیم بود.

مارشال محمّدقسیم فهیم گه‌گاه خود می‌گفت: وضعیت به گونه‌ای است که در نبود احمدشاه مسعود، وقتی مخابره را بلند کنم، همه مجاهدین اطاعت می‌کنند، امور جنگ به پیش می‌رود.

وقتی مقاومت در تخار ادامه یافت، باز هم فرمانده جنگ مارشال محمّدقسیم فهیم بود. در همان روزگار باری بعد از ختم حملات تابستانی طالبان مارشال به شهر دوشنبه آمد. من صحبت مفصلی از جریان جنگ و مقاومت از زبان ایشان گرفتم که با جزییات در کتاب «راست قامتان تاریخ» نشر گردید و ثبت تاریخ جهاد و مقاومت ماست.

بعد از اجلاس بن:

بعد از اجلاس بن مارشال محمّدقسیم فهیم اوج اخلاص و صداقت خود را به میهن دوستی و ملت‌خواهی نشان داد. مارشال بارها با خشونت و مقاومت و تندوری‌های یاران و مجاهدانش روبه‌رو شد و از او خواستند در برابر این همه خواست و عمل کردها، گاه هم غیر موجه، ایستاده‌گی کند، اما مارشال به خاطر مصلحت افغانستان، مصلحت ملی و آمدن صلح و آرامش به کشور، گذشت کرد. حتا برخی از مسائل قصدی و شاید برای برهم زدن هم‌گرایی عنوان می‌شد. ورنه برخی تغییراتی که در دست‌آوردهای حکومت مجاهدین وارد شد، زیاد مورد نیاز نبود و با آن تغییرات هیچ سیاهی سفید و یا سفیدی سیاه نشد.

به هر حال، گذشت مارشال و سعه صدر او که اتهاماتی را هم برایش به همراه داشت، نیت و باور ملی او را بر می‌تابد، به یاد داشته باشیم که این همه اخلاص او در مواردی شاید قابل فهم نبود و عمل بالمثل نداشت. این نکات و فراوان نکات نگفته دیگر نشان می‌دهد که مارشال محمّدقسیم فهیم شخصیت بزرگ، آگاه و با درد ملت افغانستان است که تمام عمر آگاهانه را وقف دین، آزادی،

سرزمین و تأمین وحدت و یگانگی ملی این کشور و جامعه کرد، جا دارد که این بزرگی و عظمت و اخلاص را پاس داریم و بزرگداشت کنیم.



مواضع دلیرانه مارشال فقید در دفاع از ارزش‌های جهاد و مقاومت

پوهندوی سید عنایت‌الله شاداب

تداوم حیات ملت‌ها در گرو حراست و پاس‌داری از ارزش‌هایی است که هویت ملی آنان را تشکیل داده و به مثابه خون در پیکر یک ملت جریان دارد و تپش هر ملتی مرهون همین ارزش‌ها و دفاع از آن می‌باشد.

اضمحال و چشم‌پوشی از این گونه ارزش‌ها و اتخاذ مواضع سلبی در دفاع و پاس‌داری از آنان موجب می‌شود که ارزش‌های ملی در مسیر تاریخ زنده‌گی مجموعه‌های انسانی به نام ملت‌ها، رنگ خود را از دست دهند و در نهایت، در قطار ملت‌هایی جاگزین شوند که فاقد هویت تاریخی اند.

کارنامه‌ها و حماسه‌آفرینی‌های ابرمردان یک ملت در راستای دفاع از آزادی و پاس‌داری از میهن و مأوا، به حیث یک عنصر اساسی در تشکل و هستی‌یابی و شیرازه‌بندی هویت ملی، مجموعه‌های انسانی، نقش آفرین بوده و فقدان روحیه دفاع از این گونه ارزش، ملت‌ها را در پرتگاه نیستی و نابودی قرار می‌دهد.

افغانستان در تاریخ سیاسی معاصر خود شاهد تجاوزهای توسعه‌جویانه به سرزمین و جغرافیای

سیاسی خود در سده‌های ۱۹-۲۰ از طریق قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده که تحت دفاع از عمق استراتژیک و دفاع از منافع خود به چنین دست یازیدند و استقلال و آزادی کشورها را آماج تجاوزهای ویرانگرانه خود قرار داده و هویت ملی کشورهای مورد تجاوز را به چالش گرفتند.

وقوع حوادثی از این گونه بحران آفرینی در تاریخ زنده‌گی ملت‌ها اگر از یک‌طرف بیانگر آرزومندی کشورهای مهاجم و متجاوز به این کشور به شمار می‌رفت از جانب دیگر، آزمونی بوده برای صاحبان سرزمینی با تاریخ پنج‌هزار ساله‌اش که در مراحل و ادوار مختلف زنده‌گی سیاسی از هم‌چو آزمون‌ها موفقانه سر برآورده است.

تجاوز اتحاد شوروی وقت به این کشور مستقل و آزادی در واقعیت امر، به چالش گرفتن روحیه تجاوزستیزی این ملت در درازای تاریخ پُر فراز و نشیب این ملت مسلمان بود.

ملتی که به تاسی از کارنامه‌های نیاکان خود و با الهام‌گیری از آموزه‌های اسلامی به پیش‌آهنگی نهضت اسلامی افغانستان، علم جهاد و مقاومت در برابر تجاوز را برافراشت.

رشد شخصیت شادروان مارشال فهیم و کارنامه‌ها و حماسه‌آفرینی‌های او را در جنگ‌های تحمیلی کابل و اطراف آن در دوران حکومت مجاهدین و در دوران مقاومت در شمال و شمال‌شرق کشور باید در چنین بستری بخوانش گرفت.

در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ کارنامه‌های مارشال فهیم در برابر جنگ‌های تحمیلی در کابل درخشش قابل ملاحظه داشت.

روزی در قصر نمبر یک، هنگامی که با شهید قهرمان ملی رو به‌رو شدم از مقاومت و دست‌آوردهای فهیم‌خان در سنگرهای جنوب کابل یاد آور شدم، آمر صاحب شهید گفت، واقعاً فهیم‌خان شخصیت خود را در این مقاومت‌ها و شکست نیروهای اجیر تبارز داد.

همین گونه مارشال فهیم بعد از سقوط کابل در شمال و شمال‌شرق کشور در سازماندهی مجاهدین و جمع‌آوری طیف‌های مختلف آنان برازنده‌گی‌های قابل توجهی از خود نشان داده و در مواقع مختلف چهره مقاومت و دفاع در برابر دشمن را به گونه‌های آشکار به نمایش می‌گذاشت.

مارشال فقید بعد از فروپاشی نظام طالبان و برپایی نظام جدید در کشور که حذف سیاسی و فزیکي مجاهدان در اولویت برنامه‌های بازیگران اصلی حوادث افغانستان قرار داشت، به حیث وزیر دفاع و معاون اول ریاست‌جمهوری، مواضع دلیرانه‌یی در دفاع از جایگاه مجاهدین و کارنامه‌های آنان نشان داد و تا آخرین مرحله زنده‌گی خود در این مواقف شجیعانه‌اش مردانه ایستاد.

اما با تاسف که بعد از وی همراهان او نه آن مردانه‌گی و شجاعت او را داشتند و نه هم از خط مقاومت او در برابر مجاهدستیزی نظام مواقف سازنده‌یی را اتخاذ کردند.



یادی از مارشال افغانستان

ابوبکر سیزواری

۱۸ حوت مصادف با سالگرد وفات مارشال محمدقسیم فهیم است. در این روز شخصیت مهم و مردی تاثیرگذار بر وقایع افغانستان چشم از جهان فرو بست و رُخ در نقاب خاک کشید.

مرگ مارشال در آستانه انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال ۲۰۱۴ اتفاق افتاد انتخاباتی که از پیش در مورد آن نگرانی‌های زیاد وجود داشت. او در مورد نگرانی‌ها از تقلب در انتخابات آینده به صراحت گفته بود که تقلب در انتخابات قابل قبول نخواهد بود. او در جواب کسانی که نگران تقلب دولتی در انتخابات بودند گفته بود: «تا ما زنده هستیم، اجازه این کار را نخواهیم داد». اما او در انتخابات زنده نبود تا مانع از تقلب شود. وضع نابه‌سامانی که امروز شاهدش هستیم، ناشی از همان انتخابات پُر تقلب است.

او بعد از شهادت استاد برهان‌الدین ربانی، مرجع امید مردم برای کنترل اوضاع کشور بود. هرچند دشمنان جهاد، او را بیشتر به عنوان شخصی که عمری را در جنگ مسلحانه به سر آورده بود

می‌شناختند، اما حقیقت این بود که مارشال فهیم در دوران جنگ یک فرمانده نیرومند نظامی جبهه متحد و بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی یک شخصیت مصلح بود. بعد از شهادت استاد برهان‌الدین ربانی در میان شخصیت‌های بارز جبهه متحد، مارشال یگانه شخصیتی بود که می‌توانست عکس‌العمل‌های ناشی از نارضایتی بعضی از عناصر احساساتی در صف مجاهدین را مهار کند زیرا همه از او حرف شنوی داشتند.

در دوران اول ریاست‌جمهوری حامد کرزی، مارشال فهیم در ابتدا بحیث معاون اول ریاست‌جمهوری معرفی گردید، اما بعداً حامدکرزی تحت فشارهای از خارج در تصمیم خود تجدید نظر و به‌جای او احمد ضیا مسعود را به معاونیت خود برگزید. در دور دوم ریاست‌جمهوری معرفی او به‌حیث معاون اول ریاست‌جمهوری توسط حامدکرزی در سال ۲۰۰۹ عکس‌العمل‌های را در کشورهای غربی و بویژه امریکا برانگیخت و بر حامدکرزی فشار وارد آمد تا در تصمیم خود تجدید نظر کند، زیرا از نظر امریکا و دشمنان جهاد در افغانستان، مارشال فهیم یک جنگ‌سالار دخیل در جنگ‌های داخلی بود، اما حامدکرزی مقاومت کرد و با جلب حمایت این شخصیت قدرتمند، توانست با چالش‌ها مقابله کند.

یکی از خصوصیات بارز دیگر مارشال فهیم، صراحت لهجه‌اش بود که نظریات خود را به‌صراحت بیان می‌کرد. او یک بار گفته بود، آنانی که تابعیت امریکایی دارند، هرگز نخواهند توانست در افغانستان از حمایت مردم برخوردار گردند. او در این رابطه از زلمی خلیل‌زاد و برادران آقای کرزی نام برد. مارشال دوستی شخصی با این افراد داشت، اما وقتی بحث ضرورت ثبات و حفظ منافع ملی در کشور به میان می‌آمد، او نمی‌خواست حقایقی را که در دل داشت بنابر مصلحت، کتمان کند.

مارشال راه حل مشکل افغانستان را رسیدن به صلح می‌دانست او یک‌بار اشاره به این داشت که اگر در این کشور به تفاهم ملی توجه نشود، نارضایتی یک گروه کوچک هم می‌تواند مشکل آفرین باشد. بر خلاف بسیاری، صلح برای او صرفاً یک شعار نبود؛ او بارها گفته بود، صلح هدفی است که در برابرش باید چیزی بدهیم تا چیزی به‌دست آوریم. یا به‌عبارت دیگر، صلح با گذشت دو جانبه دست می‌آید.

مارشال افغانستان در صحبتی در مورد مشکلات جنگ و صلح در افغانستان چنین گفته بود: «اگر من ناراضی شوم، سلاح خود را گرفته و به کوه می‌روم و مشکل افغانستان همین است». اما این سخن او اشتباه فهمیده شد. بعضی‌ها این سخن مارشال فهیم را تهدید تلقی کردند، اما او با این سخن به این حقیقت داشت که باید از راه مذاکره به تفاهم ملی دست یافت در غیر آن این کشور برای سال‌ها درگیر جنگ باقی خواهد ماند.



در نبود مارشال!

نسیم فقیری

چهار سال است که در فضای سیاسی و نظامی افغانستان، یگانه مارشال کشور حضور ندارد! کشوری که پس از چهارده سال جهاد عظیم و شکوه‌مند و مقاومت دلیرانه جوانان و مردم سلحشور و غیرتمند آن، دولت افغانستان به یکی از نام‌دارترین فرد مجاهد و مقاومت آن، لقب مارشالی داد... همه می‌دانند و می‌بینند که نبود یگانه مارشال کشور، در شرایط امروز تا چه حد غم‌انگیز و دردآور است.

آیا مارشال پس از پایان ریاست‌جمهوری آقای کرزی به یکی از دو کاندیدای ریاست‌جمهوری می‌پیوست؟ آیا مارشال به عضویت شورای رهبران جهادی (که هنوز تعریف نشده است)، در می‌آید؟ آیا مارشال عضویت در شورای رهبری جمعیت اسلامی را بنابر دستور رهبر شهید ما، حفظ می‌کرد؟

آیا مارشال، وزیر دفاع کنونی می‌بود؟ و آیا و آیاهای دیگر...

ما که از سوی رهبر شهید جمعیت، وظیفه داشتیم تا با چند شخصیت ممتاز جهادی و از جمله مارشال در مورد کمیته برگزاری کنگره جمعیت اسلامی و انتصاب یک فرد از سوی آنان، مذاکره کنیم، مارشال از گذشته‌ها یاد کرد و از جوانان مجاهدی که با او و در سنگرها قرار داشتند و شهید شدند... و از آنان نام برد و چند بار اشک در چشمان او حلقه زد و گاهی گریست...

این احساس و نگرانی مارشال در مورد مجاهدین امروز و سیاست و کار دولت بود... شنیده‌ایم که در جلسات کابینه، این مارشال بود که از حقانیت جهاد و ارزش‌های آن دفاع می‌کرد. این مارشال بود که قوت و هیبت آن به حاضرین اجازه نمی‌داد تا علیه مجاهدین واقعی و دست‌آوردهای جهاد مسلحانه، لب به انتقاد بگشایند!

به خوبی معلوم است که شهادت رهبر شهید در وضع نابه‌سامان کنونی تا چه حد دردآور است. بزرگان دولتی می‌دانند که رهبر شهید ما می‌توانست جلو بحران‌ها و کشیده‌گی‌ها را بگیرد و هم چنین می‌دانند که مارشال چه نقش مهمی در انتصاب افراد در پست‌های دولتی داشت. نبود مارشال، بدون شک که برای خانواده و فرزندان او یک ضایعه دردناک است، اما برای کشور و هموطنان ما در ابعاد سیاسی و نظامی نیز ضایعه بزرگ است و برخی از کسانی که به وجود این شخصیت در امروز اعتراف ندارند، در فردا به خوبی مطلع می‌شوند و درد نبود او را در فضای سیاسی و نظامی کشور احساس خواهند کرد... من به حیث کسی که در رشته ادبیات دری تا سرحد دوکتورا مطالعه و تحصیل کرده‌ام و سند یا تیزس دوکتورا را تحت عنوان (دید علامه اقبال و استاد خلیلی در مورد وطن‌خواهی و جهان‌وطنی)، می‌نگارم، باور کنید به اندازه مارشال فقید که اشعار علامه اقبال را حفظ داشت و گاهی در برخی محافل شاهد خوانش آن بودم، به حافظه ندارم!

او بود که در موارد گوناگون به اشعار داکتر محمداقبال می‌پرداخت و آن همه را به یاد داشت. در مورد شوخی‌های او نیز نوشته‌ام که زمانی در دوران مقاومت در تخار و پس از پایان جلسه شورای رهبری دولت، زمانی که رییس‌جمهور شهید در جلو و جنرال فهیم در عقب و من به دنبال آنان بودم، رهبر شهید پس از بازشدن دروازه موتر با اشاره به جنرال فرمود: بفرمایید! و جنرال مذکور دهن خود را به گوش من نزدیک کرد و گفت: او رییس‌جمهور است و دشمنان زیادی دارد و در این شام ناممکن است که من با او بروم، پس خودت که سخنگوی وی هستی باید همراه او بروی و مرا به طرف دروازه موتر، حرکت داد!

منبع: هفته‌نامه مجاهد



جایگاه مارشال افغانستان پس از حکومت طالبان

تکساری

بدون تردید در ایجاد حکومت پس از طالبان، پروفیسور برهان‌الدین ربانی شهید و محمد قسیم فهیم نقش داشته‌اند. اگر قرار می‌بود استاد ربانی و وزیر دفاع اش محمد قسیم فهیم در برابر این همایش سد ایجاد می‌کردند، هیچ‌گاه نظام و حکومت‌داری پساطالبانی شکل نمی‌گرفت و چهره‌های کاذب در مقاطع مختلف در افغانستان حضور نمی‌یافتند.

حکومت موقت مسئول تفاهم و گذشت دولت‌مردان دولت اسلامی است، که در رأس آنان استاد ربانی قرار داشت. اگر این حمایت و پشتیبانی از حکومت پساطالبانی نمی‌بود، هیچ‌گاه حکومت موقت شکل نمی‌گرفت و انتخابات در افغانستان به وجود نمی‌آمد؛ زیرا محمد قسیم فهیم و یارانش قادر بودند در صورت مخالفت جلو این تشکل سیاسی را بگیرند و مزاحمت‌های فراوانی را در ولایات مختلف کشور که هوادارانش قرار داشت، برای سال‌ها گرم نگاه‌دارد.

باید گفت که در تشکیل اداره‌های پساطالبانی نقش مجاهدان برجسته بود، تجربه نشان داد که

هیچ یک از مجاهدان کشور که در ردهٔ دوم و سوم جهاد قرار داشتند، به اندازهٔ مارشال محمدقسیم فهیم در حکومت پساطالبانی نفوذ نداشته است. تمام اعضای کابینه به شمول حامدکرزی از مارشال فقید مشوره می‌گرفتند و مارشال نیز در عزل و نصب افراد و اشخاص نظامی و ملکی نقش داشته است. امروز تجلیل از شهادت فرماندهان جهادی شاید به هدفی صورت گیرد که کانون گرم جهاد و مقاومت در اذهان نسل جوان زنده باقی بماند. محمدقسیم فهیم گذشته از این که در حکومت پساطالبانی از چهره‌های تاثیرگذار بوده است، پس از شهادت احمدشاه مسعود در دورهٔ مقاومت نقش مرکزی داشته است و تمام قطعات نظامی و رهبری جنگ را نظر به فرمان پروفیسور ربانی به عهده داشت.

مارشال فهیم در میان اقوام، به‌ویژه اعضای مقاومت طرفداران زیاد دارد. مارشال فقید شخص عیار، جوان‌مرد و صاحب عزم و ارادهٔ متین بوده است. من از هیچ‌کس نشنیده‌ام که او را مانند دیگر فرماندهان شخص معامله‌گر، ناجوان و بی‌اراده خطاب کرده باشد.

بدون شک محمدقسیم فهیم از تاثیرگذاران جهاد و مقاومت در حوزه‌های مختلف کشور بوده و نبود آن در میان فرماندهان جهادی، کم‌بودی را احساس می‌کنند. او که در ۱۸ حوت ۱۳۹۲ به ابدیت پیوست، یکی از خاطره‌های به‌جاماندنی‌اش مقاومت در برابر طالبان و افراط‌گرایان دینی بوده است که از دین وسیلهٔ برای امیال خود کرده بودند، از این نقطهٔ نظر مارشال فهیم در میان نسل جوان کشور نیز طرفداران زیاد دارد و امید است تمام فرماندهان جهادی و مقاومت‌گران از این چهره و مماثل آن، الگو بگیرند تا کشور به دست اغیار نیافتد.

منبع: هفته‌نامهٔ مجاهد



ولایت پنجشیر



مارشال افغانستان مرد مجاهد، بی‌عقده و عیار بود

بسم‌الله محمدی-وزیر پیشین دفاع ملی

سی سال و اندی پیش، زمانیکه احمدشاه مسعود، قهرمان ملی با چهل نفر دوستانش به پنجشیر آمدند، علاقه‌داری حصه اول و دوم پنجشیر فتح شد. با قهرمان ملی در بازارک یک‌جا شدم، از طریق شهید مصطفی که از قریه ما بود و هم‌چنان معاون و همکار آمر صاحب، آشنا شدم، در حالی که پیش از آن از او شناختی نداشتم.

بعد از فرار کارمندان ولسوالی پنجشیر تا دو ماه پنجشیر آزاد بود، اما پس از دو ماه خلقی‌ها دوباره حمله کرده و پنجشیر را تصرف کردند، ما دوباره مهاجر شدیم. به منطقه تل رفتیم، بعد از رفتن به تل جبهه دوباره سازماندهی شد. در آن زمان احمدشاه مسعود در سالنگ زخمی شد و به‌منظور تداوی به پروان انتقال داده شده بود. آقای مصطفی که معاون احمدشاه مسعود بود با جمعی از فرماندهان که آمر صاحب آن‌ها را گروه اولی و بنیانگذاران می‌گفت، همه در دهن تل جمع شده بودند تا مبارزه را دوباره شروع کنند، اما در یکی از مبارزه‌ها مصطفی شهید شد.

در آن زمان در منطقه تل چیزی برای خوردن نداشتیم، با جمعی از علما مانند مولوی عبدالمتین، مولوی محمد وزیر، مولوی گل عالم...، حدوداً چهل نفر به آریب رفتیم و مورد پذیرایی آنها قرار گرفتیم و مدتی آب و غذا برایمان می دادند. در همان روزها مارشال محمدقسیم فهیم، با قطاری از مجاهدین از مسیر نورستان وارد پنجشیر شد. در داخل مسجد بودیم که کسی آمد و به مولوی عبدالمتین گفت، فرزندت از پاکستان آمده است. مولوی صاحب عبدالمتین شوخی کرد و گفت، فرزند من نخواهد باشد، ولی آن شخص گفت که کسی به نام محمدقسیم فهیم آمده است. مارشال فهیم از طریق کوهها آمده بود، به دلیل خسته گی و آفتاب زده گی صورتش تیره شده بود، او یک میل سلاح ده شکه نیز با خود آورده بود که از شنیدن نام آن سلاح بسیار خوش حال شدیم؛ برداشت ما این بود که با این سلاح می توان هواپیماهای جنگی را زد. در جبهه مان بالاتر از مارکول و چند میل کلاشینکوف و هم چنان به جز سلاح های قدیمی و کهنه کدام سلاح دیگری نداشتیم.

به یاد دارم که مارشال فهیم حین رسیدن به پنجشیر بسیار خسته بود، باوجود این خسته گی به دیدن پدرش رفت، پدر و سایر علما را احترام کرد. این اولین دیدار ما با مارشال فهیم بود که در شروع خزان سال ۱۳۵۸ خورشیدی اتفاق افتاد، از آن روز تا زمان رحلت مارشال فهیم بیشتر از سی سال می گذرد که ما باهم دوست و هم سنگر بودیم. هر گوشه یی از زنده گی خاطره یی است که نمی توان همه را بازگو کرد.

مارشال فهیم مرد مجاهد، مومن، با اعتقاد، هدف مند، بردبار و صبور، رفیق دوست، سخی، بخشنده، بی عقده و مرد عیار بود. صفات خوبش زیاد بود، در صبر و حوصله اش هیچ نظیر نداشت.



شهادت احمدشاه مسعود و جانشینی مارشال فهیم

سخنرانی صالح محمد ریگستانی به مناسبت سومین سالگرد رحلت مارشال فهیم - پنجشیر

از دیروز که مسئولین مرا به این گردهم‌آیی دعوت کردند، با خود فکر می‌کردم که در مورد شخصیت مارشال فهیم فقید و یا ابعاد شخصیتش را معرفی کنم، بالاخره تصمیم گرفتم تا در مورد شهادت احمدشاه مسعود و جانشینی مارشال فهیم صحبت کنم.

در حقیقت صحبت‌های من تحلیلی نیست، بل که بخشی از خاطره و حافظه تاریخی من است که برای اولین بار می‌شنوید. در چهارده سال گذشته هیچ‌گاه فرصتی برای من داده نشد تا جریان شهادت احمدشاه مسعود و جانشینی مارشال فهیم را به‌حیث یک شاهد به شما بگویم، اما خوش‌بختانه امروز فرصتی دست داد.

نهم سپتمبر یا هجدهم سنبله سالروز شهادت قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود است. من در تاجیکستان بودم، نهم سپتمبر مصادف است با جشن استقلال تاجیکستان. مدت سه سال در تاجیکستان بودم و زمانی که روس‌ها خواستند تا جبهه مقاومت را کمک کنند، احمدشاه مسعود مرا به

مسکو فرستاد. به منظور مشوره مرا به شهر دوشنبه دعوت کرده بود که در آن باره صحبت خواهم کرد. پیش از شهادتش که من به همان دلیل به تاجکستان آمده بودم، گفت که اخبار و اطلاعات به دست ما می‌رسد و مسئولین دستگاه‌های شنود ما می‌گویند که یک حادثه مهم اتفاق می‌افتد، بعضی از مخابره‌ها توسط شفرهای محرم بین طالبان می‌گویند که به زودی یک خبر خوش به شما خواهد رسید. از طرف دیگر یک کندک از فرقه ۹۹ چرات پاکستان با لباس‌های مردم افغانستان به ماورای کوکچه آمدند، یعنی در نزدیکی مقر احمدشاه مسعود. قهرمان ملی به من گفت که به نظر خودت این خبر خوش که آن‌ها در موردش صحبت می‌کنند و حادثه مهمی که در موردش حرف می‌زنند چه باید باشد؟ به این خاطر از من این سوال‌ها را می‌پرسید که سال‌های زیادی با احمدشاه مسعود به حیث آمر اپراسیون یا عملیاتی کار کرده بودم و یکی از وظایف این آمریت تجزیه و تحلیل اوضاع نظامی-امنیتی بود، می‌خواست از تجزیه من هم چیزی بشنود.

بعداً روی احتمالات صحبت کردیم، یکی از احتمالات این بود که چون پاکستانی‌ها از دریای کوکچه عبور کرده نمی‌توانند و هم‌چنان تجربه عبور از دریا را ندارند و از مناطقی استند که آب‌بازی را نمی‌دانند، کندکی که از فرقه ۹۹ که فرقه کماندویست آورده‌اند و به احتمال قوی هدف‌شان حمله بالای خواجه بهالدین، درقد و مراکز احمدشاه مسعود است و این‌ها می‌خواهند تا طالبان را از دریا عبور دهند. چندین نوع احتمال عبور را از راه دریا بررسی کردیم، مثلاً با قایق، کیبل، با ریسمان و یا تل و یا سایر چیزها تحلیل گردید و به این نتیجه رسیدیم که این کار آن‌قدر هم آسان نیست. چون که جانب شرقی دریای کوکچه دیوارهای سنگی و ارتفاع دارد و زمانی که آب‌بازی کنند به دیوارها بر می‌خورند.

بعد از آن روی احتمال دوم صحبت کردیم که شاید یکی از فرماندهان احتمالاً با طالبان ارتباط داشته باشد و آن‌ها را شبانه از دریا عبور دهد و جبهه مقاومت را بشکنند. فرماندهان را لست کرده و گذشته‌های‌شان را دانه دانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار دادیم. در طول چهارده سال جهاد احمدشاه مسعود هفت سال در پنجشیر و هفت سال دیگر در شمال افغانستان بود که من هم با او بودم. زمانی که فرماندهان را مورد ارزیابی قرار دادیم و نظر به انحرافات که در موضع‌گیری‌شان در شرایط دشوار داشتند تا بدانیم که کدام قوماندان شاید با طالبان ارتباط گرفته باشد. روی احتمالات دیگر هم صحبت کردیم، به جز از احتمال اصلی که شهادت احمدشاه مسعود و عملیات تروریستی به جان قهرمان ملی بود. ما اصلاً تصورش را کرده نمی‌توانستیم، برای من و برای هیچ‌کسی قابل تصور نبود که آمر صاحب شهید می‌شود. به این ترتیب، آمر صاحب منتظر مسعود خلیلی بود، بعداً حرکت کرد و رفت، من در شهر دوشنبه ماندم.

ساعت ۱۱:۳۰ قبل از ظهر بود که مسئول تلفون آمر صاحب جمشید زنگ زد و گفت که یک حادثه انتحاری در دفتر آمر صاحب شده و او زخمی است، شما خود را برسانید. اتفاقاً چرخ بال آمده بود، من با امرالله صالح، و دودخان قبلاً معاون اتشه نظامی که معاون من بود، خلیل خان پیلوت، چهار یا پنج نفر و یک دکتر که ما داشتیم به طرف فرخار تاجکستان حرکت کردیم.

در دوران مقاومت پنج کشور ما را کمک می‌کرد که شامل هندوستان، روسیه، ایران، ازبیکستان و تاجیکستان می‌شود، اما امریکا برعکس بود، چون نمایندگی طالبان در نیویارک قرار داشت. در آن زمان با مشورت آمرصاحب در نزدیک دریای تاجیکستان یعنی آن طرف تپه‌آی خانم در خاک تاجیکستان جنگلی بود و در آنجا کلینیکی به نام نجات ساخته بودیم، سه نفر از دکتران جراح هندی به شکل نوبتی در آن کار می‌کردند و برای کمک‌های اولیه به زخمیان جبهه استفاده می‌شد، فاصله بین خواجه بهالدین و کلینیک در فرخار تاجیکستان با چرخ‌بال سه دقیقه بود.

وقتی که حادثه اتفاق می‌افتد آمرصاحب را در همان کلینیک می‌آورند. فاصله آمرصاحب با چرخ‌بال تا کلینیک سه دقیقه و از ما از دوشنبه چهل و پنج دقیقه بود. من در این فکر بودم که اگر آمرصاحب شهید شده باشد، چه باید کرد، اما توان فکری من به طرف ضعف می‌رفت و باز هم فکر می‌کردم. این قضیه بسیار بالای ما سنگین تمام شده بود و باز هم کوشش می‌کردم تا حد اقل ذهنم را از شهادت او منحرف کنم و به زخمی شدنش فکر کنم، در عین حال تصمیم گرفته شود که اگر زخمی شده باشد چه باید کرد.

طی چهل و پنج دقیقه یک مقدار توانستم روی احتمال شهادت آمر صاحب فکر کنم که اگر اراده الله بر این باشد که ما یتیم و بی‌پدر شویم و دیگر احمدشاه مسعودی نباشد چه باید کرد؟ هواپیما به فرجار رسید و ما به کلینیک رفتیم هیچ‌کسی حرفی نمی‌زند. جمشید مسئول تلفون بی‌هوش است، ناصر مسئول مخابره بی‌هوش است و افتاده‌اند. پیلوت‌های ما مثل یتیم‌ها در زیر درختان نشسته‌اند، چند نفر افراد کماندو که مسئول آن حاجی رستم‌خان بود مانند چوب‌های خشک در کنار درختان ایستاده‌اند، مجال حرف زدن به هیچ‌کس نیست. فکر می‌کردی که زمان توقف کرده است و همه نشسته و ایستاده به سنگ تبدیل شده‌اند.

به طرف کلینیک که رفتم دکتران هندی هم بسیار متأثر اند و سخنی نمی‌گویند، به جز یک نفرشان که اشاره‌یی به طرف اتاقتی که آمر صاحب بود کرد. وقتی که داخل اتاق شدم، دیدم که پیکر آمر صاحب در زیر یک قطیفه است. رویش را باز کردم قطیفه را مکمل از دوشش دور کردم و دیدم که انگشت‌های دست راستش مکمل قطع است و دستش ورم کرده است، زیر چشمش یک داغ کوچک است که چیزی اصابت کرده است، دو چَره کلان بر سینه‌اش اصابت کرده و سوراخ است، استخوان سینه‌اش معلوم می‌شود، ولی خون بیرون نیامده است، در صورتش کمی پارچه‌های کوچک دیده می‌شود، ولی خوب است.

قطیفه را دوباره بالایش انداخته و بیرون شدم. حالا همه کسانی که در این جا هستیم، حیران بودیم که چه کنیم، دیگر احمدشاه مسعودی وجود نداشت. همان‌جا حادثه و خبر خوشی را که می‌گفتند یادم آدم که قصد شهادت آمرصاحب بوده است. دیگر ما به یتیم‌ها می‌ماندیم، یعنی با رفتن آمر صاحب همه چیز خود را از دست داده بودیم. نمی‌دانستیم که چه کنیم، اما من گریه نکردم. به مارشال فقید زنگ زدیم و گفتیم که کجا هستید، مارشال فهیم با انجنیر عارف سروری و قوماندان گدامحمد خالد بود، فهیم صاحب یک جلسه‌یی هم داشت.

مارشال فهیم از وضعیت آمر صاحب پرسید، گفتم که زخمی شده و وضعش خوب است، اما دکتران گفتند که باید دو هفته استراحت کند و به آن خاطر شما را خواست تا از نزدیک صحبت کنیم. بعد از گذشت کمتر از یک ساعت مارشال صاحب و همراهان با چرخ‌بال رسیدند و تا رسیدن به اتاقی که آمر صاحب بود، چیزی نگفتم. زمانی که مارشال قطیفه را از روی پیکر آمر صاحب دور کرد، گفت که هر انتظاری را داشتیم، غیر از این! ای کاش دست و پایت قطع می‌بود، اما صدایت بلند می‌شد، اما آن را هم خدا از ما گرفته است.

بیرون برآمدیم و من کسانی را که در آنجا بود و به یادم مانده است نام می‌گیرم که شامل مارشال محمدقسیم فهیم، قوماندان گدامحمد خالد، پیلوت خلیل بختیار از غزنی معاون من، امرالله صالح، آقای افخمی نماینده سپاه از ایران، جنرال امیرجان پیلوت قوماندان هوایی ما در آن زمان، حاجی رستم‌خان قوماندان قطعه کماندوی احمدشاه مسعود، ناصر مسئول مخابره، جمشید مسئول تلفون، امرالله صالح که با من کار می‌کرد، جنرال ودودخان خواهرزاده آمر صاحب که آتشه نظامی در تاجیکستان بود و سایرین. همه‌گی بر روی خاک نشستیم و سر همه پایین است، روز سیاهی بود، شاید شما بگویید که احساس من نظر به غم بزرگ بوده است، اما نه به خدا قسم که آسمان رنگ سیاه داشت. شرایط چنان سنگین بود که فکر می‌کردیم که وزن کوه‌ها بالای شانه‌های مان قرار دارد.

از جای خود بلند شده و کلماتی را گفتم که عیناً به شما نقل می‌کنم، گفتم که برادران! آمرصاحب دیگر زنده نیست، سر از دست‌ما رفته سنگرها را باید حفظ کرد. اگر خود را کنترل کنیم اوضاع را می‌توانیم کنترل کنیم، اما اگر خود را کنترل کرده نتوانیم، اوضاع را نمی‌توان کنترل کرد. من پیشنهاد می‌کنم که فهیم صاحب بلند شود و این مسئولیت را به عهده خود بگیرد. فیصله کردیم که جانشین آمرصاحب و کلان ما فهیم خان است و فیصله کردیم که خبر شهادت آمرصاحب به شکل تدریجی به مردم داده شود.

فیصله کردیم تا زمانی که اوضاع بهتر شود پیکر احمدشاه مسعود را در خاک تاجکستان به‌طور امانت نگه می‌داریم. به کشورهای حامی مقاومت تماس بگیریم که آیا آن‌ها پس از شهادت آمر صاحب جبهه مقاومت را پشتیبانی می‌کنند یا نه. فیصله کردیم که در یک فرصت مناسب پیکر مسعود شهید را به منظور سپردن به خاک به داخل افغانستان انتقال می‌دهیم.

قبل از به‌شهادت‌رسیدن قهرمان ملی، قرار بود تا او جلسه فرماندهان را در خواجه به‌والدین رهبری کند، ولی پس از این حادثه تصمیم گرفته شد تا مارشال کشور به‌جای آمر صاحب برود و جلسه را رهبری کند و به فرماندهان بگوید که احمدشاه مسعود زخم سطحی برداشته است و به همین دلیل جلسه را من پیش می‌برم.

از جانب دیگر، من با همکاران مسئولیت تماس با کشورهای کمک‌کننده، انتخاب مکان مناسب به‌منظور دفن پیکر احمدشاه مسعود و پنهان‌کردن خبر شهادت او از رسانه‌ها به عهده گرفتیم.

وقتی که نزدیک چرخ‌بال رفتیم، به مارشال مرحوم گفتم که مطالب دیگری هم است که باید

برایت بگویم، ولی وارخطا نشوید. گفتم که اگر جبهه شکست خورد و از هم پاشید، باید یک معبر باز کنیم که از پریان شروع و امتداد آن به انجمن، جرم، بهارک، اشکاشم و بلاخره به تاجیکستان برسد. برایش گفتم که من با رئیس جمهور تاجیکستان صحبت می‌کنم و در آن طرف تاجیکستان جایی برای هزاران نفر آماده می‌کنیم و اگر (خدای ناخواسته) جبهه شکست خورد و مردم پراکنده شد، حد اقل برای کسی که می‌تواند بیرون شود، راهی در پشت سر جبهه باشد، این که چه کسی می‌تواند بیرون شود و یا نمی‌تواند، نمی‌دانیم. ولی او وارخطا شد و گفت که دلم را در چنین وقتی به زمین نینداز. من گفتم که باید به هر شرایط آماده باشیم و تدبیر هم این است.

هم‌چنان گفتم که بازهم اگر (خدای نکرده) جبهه شکست خورد، ما آمر صاحب را در خاک تاجیکستان رها نمی‌کنیم و با چرخ‌بال به وطن انتقالش می‌دهیم آن‌هم در جایی که هیچ منطقه مسکونی نباشد. نشانی چنین جاهایی را ما و شما می‌دانیم و به آن مناطق بلدیت داریم. اگر الله متعال خواست و حالت به نفع ما رقم خورد، دوباره به پنجشیر انتقالش می‌دهیم. گفتم که حرف دیگری هم باید بگویم این‌که فیصله‌ما در حالت اضطراری بوده است و اگر خداوند لطف کرد و این مرحله به‌خیر گذشت، همان اعضای شورای آمر صاحب را دعوت کن تا فردا انتقادی بالای ما نباشد که بگویند، شما بر اساس چی جانشین آمر صاحب را تعیین کردید و بر حق که مارشال فهیم چنین هم کرد.

نکته دیگری که به مارشال گفتم این بود که دلیل حقانیت ما در این نبرد شهادت احمدشاه مسعود است که او را در این جبهه از دست دادیم. اگر این راه، راه حق نبود هرگز احمدشاه مسعود در این راه خون خود را نمی‌ریخت. می‌دانم که این راه حق است، ولی این‌که چه خواهد شد نمی‌دانم.

مارشال افغانستان به طرف کشور حرکت کرد. خلاف تمام آرزو مجبور شدیم تا پیکر آمر صاحب را در سردخانه بیمارستان بگذاریم و مهر و لاک کنیم. من همان شب با رئیس جمهور تاجیکستان ملاقات کردم، او خیلی نگران بود. با او صحبت کردم که جانشین احمدشاه مسعود تعیین شده است. او شخص شجاع است و انشاءالله کارهای جبهه را پیش می‌برد، اما اگر شکست خورد به‌ناچار به ما (جای) دهید. او گفت که محمدصالح! جا داریم، ولی نان نداریم. برایش گفتم که مشکل نان را خودما حل می‌کنیم.

به رئیس جمهور تاجیکستان گفتم که اگر جبهه شکست خورد، ما احمدشاه مسعود را به داخل افغانستان برده و دفن می‌کنیم. او گفت که نه! من نمی‌گذارم که شما پیکر احمدشاه مسعود را شبانه دفن کنید. گفت که همین‌جا دفنش می‌کنیم و این کشور هم وطن خودش است، به‌طور امانت باشد. من با مراسم بزرگ او را دفن می‌کنم. هر وقت که خواستید می‌توانید ببریدش. دو روز پس از شهادت قهرمان ملی، حادثه یازدهم سپتمبر اتفاق افتاد.

حال پس از نقل تاریخی به شما تحلیل هم می‌کنم. رهبران بزرگ کسانی‌اند که در شرایط دشوار تصمیم درست اتخاذ کرده می‌توانند که فرق بین رهبر و عوام همین است و هم‌چنان تفاوت بین فرماندهان بزرگ و کوچک همین است. زمانی که همه‌گی هوش خود را از دست داده‌اند، ترسیده‌اند

و به فکر خودشان استند، رهبران بزرگ‌اند که تصامیم درست و کلان می‌گیرند. شما دیدید که مارشال فهیم در آن‌طور روز سنگین از جا بلند شد و کمر خود را به دفاع از وطن بست. مارشال گفت که تا آخرین قطره خون که در بدنم باقی بماند در راه احمدشاه مسعود و دفاع از افغانستان ایستاده‌ام. وقتی کسی با مرگ و شرایط دشوار روبرو شود تظاهر کرده نمی‌تواند. در شرایط عادی هر ترسویی هم می‌تواند در جاده‌ها خود را شجاع نشان دهد، ولی در جنگ و روز دشوار آن‌طور نیست. زمانی که کسی در روز جنگ و خون‌دادن روبرو شود، تظاهر به شجاعت کرده نمی‌تواند، شخصیت اصلی خود را پنهان کرده نمی‌تواند، اگر شجاع باشد معلوم می‌شود و هم‌چنان اگر ترسو باشد نیز معلوم خواهد شد. این حرف را تمام مجاهدین و هم‌سنگران ما که در این محفل حضور دارند می‌دانند. بدون شک مارشال افغانستان چنین شجاعتی داشت که مسئولیت خطیر را به دوش گرفت.

دکتر ابراهیم در غور در قلب دشمن، استاد عظامحمد نور در درهٔ سوف در قلب دشمن، استاد کریم خلیلی در بامیان و یکاولنگ در قلب دشمن، محقق در بلخاب در قلب دشمن و سایر مقاومت‌گران که توسط چرخ‌بال در قلب دشمن پایین شده بودند، چهار سمت‌شان طالبان بودند و فقط یک خط هوایی با آن‌ها داشتیم. چه کسی جرئت می‌کرد در چنان شرایط به‌خاطر خودخواهی خود چنین مسئولیتی را به‌دوش گیرد. آن روز جای چوکی طلبی و خودخواهی نبود و همین‌قدر می‌گویم که روز دشواری بود.

به قول شاعری که می‌گوید:

کار هر بل‌هوسی نیست گذشتن از سر

صفتِ عاشقِ مردانه بود سربازی

به‌مجردی که مارشال افغانستان به کشور برگشت، به سنگ‌های ما حمله شد و به‌صورت درست دفاع صورت گرفت. دو روز پس از آن، حادثهٔ نیویارک اتفاق افتاد و از جانب امرکایی‌ها یک پیام برای ما رسید. پیام آن‌ها بسیار کوتاه بود، این‌که ما طالبان را می‌زنیم، موقوف شما چیست؟

ببینید، دو روز پس از ریختن خون پاک شهید احمدشاه مسعود، حال، ظالمی بر ظالم دیگر مسلط شده و خداوند ظالم را به واسطهٔ ظالم می‌زند.

شاید این سوال امریکایی‌ها به نظر شما ساده معلوم شود که می‌پرسند ما طالبان را می‌زنیم، موقوف شما چیست!

در این زمینه جلسه دایر شد، ما سه گزینه داشتیم که یا باید با امرکایی‌ها در زدن طالبان همکاری کنیم، یا باید مخالفت کنیم و گزینه سوم هم باید بی‌طرف باشیم. شما ببینید که تحولات به چه سرعتی به‌وجود می‌آید و شخصیت خوب مارشال فهیم معلوم می‌شود که تصامیم سخت دیگر را چه‌گونه می‌گیرد! پیشتر گفتیم که رهبران بزرگ کسانی‌اند که تصامیم دشوار را در حالات حساس می‌گیرند.

حال دشواری‌های آن تصامیم را می‌گویم، اگر به امرکایی‌ها می‌گفتیم که ما با شما همکاری

می‌کنیم، معنایش این بود که ما با سربازان امریکایی با طالبان جنگ کنیم که این خلاف پالیسی آمر صاحب بود. من در دوشنبه بودم که نه ماه پیش امرکایی‌ها آمدند و گفتند که دولت بن کلینتون تصمیم گرفته است تا بن لادن را از بین ببرد، شما چه همکاری می‌کنید؟ احمدشاه مسعود به جواب آن‌ها گفت که من هیچ وقت و تحت هیچ شرایطی به همکاری سرباز خارجی در سرزمین خودم در برابر کسی جنگ نمی‌کنم، ولی اگر می‌خواهید تا بن لادن از بین برود، جبهه مقاومت را همکاری کنید و ما این توانایی را داریم تا هم با طالبان و هم با القاعده بجنگیم.

اگر بی‌طرف می‌ماندیم، به‌طور مستقیم فرماندهان دیگر را کمک می‌کرد و کار خود را انجام می‌داد در حالی که افغانستان یک کشور بزرگ است. اما اگر مخالفت می‌کردیم به این معنا بود که ما در صف طالبان قرار می‌گرفتیم و با امریکایی‌ها می‌جنگیدیم. کدام تصمیم عاقلانه‌تر بود؟ چه کسی باید حرف آخر را می‌گفت؟ جلسه طولانی و بحث‌های زیادی شد، در این زمان از شهادت آمر صاحب دو روز گذشته و خون او تازه است و می‌ریزد.

مارشال فهیم فقید گفت که اگر مخالفت کنیم، این کار امکان ندارد، آیا ما در صف قاتلین آمر صاحب قرار بگیریم؟ اگر بی‌طرف و نظاره گر باشیم، امریکایی‌ها هرچه دل‌شان خواست می‌کنند در حالی که این کشور ماست. اگر با نیروهای زمینی‌شان همکاری کنیم، این بدنامی تاریخی برای ما دارد. پس بهترین راه این است که ما با آن‌ها صحبت می‌کنیم که شما از طریق هوا با ما همکاری کنید و ما خود از راه زمین جنگ می‌کنیم، اما قوای پیاده نظام‌تان را اجازه نمی‌دهیم.

به این ترتیب همکاری‌ها شروع شد و گروه‌های کشف و هماهنگی‌شان آمدند و شما جریان را دیدید که بمباردمان شروع شد. این تصمیم هم یکی از تصمیم‌های دشوار بود، چون امرکایی‌ها این را نمی‌پذیرفتند. مشکل دیگر این بود که ما از قبل با امریکایی‌ها هیچ رابطه نداشتیم و نمی‌فهمیدیم که در کنار عملیات نظامی چه نوع فعالیت‌ها و خواست‌های سیاسی دارند.

امریکایی‌ها در مورد تصمیم سیاسی‌شان هیچ‌نوع حرفی نمی‌زدند و می‌گفتند که تصمیم همین است و حالات اضطرار است و طالبان ما را زده و ما هم آن‌ها را می‌زنیم.

پس از یک ماه آهسته آهسته برای ما معلوم شد که امریکایی‌ها نمی‌خواهند تا ما وارد کابل شویم. این یعنی که امریکایی‌ها نمی‌خواستند که حکومت استاد برهان‌الدین ربانی به کابل برگردد. پس از آن این مطلب را واضح‌تر و حتا تهدیدگونه هم گفتند که شما را اجازه نمی‌دهیم که وارد کابل شوید. گفتند که اگر شما وارد کابل شوید شاید بمباردمان هوایی ما قطع شود، اگر شما وارد کابل شوید مسأله مشکل‌تر می‌شود.

در چنین شرایط بار دیگر مارشال فقید تصمیم جدی گرفت و چنین گفت «بخوانند یا نه، ما وارد کابل می‌شویم، کمک کنند یا نکنند، ما وارد کابل می‌شویم». شما دیدید که نیروهای مجاهدین وارد کابل شد و بار دوم خداوند کابل را به دست شما فتح کرد. از جانب دیگر در کابل حوادث دیگری در پشت سر بود، چون امرکایی‌ها فهمیدند که ما مخالف حضور نیروهای پیاده‌شان در افغانستان هستیم،

ناگهان بدون این که ما آگاهی داشته باشیم نیروهای بریتانیایی در میدان هوایی بگرام پیاده شدند.

مارشال افغانستان به من زنگ زد و گفت که در مقابل این که نیروهای بریتانیایی بدون اطلاع قبلی به ما، وارد میدان هوایی بگرام شده اند، مشورتهات چیست؟ برایش گفتم که این همان موقفی است که خودت گرفتی. اگر قرار باشد که امریکایی‌ها و نیروهای پیاده‌نظام آن در کشور داخل شوند، طالبان بر می‌گردند و این انگیزه دوباره‌شان است. همان بود که مارشال قوماندان داد تا همه‌شان را در کانتینر بیندازید و میدان را ببندید و نیروهای‌شان را پس ببرند. اما در این جا زیر فشار سیاسی شرایط تغییر می‌کند که نشان می‌دهد قدرت سیاسی بالاتر از قدرت نظامی بوده است. آن قدر فشار سیاسی بالای مارشال کشور آمد آن که مجبور شد بپذیرد تا نیروهای بریتانیایی به بگرام بیایند و مدتی پس از آن، خلاف توافق نامه، نیروهای امریکایی وارد کابل شد.

پس از آن نشست‌های (بن) صورت گرفت و فهمیدیم که عملیات سیاسی هم در جریان است که من در مورد آن صحبت نمی‌کنم. دلیل مخالفت ما با وارد شدن نیروهای پیاده‌نظام خارجی به این دلیل نبود که آن‌ها غیرمسلمان استند و ما مسلمان و یا آن‌ها یهود و نصارا استند و این سرزمین اسلامی است و کفر باید در این جا نیاید، نه این بحث نبود. بحث این بود که اگر این نیروها وارد کشور شوند، افغانستان اشغال شده حساب می‌شود و پاکستان طالبان را تشویق می‌کند که کشور توسط امریکا اشغال شده است و طالبان را دوباره انگیزه می‌دهد و بار دیگر آن‌ها را به کشور برمی‌گرداند و نتیجه آن این است که دست مداخله به کشور باز می‌شود و طالبان شکست خورده را که جایی ندارند به جنگ بر می‌گرداند. در آن صورت، ما در یک موقف بدتر از آن قرار می‌گیریم که آیا با نیروهای امریکایی در برابر طالبان بجنگیم و یا این که بی‌طرف باشیم و نیروهای امریکایی در برابر طالبان بجنگند و یا هم در صف طالبان در مقابل امریکایی‌ها بجنگیم، چیزی که مجاهدین همیشه می‌گویند. بر این اساس اوضاع بدتر شد، این اشتباه به دوش ما نبود؛ مارشال کشور، استاد برهان‌الدین ربانی و سایر مجاهدین مخالف حضور نیروهای نظامی امریکا در کشور بودند.

فشارها به اندازه بی زیاد شد که مخالفت‌ها فایده‌بی نداشت و دیدیم که بیشتر از یک‌صد و پنجاه هزار نیروی خارجی از ۲۸ کشور اروپایی در برابر آن کسانی شکست خوردند که احمدشاه مسعود با جیب خالی، شکم خالی و دست خالی در برابرشان جنگیدند. دیدید که تمام کشورهای جهان جنگی را که ما به تنهایی پیش می‌بردیم اکنون آن‌را جنگ در برابر تروریسم بین‌المللی می‌نامند، در صورتی که این جنگ را آمر صاحب شهید، مارشال فهیم و مردم ما به تنهایی پیش بردند.

در تمام موارد شواهد وجود دارد، به‌طور مثال شما تاکستان‌های شمالی را ببینید که اگر زبان پیدا کنند برای تان می‌گویند که بالای‌شان چه گذشته است. روزی که الله متعال قضاوت کرد، این‌ها به زبان خود شرح خواهند داد.

بحث دیگر این است که سوال‌هایی وجود دارد و مردم از ما می‌پرسند که به مسائل روز ارتباط دارد، به‌طور مثال جایگاه ما در حکومت افغانستان چیست؟ چرا اشرف غنی حق ما را نداده است؟

چه طور می‌توانیم حق خود را بگیریم؟ چه زمانی بگیریم؟ اگر دکتر عبدالله حق ما را گرفته نتوانست، چه می‌کنیم؟ جنگ با طالبان چه طور می‌شود؟ آینده چه خواهد شد؟

درین مورد برای معلومات‌تان می‌گوییم که مگر این‌ها نبودند که می‌گفتند که شما ناقضین حقوق بشر استید؟

هم‌چنان شما دهل و سرنا و صداها را در چند سال اخیر نشنیدید که مجاهدین تفنگ‌سالار، ناقضین حقوق بشر و جنایت‌کاران جنگی استند؟

کاندیداشدن دکتر عبدالله در دهان کج این‌ها گل‌مالید. اگر واقعاً ما ناقض حقوق بشر، جنایت‌کار جنگی بودیم چرا در چند دور انتخابات میلیون‌ها نفر به دکتر عبدالله رای دادند؟ معلوم است که این رای به جهاد و مقاومت است، این رای به فداکاری‌های مردم ماست. اگر ما چنین جنایت‌کارها بودیم مردم به ما رای نمی‌دادند.

نظام صدارتی دست‌آورد ما و راه احمدشاه مسعود شهید است. شما به‌یاد دارید که پس از آمدن به کابل احمدشاه مسعود متوجه شد که مجاهدین تجربه حکومت‌داری را ندارند، تصمیم گرفت که باید نظام افغانستان صدارتی شود. در این مورد صحبت‌های زیادی شد از جمله با استاد ربانی مرحوم و سایر مجاهدین و نخبه‌گان که پذیرفته شد. دکتر یوسف را از اروپا خواستند، جلسه‌یی در هرات صورت گرفت. فیصله شد که رهبران در سطح رهبری حکومت خطوط اساسی دولت را پیش ببرند، کار حکومت و حکومت‌داری را که ما تجربه نداریم بگذاریم به کابینه تکنوکرات و متخصص که کار را انجام دهند، به مردم خدمات عرضه کنند. متأسفانه وقتی که استاد برهان‌الدین ربانی به هرات رفت، نظرش را تغییر دادند و دکتر یوسف برگشت.

بار دیگر دیدید که پس از سقوط کابل در پهلوی این‌که احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور جبهه مقاومت را در برابر گروه بی‌رحم و خون‌ریز ایجاد کرد، بار دیگر قهرمان ملی طرف‌دار نظام صدارتی بود و هدف خود را دوام داد و این بار عبدالرحیم غفورزی را به‌عنوان نخست‌وزیر با فرمان استاد برهان‌الدین ربانی تعیین کرد. عبدالرحیم غفورزی کابینه‌اش را تشکیل داد. سه نفر از وزرا که باید از حزب وحدت می‌بود قرار بود که غفورزی به بامیان برود و با استاد کریم خلیلی ببینند و این سه وزیر را در مشاوره با آقای خلیلی تعیین کند، اما در همین سفر غفورزی شهید شد.

به همان دلیل زمانی که دکتر عبدالله نامزد شد، گفتیم که راه سیاسی راه احمدشاه مسعود قهرمان ملی است و آن این‌که نظام کشور باید صدارتی شود، قدرت باید غیر متمرکز باشد و در انحصار یک شخص و یا یک نهاد نباشد.

به این اساس شما مردم توانستید با رای خود نظام صدارتی را به در کشور به وجود بیاورید، ولی اگر نتوانسید عملی کنید، اما صدارتی ساختن نظام را روی یک توافق‌نامه سیاسی قبولانیدید و تمام دنیا آن‌را تایید کرده است. حال بر آن طرف حکومت است که باید به این توافق‌نامه عمل کند که نظام

باید صدارتی شود.

و حرف آخر در مورد شخصیت مارشال فقید، اگر او زنده می بود، دکتر عبدالله امروز رئیس جمهور افغانستان بود.

تشکر از شما



تأسیس حکومت جدید نتیجه جانفشانی‌های مارشال فهیم است

مولوی عباسی-رئیس پیشین شورای ولایتی پنجشیر

مارشال محمدقسیم فهیم با جانفشانی‌ها و زحمات خویش، توانست حکومت جدید را مبتنی بر انتخابات آزاد تأسیس کند. حماسه‌آفرینی‌ها و سلحشوری‌های مجاهدین راستین مردم افغانستان به همه‌گان آشکار است، خصوصاً مجاهدین ولایت پنجشیر که همیشه در راه خدا، آزادی و برای بلندبردن پرچم اسلام در سطح جهان از خود جانفشانی‌هایی را نشان دادند.

حکومتی را که در آن سهیم استیم از برکت و عزت شهدای ما و شما است. مارشال محمدقسیم فهیم در زمان جهاد برضد نیروهای شوروی وقت و نظام کمونیستی آن زمان وظایف متعددی را انجام داده است.



مارشال افغانستان هیچ‌گاه فراموش نکرد که یک مجاهد است

حسین خان سعید - فرمانده پیشین جهادی

السلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته!

با فرصت کمی که دارم، به‌طور خلاصه به مواردی از خصوصیات برجسته مارشال محمدقسیم فهیم اشاره می‌کنم. یکی خصوصیت‌های خوب مارشال افغانستان، احمدشاه مسعود قهرمان ملی و سایر مجاهدین واقعی کشور این بود که هیچ‌گاه فراموش نکردند که یک مجاهد استند. این ویژه‌گی بسیار مهم بوده و در وجود هر کس نیست. به‌طور مثال، زمانی که شخصی نماز می‌خواند به نیت نماز ایستاده می‌شود، ولی گاهی در جریان نماز خواندن شیطان وسوسه‌اش می‌کند تا حضور ذهنش را صدمه زده و فکر او را به جانب دیگری معطوف دارد، زنده‌گی هم همین‌طور است، انسان راهی که اول با اخلاص و صداقت انتخاب کرده و شروع کند، ادامه‌دادن با همان نیت بسیار سخت است، اما مارشال کشور تا آخرین لحظه زنده‌گی یک مجاهد ماند.

جهاد عبادت‌ست مانند نماز و روزه، با همان اخلاص و نیت نگه‌کردن آن در زنده‌گی طاقت فرساست، به خصوص به کسی که دنیا به او رو می‌آورد، کار بسیار سخت است. مشکل زمانی احساس می‌شود که مواردی مانند پول، قدرت، رقابت، سیاست...، برای کسی فراهم می‌شود و این

چیزها طوری انسان را مثل خس و خاشاک با خود می‌برد گویی که در آن جا نبوده است و زمانی متوجه می‌شود که یک انسان دیگری شده است. کمال مارشال افغانستان در این بود که هیچ‌گاه فراموش نکرد که یک مجاهد است و تا آخر مجاهد باقی ماند.

از روزی که به‌عنوان یک مجاهد عادی جهاد را آغاز کرد تا زمانی که دار فانی را وداع گفت هرگاه که کسی به دیدارش می‌رفت، همان شخصیت یک‌رنگ را می‌دید. هیچ چیزی را به رخ کسی نمی‌کشید، نه رتبه، نه مقام و نه هم با دیدن هم‌سنگران و دوستان، خود را (جمع) می‌کرد که گویا او مفشن است و یا حرف‌ها و چیزهایی را یاد گرفته است که دیگر کسی یاد ندارد.

مشخصه دیگر مارشال کشور این است که او یک رهبر طبیعی بود. به‌طور مثال چند نفر از دوستان به سفری می‌روند، دیده می‌شود که یک نفر آن‌ها رهبری این جمع را به دست می‌گیرد و به خوراک، مکان، مسیر... فکر می‌کند و آن جمع را هدایت می‌کند، مارشال کشور چنین رهبر طبیعی بود.

کسانی می‌گویند که مارشال فهیم به جانشینی احمدشاه مسعود تعیین شده بود، این طور نیست، چرا که یک رهبر، خودش نشان می‌دهد که رهبر است، مارشال محمّدقسیم فهیم پس از قهرمان ملی به شکل طبیعی رهبر بود. حتا در زمانی که احمدشاه مسعود زنده بود رهبری جنگ و دفاع از کابل عملاً در دست مارشال فهیم قرار داشت.

پس از شهادت قهرمان ملی هم شمار زیادی بودند که تصور می‌شد هم‌طراز مارشال فهیم باشند، شکوه‌هایی داشتند که شاید چنین شود و یا چنان، اما در آخر همه به اشتباه‌شان پی بردند و به مارشال کشور به اصطلاح سر ماندند (تسلیم شدند) که این بزرگی مارشال فهیم را نشان می‌دهد.

زحمت‌کشی و تلاش مارشال کشور نیز قابل یادآوری است، این را به‌خاطری می‌گویم که یک درس است. زمانی که مارشال کشور وزیر امنیت بود، من به تازه‌گی قوماندان قطعۀ مرکزی تعیین شده بودم. با جنرال عزیز غیرت در لیسه نادریه مستقر بودم، در حال انتقال به جای دیگری بودیم، در همین حال فرمانده محمد پناه قوماندان فرقه دوم شده و از طرف ما تا اکنون هیچ چیزی تنظیم نشده است و حتا چپرک‌های خود را انتقال نداده‌ایم که جنگ شروع شد. مارشال افغانستان آمد و گفت که شماری از افراد را آماده کن تا که مشترکاً دفاع صورت گیرد، افراد گلبدین حکمتیار و عبدالرشید دوستم بالای کوه‌دروازه حمله می‌کنند و برنامه دارند تا آن‌جا را تصرف کنند. گفتم که ما هنوز در این قطعۀ معرفی نشده‌ایم و همدیگر را نمی‌شناسیم. مارشال گفت که هر طور می‌شود چند تن از افراد را بفرست. من هفتاد نفر را فرستادم و با سایر نیروها با رهبری مارشال کشور به خوبی دفاع صورت گرفت.

این را به‌خاطری گفتم که مارشال کشور عملاً وزیر امنیت بود، اما بسیار زحمت‌کش و مسئولیت‌پذیر بود که خودش آمد و نشست و تا زمانی که افراد آماده شد و به جانب مقصد حرکت کردند.

روحش شاد و یادش گرامی باد



مارشال افغانستان یکی از رهبران تأثیرگذار در تاریخ معاصر افغانستان است

سخنرانی انجینیر علی در سومین سالروز رحلت مارشال افغانستان-پنجشیر

السلام علیکم و رحمتالله و برکاته!

در مورد شخصیت مارشال افغانستان رهبر مجاهدین و فرمانده نسته، نکاتی را به اختصار خدمت حضار گرامی عرض می‌کنم.

زنده‌گی مارشال افغانستان به دوره‌های مختلف تقسیم می‌شود.

مارشال مرحوم از نوجوانی عضویت نهضت اسلامی را داشت. او با چنین انتخاب به‌جا ثابت کرد که راهش راه خدا و راه رستگاری است. مارشال فقید در آن دوران فعالیت‌های مهمی را انجام داده است. او یکی از فعال‌ترین جوانان و اعضای نهضت اسلامی در آن زمان به حساب می‌آید.

پس از حاکمیت رژیم کمونیستی در افغانستان مارشال فقید مجبور می‌شود تا به کشور پاکستان مهاجرت کند که این کار یکی از دستورات الهی است، زمانی که کشور اشغال می‌شود و ارزش‌های

دینی و ملی زیر پا می‌شود، یا باید مبارزه کرد و یا هم برای آماده‌گی به مبارزه و جهاد به مهاجرت تن داد.

مارشال کشور مدتی پس از مهاجرت دوباره برای مبارزه به وطن بازگشت و مدتی را در کتر و نورستان برای جهاد اختصاص داد و سرانجام به ولایت پنجشیر آمد و با احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور در صف جهاد و دفاع از کشور و نوامیس ملی یک‌جا شد.

مارشال فقید تا آخرین لحظه‌های عمر قهرمان ملی در کنارش ماند و در مقابل شوروی سابق و پس از آن در برابر تروریستان مبارزه کرد و تا جایی تلاش کرد تا به‌عنوان معاون و جانشین احمدشاه مسعود لشکر مجاهدین، مقاومت‌گران و مبارزین را رهبری کرد.

مارشال افغانستان یکی از رهبران تأثیرگذار در تاریخ معاصر افغانستان است. او در عرصه‌های نظامی، سیاسی...، فعالیت‌های چشم‌گیری را انجام داد. مرحوم مارشال فهیم نیز یکی از بنیان‌گذاران و معاون شورای نظار نیز به حساب می‌آید.

مارشال بین مجاهدین ولایات مختلف مانند تخار، بغلان، فاریاب، سمنگان، سرپل...، تامین روابط می‌کرد. او با روابطی که تأمین کرده بود در سقوط حکومت کمونیستی وقت در کنار شهید احمدشاه مسعود نقش بسیار پررنگی را بازی کرد و نظام کمونیستی آن وقت بدون خونریزی به دست مجاهدین سقوط کرد، مارشال اولین کسی بود که وارد کابل شد و پس از آن سایر مجاهدین به کابل داخل شدند.

مارشال افغانستان با شخصیت، تجربه و لیاقتی که داشت فرماندهی جنگ‌های دفاعی کابل را به‌دوش گرفت و هم‌چنان از نظر شجاعت آخرین کسی بود که در زمان سقوط حکومت مجاهدین از کابل بیرون شد.

مارشال محمدقسیم فهیم چندین بار گروه متجاوز طالبان را در جبهه شمالی و سایر جبهات کشور تار و مار کرده است و پس از آن به‌عنوان معاون احمدشاه مسعود با توجه به نیازمندی‌های بیشتر به شمال شرق افغانستان رفت.

پس از این‌که احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور به شهادت رسید، شرایط طوری بود که پای خیلی‌ها که ما می‌شناسیم‌شان می‌لرزید و گمان کرده بود که مقاومت در مقابل متجاوزین و تروریستان دیگر پایان می‌ابد، اما مارشال کشور مسئولیت‌های سیاسی و نظامی را به خوبی به دوش گرفت و نیروهای مقاومت را تا سرحد پیروزی موفقانه رهبری کرد.

سیاست امریکا و پاکستان طوری بود که حکومتی در کابل تشکیل شود که شورای نظار در آن سهمی نداشته باشد، اما مارشال فهیم با درایتی که داشت توانست از راه گفتگوهای سیاسی و دیپلماسی با وجود مخالفت امریکایی‌ها با افتخار وارد کابل شود. او ورود به کابل را طوری مدیریت کرد که به قول معروف حتا بینی کسی خون نشده و هیچ ضرری متوجه مردم کابل نشد.

مارشال فقید شخصیت سیاسی، نظامی، عرفانی و دینی بود و ضمن این خصوصیت‌ها او رهبر بسیار توانمند، ملی و خوب نیز بود. مارشال کشور در ساختن نظام نوین، اردوی ملی و پولیس ملی و ایجاد فضای برادری میان اقوام افغانستان از هیچ تلاشی دریغ نکرد و تا زنده بود، برای افغانستان و مردمش فکر فکر کرد.

مارشال فقید در مقایسه با جنرالان نامی غربی شخصیت نترسی بود که در سخت‌ترین شرایط نه تنها که کشوری پناهنده نشد، بل که در دشوارترین اوضاع با توجه به این‌که رهبر خود را از دست داده بود، قد علم کرد و رهبری جنگ و دفاع از وطن را به دست گرفت و شجاعانه از وطنش دفاع کرد.

زنده باد مجاهدین و پاینده باد افغانستان

السلام علیکم و رحمۃ‌الله و برکاته!



شهامت و تحمل از ویژه‌گی‌های شخصیتی مارشال افغانستان بود

صدیقی-معاون ولایت پنجشیر

ما به‌یاد و خاطره شخصیت بزرگی از بستر جهاد و مقاومت یعنی مارشال محمدقسیم فهیم فقید قرار داریم. سیر و تحول تاریخی نامه‌ها و کارکردهای بزرگانی هم‌چون مارشال فهیم را در حافظه خود دارد. شکی نیست که این شخصیت‌ها در بستری پروریده شده‌اند که آن‌هم با رهبری جهاد و مقاومت که در معادلات نظام بین‌الملل هم در زمان جنگ سرد و اشغال افغانستان توسط قشون سرخ و در معادلات پس از آن، در برابر تروریسم در افغانستان نقش به‌سزایی در معادلات نظام بین‌الملل داشته‌اند.

قصد سخنرانی طولانی را ندارم، اما به یک نکته می‌خواهم اشاره کنم، چندی پیش با دوستان و همکاران پیرامون نشست و تدویر محفل امروزی جلسه‌یی داشتیم، دیدگاه‌هایی داشتند. هر کس صحبت‌هایی داشت و در قسمت چگونگی این محفل که از کدام زاویه و نگاه چنین محافلی را برگزار کنیم، پیشنهاد داشتند. یک‌دوست به دو موضوع مهم اشاره کرد، ما می‌فهمیم که مارشال فقید و همین‌طور هر یک از بزرگانی که در بستر جهاد و مقاومت مردم افغانستان تبارز کرده‌اند، ویژه‌گی‌های

منحصربه‌فرد خود را داشتند، اما شهادت، مردانه‌گی، تحمل و بینشی که مارشال داشت در دیگران نبود. اشاره دوست‌ما این بود که سخنوران و دانشوران عزیزما روی ابعاد مهم شخصیت‌های بزرگی مانند مارشال فهیم فقید تمرکز داشته باشند. او مثالی داد و گفت روزی که شما مجاهدین وارد کابل می‌شدید، آقای محمدی در رأس نیروها قرار داشت و شما هم شاهد حال و احوال بودید که جامعه بین‌المللی طرف‌دار ورود شما به پایتخت و سایر شهرها نبود، حتا رئیس‌جمهور وقت امریکا به بزرگان جبهه مقاومت تماس برقرار می‌کند و از ورودشان به کابل جداً ممانعت می‌کند، اما شهادت و مسئولیت‌پذیری بزرگان در رأس مارشال فهیم فقید به‌خواست‌های جامعه بین‌المللی این‌که چه قدر عواقب زیان‌بار بوده، وقعی نمی‌گذارد، برای پُرکردن خلاء امنیتی که در پایتخت و سایر شهرها ایجاد شده بود وارد شهر کابل شدند. بنده هم با همراهی آقای عبدالقهار عابد افتخار ورود به کابل را داشته‌ایم.

موضوع دیگری که متعاقباً رُخ می‌دهد، همه در جریان استید که جنایات و فجایعی که تروریستان و طالبان جنایتکار در برابر ملت افغانستان انجام داده بودند، باور بر این بود که با ورود مجاهدین شاید انتقام‌جویی‌های زیادی در کابل و سایر شهرهای افغانستان رُخ دهد، ولی دیده شد که در مدت چندین ماه هیچ اتفاق انتقام‌جویانه‌یی رخ نداد. این توصیه رهبران و بزرگان مجاهدین بود و گفتند که شما انتقام‌جویی را پیشه نکنید، بل که به‌طرف وحدت، برادری و هم‌دلی باید برویم.

شما دیدید، کسانی که در برابر این ملت جنایت کرده بودند، وقتی که بردباری این ملت را دیدند، تعجب کردند و جهان نیز بر این شجاعت این ملت تعجب کرد و آفرین گفت. به هر حال، ویژه‌گی‌های زیادی در شخصیت‌های دوران جهاد و مقاومت‌ما است که باید موشگافی شده و به آن‌ها پرداخته شود.

السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته!



مارشال افغانستان عقیف و باسخت بود

مولوی فضل الوهاب-آگاه مسایل دینی

شخصیت مارشال فهیم دارای ابعاد مختلف بود. یکی از آن ابعاد سخی بودنش بوده است، هر کسی که به خاطر هر چیزی که به او مراجعه می‌کرد، ناامید بر نمی‌گشت. یکی از صفات مومن این است که سخاوتمند باشد و در راه الله متعال انفاق کند.

یکی دیگر از ابعاد شخصیتش عقیف بودنش بود، تا اکنون نشنیدیم که مارشال فهیم کارهای نامشروع را انجام داده باشد، در حالی که استند کسانی که به یک عملی از اعمال ناشایسته آغشته‌اند مانند مشروب و سایر افعال قبیحه.

او دارای اخلاق نیک بوده و هیچ‌گاهی متکبر نبود. صفت خوب دیگر را می‌توان عالم بودنش را عنوان کرد که الله متعال در قرآن کریم از درجات عالم می‌گوید، «...هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...» سوره الزمر، آیه ۹ ترجمه: آیا برابر است کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند؟

مارشال مرحوم شاگرد مدرسه دارالعلوم عربی کابل بود. یکی از دلایلی که همه به او احترام

می‌کردند، عالم دین بودنش بود.
السلام علیکم ورحمة الله و برکاته!



ولایت بلخ



مارشال افغانستان فکر و اندیشه آزادی خواهی را از نوجوانی در سر می پرورانید

عظامحمد نور-والی بلخ

الحمد لله رب العلمين والصلوة والسلام على سيدنا و قائدنا محمد و على آله و اصحابه و من دعا
بدعوته الى يوم الدين.

بسم الله الرحمن الرحيم. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ»
سوره آل عمران، آیه ۱۶۹ کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندارید، بلکه زنده اند و نزد
پروردگار خویش روزی داده می شوند.

نماینده های محترم در پارلمان، جنرالان ارشد، رئیس محترم منتخب در شورای ولایتی مزار شریف
و وکلای محترم شان، دیپلمات های محترم در شهر مزار شریف، مسئولین احزاب سیاسی، جوانان
گرامی، مهمانان گران قدر، ژورنالیستان عزیز و خواهران و برادران عزیز السلام علیکم و رحمت الله
و برکاته!

به همه شما خوش آمدید عرض می‌کنم.

امروز سومین سال یاد درگذشت یگانه مارشال کشور مرحوم محمدقسیم فهیم، معاون اول ریاست‌جمهوری سابق و وزیر دفاع پیشین کشور و از بنیان‌گذاران جهاد و مقاومت، یکی از اسطوره‌های جهاد و مرد آهنین است.

در پهلوی این که رحلت این بزرگ‌مرد را برای همه‌تان تسلیت عرض می‌کنم به روح پُرفتح همه شهدای عزیز کشور از نام‌آوران شهیر گرفته تا سربازان، شهدای گم‌نام و شهدای امروز که به خاطر دفاع از کشور، مردم و ارزش‌ها جان‌های خود را از دست دادند و در این راه فداکاری کردند درود و سلام می‌فرستیم و از خداوند برای‌شان جنت فردوس استدعا می‌کنیم، خصوصاً به روح قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود، رهبر جهاد و مقاومت شهید پروفسور استاد برهان‌الدین ربانی، شهید وحدت بابه مزاری، شهید مولانا عبدالرحمن سیدخلی، شهید حاجی عبدالقدیر، شهید جنرال داوود داوود، شهید جنرال خان‌محمد، شهید احمدولی کززی، شهید مطلب بیگ، شهید احمدخان سمنگانی، شهید سید اسدالله مسرور، حفیظ شهید و همه شهدایی که نام آن‌ها را نتوانسم به یاد بیارم برای‌شان جنت فردوس می‌خواهم که این‌ها در راه استقلال و آزادی، عفت و وطن جان‌های شیرین خود را از دست دادند.

شهدا از خود ارزش‌ها، اندیشه و مکتب فکری را به ما میراث گذاشتند و همه‌ما باید حافظ این اندیشه و راه باشیم. این اندیشه‌ها عبارت از اندیشه‌های آزادمندی، اندیشه نوکرزدایی، اندیشه حفظ استقلال و عزت کشور سربلند و ملت سرفراز می‌باشد.

یکی از خصلت‌های بزرگ ملت‌های آزاده این است که ارزش‌ها، حماسه‌ها و قهرمانی قهرمانان خود را پاس داشته و در حافظه تاریخی نگه می‌دارند، از روش و اندیشه آن‌ها به‌عنوان مکتب فکری همیشه بهره می‌گیرند و تنها به همایش‌های بزرگ اکتفا نمی‌کنند، در صورتی که هر قدر بزرگ‌تر، تشریفاتی‌تر و درخور ستایش هم بوده باشد. اگر ما می‌خواهیم بزرگان خود را ارج گذاریم باید راه این بزرگ‌مردان را ادامه دهیم.

ماه حوت در کشور ما یکی از ماه‌های پُر حادثه است. گاهی حادثات پردرد و الم و گاهی هم حوادثی اتفاق افتاده که بیان‌گر قهرمانی‌ها، فداکاری‌ها و روزهای به‌یادماندنی را نشان می‌دهد.

قیام مردم سربلند کابل در سوم حوت رُخ داده است، دادن شهید و زخمی و هم‌چنان زندانی‌ها که محبس پلچرخ را پُر کرده بود، به‌خاطر آزادی وطن و ایستاده‌گی در برابر ارتش سرخ شوروی سابق و به‌منظور جلوگیری از داخل شدن پای ارتش متجاوز شوروی سابق به کشور نیز در همین ماه بوده است.

رحلت نابه‌نگام و دردآور مارشال افغانستان در هجدهم حوت صورت گرفته است.

شهادت فرزند نستوه و هم‌سنگر عزیز ما مولانا عبدالرحمن سیدخیلی در ۱۹ حوت اتفاق افتاده

است.

۲۲ ماه حوت هم مصادف است با شهادت رهبر حزب وحدت اسلامی بابه مزاری شهید.

۲۴ حوت دادن قربانی بیشتر از بیست هزار شهید در هرات باستان به منظور بیگانه‌ستیزی در کشور در این ماه اتفاق افتاده است.

روز حمایت، هم‌دردی و همبسته‌گی با قوای مسلح افغانستان در ماه حوت انتخاب شده است.

روز بین‌المللی بانوان در سطح جهان در ماه حوت انتخاب شده است.

دردآور از همه حمله خونین بر شفاخانه که خلاف همه موازین نه تنها ملی و بین‌المللی بل که خلاف موازین انسانی و اسلامی که سیل خون روان شد و در حدود پنجاه نفر از فرزندان ما که اکثراً چین‌پوشان دکترا و معالچین که در خدمت مریضان و زخمی‌ها بودند در همین ماه اتفاق افتاده است.

دوستان عزیز! مارشال محمدقسیم فهیم یکی از چهره‌هایی بوده که عضویت نهضت اسلامی را پیش از انقلاب اسلامی داشته است و یکی از جوانانی بود که در آن نهضت خدمت می‌کردند. مارشال فهیم فکر و اندیشه آزادی‌خواهی را از نوجوانی در سر می‌پرورانید و با خود داشت.

مارشال فهیم در دوران جهاد نیز در کنار قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود یک بازوی قدرت‌مند و همیشه‌درسنگر همه هم‌سنگران خویش خصوصاً قهرمان ملی بوده است.

در دوران بازسازی و حکومت‌داری در طول حدود سیزده سالی که در قید حیات بود در تشکیل حکومت، دایر کردن لویه جرگه، تسوید و تصویب قانون اساسی، رعایت حقوق بشر، اساس‌گذاری اردوی ملی نوین افغانستان ... نقش گسترده داشت و ایفا کرد.

خدمتاتی که مارشال فهیم داشت، ما برایش درود و سلام می‌فرستیم و یادش همیشه جاودان باد و باید اسم مبارکش در دل و ذهن همه ما زنده باشد و در رحمت خداوند منان قرار داشته باشد.

به افتخار مارشال صاحب یک شعر کوتاهی از آقای مهرآیین {این شعر سروده استاد حیدری وجودی است و شاید آقای مهرآیین برای خوانش انتخاب کرده بوده است} است که خدمت‌تان می‌خوانم:

ای مرد پاس‌دار جهاد و مقاومت

فرزند نام‌دار جهاد و مقاومت

ای راه و رهبر خط مسعود قهرمان

سرلشکر تبار جهاد و مقاومت

ای قدردان خامه شمشیر در نبرد
 شخص پرافتخار جهاد و مقاومت
 عشق و خردگرایی و امید داشتنی
 در کار و کارزار جهاد و مقاومت
 جسمت اگر شکست ولی است جان تو
 نیروی پایه‌دار جهاد و مقاومت
 رفتی و داغ خویش به دل‌ها گذاشتی
 ای شمع تاب‌دار جهاد و مقاوت
 تا نام عشق و عزت و آزادی به‌جاست
 هستی تو یادگار جهاد و مقاومت

دوستان عزیز! مارشال افغانستان از رفقای دوران جهاد و سنگر با ما بود. فکر می‌کنم که در نیمه‌های سال‌های دوران جهاد بود آقایان آزادی و ره‌گذر در این محفل تشریف دارند و شاهدند که اولین بار دیدار ما با مارشال فهیم در سنگر جبهات عقب کوه‌های شادیان، لیجنگ و خواجه چنار بود و به شولگر و بعد سفری به‌طرف ولایت فاریاب داشت، امیر جهاد فاریاب مولوی صاحب جمادی و جنرال صاحب فاروق خان و هم‌سنگران‌شان در این مجلس استند که مارشال صاحب سفر دورانی را طی کرد.

مارشال کشور شخص رفیق، خوش‌خلق، خوش‌برخورد، در سنگر جهاد نترس و قابل احترام بود. پس از حکومت جدید که گاه از جانب ما ناراحت می‌شد به این دلیل که در جهت تصامیم سیاسی با او چانه می‌زدیم. مارشال کشور جهتی را انتخاب می‌کرد و من با هم‌کاران جهت دیگری را و برایش می‌گفتم که تصامیم سیاسی فکری‌ست که همه می‌اندیشند و یک راه خوب را انتخاب می‌کنند، ما فکر می‌کنیم که راهی را که انتخاب کرده‌ایم خوب‌تر است.

به مارشال کشور می‌گفتم که جناب مارشال صاحب! بزرگ‌ما استی، برادر کلان‌ما استی، دوست داشته و برایت احترام قایل استیم، ولی در جهتی که خودت می‌گویی ما تصامیم نمی‌گیریم، باچنین حرف‌ها بارها آزرده‌اش ساختیم. در انتخابات ۲۰۰۹ میلادی و هم‌چنان در ۲۰۱۴ میلادی ناراحتش ساختیم، اما دوستی ما و هم‌سنگری ما سرجایش باقی بود. مارشال فهیم گاهی در یک جهت رفت و ما در جهت دیگر حرکت کردیم، اما هر بار به‌ما می‌گفت که تصمیمی که شما گرفتید روزی پیشمان خواهید شد. مارشال می‌گفت، راهی را که شما انتخاب کرده‌اید داعیه‌تان را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند، چرا که این راه و شیوه‌تان اشتباه است.

مارشال کشور درست می‌گفت، پس امروز ما مجبور استیم و خود را مکلف می‌دانیم که اگر چه در گذشته است از او معذرت بخواهیم.

تصمیم و خواست ما این بود که ما به خواست‌ها و آرمان‌های مردم ما رسیده‌گی کنیم، ارزش‌های جهاد، ارزش‌های دینی و وطنی ما حفظ شود، غرور و عزت مشروع ملت ما حفظ باشد تا ما به پاهای هیچ‌کس نیفتیم، از حق‌مان محروم نمائیم و دسترسی به حقوق خود داشته باشیم.

در آخر یک‌بار دیگر تعهد می‌سپاریم آنچه را که به‌عنوان ارزش و کارهای ماندگار و حماسی از جانب شهدای بزرگ ما مانند رهبر شهید برهان‌الدین ربانی، قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود، مارشال محمدقسیم فهیم، بابه مزاری شهید و صدها شهدای دیگرمان برای مان به میراث مانده است، این راه و روش را مردانه، متین و استوار حفظ می‌کنیم. آن‌ها را مانند مکتب فکری و اندیشه‌های باارزش مصداق کار و عمل روزگار خود می‌سازیم.

هیچ‌گاه به‌هیچ فرعون، طاغوت، لاییک و بی‌دین اجازه نمی‌دهیم تا به شهدا، بزرگان ما، ارزش‌های دینی و ارزش‌های جهادی ما توهین کنند، تخریب و یا هم تخریش کنند؛ چون این ملت مجاهد است و در عین حال دو میلیون نفر در راه جهاد و آزادی قربانی داده است و بیش از شش میلیون مهاجر داشته است.

این ملت قابل ارزش است، ملتی که شجاع و سربلند در سطح دنیا بوده است و باقی خواهند ماند. خون شهدای ما پیام دارد و این پیام را به ارزش مردمک چشم خود حفاظت می‌کنیم.

السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته!



مارشال افغانستان بیرق نیمه‌افتاده وطن را به دست گرفت

داکتر افضل حدید-رئیس شورای ولایتی بلخ

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ

مرد نمیرد به مرگ

مرگ از او نام جست

مرد چو جاوید شد

مردنش آسان کجاست

حضار گرامی! امروز ما در این گردهم‌آیی بزرگ از سال‌گشت بزرگ‌مرد تاریخ معاصر کشورمان مرحوم مارشال محمدقسیم فهیم یادبود می‌کنیم. گرچه کارنامه‌های مارشال مرحومی از دیدما و جوانان ما پنهان نیست، اما لازم می‌دانم تا من هم به‌نوبه خود به نماینده‌گی از مردم باسپاس خویش پیرامون شخصیت آن مرد رزم‌آرا و مقاومت‌گر بی‌همتای حضور شما چند سخنی به عرض برسانم.

برادران ارجمند و خواهران عزیز! تاریخ معاصر ما خالی از داستان سرایی‌ها و مدیحه‌سرایی‌های دوران شاهان و شهزاده‌گان نیست، امروز نه شاهی وجود دارد و نه شهزاده‌یی تا در بارهٔ سروده‌ها و سخنرانی‌های خویش از دقت و ظرافت شاه‌پسندانه کار بگیریم، بل که می‌خواهیم واقع‌بینانه در بارهٔ فداکاری‌ها و جان‌بازی‌هایی سخن بگوییم که افتخار آفریدند، عزت بخشیدند و استقلال نگه داشته‌اند که این سه واژه نزد مردم افغانستان مقدس است. واژه‌های افتخار، عزت و استقلال را می‌گوییم. بیایید معیار شناخت شخصیت‌ها را با این واژه‌ها به بررسی بگیریم، در غیر آن شناخت‌مان از شخصیت‌ها غیرمنطقی و مردود خواهد بود.

عزیزان گرامی! مرحوم مارشال محمدقسیم فهمیم فرزانه‌مردی بود که در حساس‌ترین لحظه‌های تاریخ وطن در حالی که ملت‌ما در ماتم و اندوه شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود قرار داشتند، ماسوسی و جان‌کاهی بر ما مستولی بود، بیرق نیمه‌افتادهٔ وطن را به دست گرفت و نگذاشت بیرق ستاره‌دار همسایهٔ جنوبی‌ما بر فراز میهن‌ما توسط مزدوران آن‌ها به اهتزاز درآید. او با قامت بلند و شهامت بی‌نظیر پرچم افغانستان را هم‌چنان با اهتزاز و بلند نگه داشت و تا امروز زیر پرچم خودمان به زنده‌گی خویش ادامه می‌دهیم، این افتخار، عزت و استقلال است.

مارشال فهمیم پیشناز و پیشگام این پیروزی بود. روحش شاد و مکانش بهشت برین باد

زنده باد افغانستان

تل دوی زمونر استقلال



مارشال فهیم سنگرداری بود که برای کامیابی جهاد و مقاومت صادقانه خدمت کرد

سیدکمال سادات-فرمانده پولیس بلخ

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته!

حضار گرامی! ما به ارواح جمعی از شهدای عزیز و گلگون کفن و متوفای کشور به هر نام و نشان و مقامی که بوده‌اند، اتحاف دعا کرده و از الله لایزال برای شان مغفرت و جنت الفردوس را خواهانیم.

امروز به مناسبت هجدهم حوت که مصادف بود با سومین سالروز درگذشت مارشال محمدقسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری پیشین کشور در این تالار که گردهم آیی داریم.

محمدقسیم فهیم سنگرداری بود که در کامیابی جهاد و مقاومت مردم افغانستان صادقانه خدمت کرد و بهترین سال‌های عمر خویش را در راه شگوفایی کشور با تحمل سختی‌ها و دشواری‌های زیاد در ابعاد مختلف سپری کرد. در دوران بعد از طالبان نیز در برقراری نظام جدید افغانستان همراه با سایر بزرگان همت گماشت و مصدر خدمت برای مردم و کشورش شد.

مرحوم مارشال فهیم، در سیزده سال گذشته یعنی پیش از وفاتش به افغانستان و منافع علیای مملکت پابند بود و مسائل صلح و جنگ، حکومت‌داری، اداره و مدیریت را بر محور مصالح بزرگ کشور در نظر می‌گرفت. احترام به تصامیم بزرگ ملی از خصوصیات بود که در شخصیت مارشال فهیم فقید برجسته‌گی خاص داشت.

جلالتمآب محمداشرف غنی، رئیس‌جمهور کشور به‌مناسبت رحلت مارشال فهیم او را یکی از شخصیت‌های براننده افغانستان دانسته و تأکید کرد که مارشال فهیم برعلاوه نقش مهمش در دوران جهاد و مقاومت مردم افغانستان، پس از شکست رژیم طالبان نیز همواره در راستای تحکیم صلح و ثبات کشور تلاش زیادی کرده است.

محمداشرف غنی رئیس‌جمهور کشور ضمن عرض تسلیت و همدردی به بازمانده‌گان مارشال بزرگ شخصیت آقای فهیم را ستایش کرده و او را از کسانی خواند که عمر گران‌بهایش را در راستای خدمت به مردم سپری کرد. به قول رئیس‌جمهور کشور مرحوم مارشال فهیم شخصی بود که مسائل صلح، جنگ و حکومت‌داری خوب را از موضوعات بزرگ ملی تلقی می‌کرد. جلالتمآب محمداشرف غنی در یکی از بیانات خویش گفته است که پس از این تلاش خواهد کرد تا در پیش‌برد امور کشور و بهبود وضعیت زنده‌گی شهروندان از اندیشه‌های شهدای ملی کشور و مارشال مرحوم کار گیرد.

مارشال محمدقسیم فهیم فرزند مولوی عبدالمتین در سال ۱۳۳۶ خورشیدی در محله عمرض مربوط ولایت پنجشیر چشم به‌جهان گشود. آموزش‌های ابتدایی را در زادگاهش فرا گرفت و در سال ۱۳۴۹ به‌خاطر تحصیلات وارد مدرسه دارالعلوم عربی کابل شد. محمدقسیم فهیم پس از کودتای ۱۳۵۷ خورشیدی غرض اشتراک در جهاد بر ضد رژیم وقت به پاکستان هجرت کرد، اما پس از اقامت کوتاه در آن‌جا به افغانستان بازگشت و مبارزه مسلحانه خود را در منطقه شیگل ولایت کنر آغاز کرد.

وی در تابستان همان سال وارد دره پنجشیر گردید و در زمینه ایجاد هسته‌های جهاد و مقاومت هم‌دوش با شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور ابتدا در پنجشیر و بعد در سایر نقاط کشور همت گماشت. مارشال فهیم به‌هیئت قوماندان مجاهدین در ولسوالی اندراب ولایت بغلان نیز خدمت کرده است. محمدقسیم فهیم در سال ۱۳۶۰ خورشیدی در رأس یک هیأت عالی رتبه مجاهدین به ولایات شمال شرق یعنی بدخشان، بغلان، تخار و کندز جهت بسیج مجاهدین در چارچوب شورای نظار سفر کرد و در این راستا نقش مهم و ارزنده‌یی را ایفا کرده است. محمدقسیم فهیم در سال ۱۳۶۶ خورشیدی به‌هیئت قوماندان عمومی مجاهدین در شمال کابل را به عهده گرفت و در سال ۱۳۶۸ خورشیدی به‌خاطر گسترش و انسجام بیشتر نیروهای شورای نظار به ولایات بلخ، جوزجان و فاریاب سفر کرد و به موفقیت‌هایی دست یافت.

محمدقسیم فهیم فقید پس از سقوط حکومت دکتر نجیب‌الله و پیروزی مجاهدین در پنجم ثور ۱۳۷۱ خورشیدی در رأس نیروهای مجاهدین وارد کابل شد و در همین سال به‌هیئت وزیر امنیت کشور مقرر گردید و با سیطره طالبان در سال ۱۳۷۵ خورشیدی مدت کوتاهی را مکرراً به‌هیئت

قوماندان عمومی نیروهای مقاومت در ولایات شمال کابل ایفای وظیفه کرد. پس از شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور در هجدهم سنبله ۱۳۸۰ خورشیدی رهبران و فرماندهان مجاهدین به منظور انسجام بهتر نیروهای مقاومت و مدیریت بحرانی‌ترین شرایط محمدقسیم فهیم را به عنوان قوماندان کل نیروهای دولتی و مقاومت انتخاب کردند. در چنین وضعی او توانست نیروهای مقاومت را منسجم کند. در ماه عقرب ۱۳۸۰ خورشیدی در رأس نیروهای مقاومت وارد کابل گردید.

مارشال فهیم از جمله بنیادگذاران نظام نوین کشور و حامی ثبات و همبستگی ملی افغانستان بود. وی تمام تلاش‌های خود را در راستای شکل‌گیری ساختارهای سیاسی فروریخته افغانستان انجام داده است و در کنار دیگر دولت‌مردان این کشور پایه‌های یک دولت دموکراتیک و مردمی را مستحکم ساخت. او پس از برگزاری کنفرانس «بن» و ایجاد اداره موقت به‌هیئت معاون رئیس اداره موقت و وزیر دفاع ملی تعیین شد. به تاریخ ۱۳۸۱ خورشیدی به پاس خدمات ارزنده و نقش همه‌جانبه‌اش در آزادی کشور، بلندترین رتبه نظامی کشور یعنی مارشالی را دریافت کرد. مارشال فهیم معتقد بود که رتبه مارشالی محصول زحمات و مبارزات حق طلبانه ملت بزرگ افغانستان است و آن را به عنوان مهم‌ترین دست‌آورد و ارزش مبارزات ملت بزرگ افغانستان پاس می‌داشت.

مارشال محمدقسیم فهیم بعد از لویه جرگه اضطراری برای بار دوم به‌هیئت معاون اول ریاست‌جمهوری و وزیر دفاع ملی کشور تعیین گردید. در دومین دور انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی افغانستان به‌عنوان معاون اول حامد کرزی رئیس‌جمهور پیشین کشور تعیین شد و بعد از پیروزی در انتخابات به‌هیئت معاون اول رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی افغانستان در ۲۹ عقرب ۱۳۸۸ خورشیدی حلف وفاداری را یاد کرد. وی به پاس فداکاری‌ها و خدمت ارزنده خویش به دریافت مدال احمدشاه بابا نیز مفتخر شده بود. مارشال فهیم مرد مجاهد، متواضع، متدین و وطن‌دوست بود و از گرم و سرد روزگار درس‌هایی آموخت و آن را در زنده‌گی شخصی و رسمی به‌کار برد.

مارشال فقید زنده‌گی خود را وقف مبارزه بر ضد اشغال‌گران کرد و در دوران جهاد و مقاومت ملی مردم افغانستان پیوسته در کنار مردمش ماند و با رشادت بی‌مانندی از سنگ‌های آزادی‌خواهی، عزت و سربلندی کشور و مردمش دفاع کرد. وی مردم پرافتخار سنگ‌های آزادی افغانستان و یکی از شخصیت‌های سیاسی طی سه دهه اخیر کشورما بود. او در دوره‌های کاری‌اش در پست‌های وزارت‌های امنیت ملی، وزارت دفاع ملی، معاونیت ریاست دولت در دوره‌های موقت و انتقالی و معاون اول ریاست جمهوری اسلامی افغانستان خدمات شایانی به مردم و وطن عزیز خویش انجام داد.

مارشال فقید معاون اول ریاست جمهوری اسلامی افغانستان صبح روز یکشنبه در هجدهم حوت ۱۳۹۲ خورشیدی به عمر ۵۶ ساله‌گی در اثر سکت قلبی داعی اجل را لیک گفت و به رحمت حق پیوست.



ملت افغانستان اگر راه مارشال را ادامه دهند، اسارت ندارند

برید جنرال امان‌الله-فرمانده قول اردوی ۲۰۹ شاهین

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين.

ماه حوت ماه پُر حادثه است، چه حوادث تاریخ و یا هم رحلت رهبران و به شهادت رسیدن رهبران و فرماندهان جهادی. در قدم نخست درود بر روح همه‌شان به خصوص بر روح شهدای اخیر که حادثه بیمارستان چهارصد بستر به شهادت رسیدند.

من به رهبری قول اردوی ۲۰۹ شاهین سومین سالگرد رحلت مارشال فقید را به همه هم‌سنگران، دوستان و فامیل محترم عرض تسلیت عرض می‌دارم. امروز یادبود از یکی از ابرمرد فداکار و جان‌نثاری که در راه جهاد عملی و گرم در برابر دشمنان دین، وطن، ناموس و استقلال در طول عمرش قاطعانه رزمید و در بلندترین قله افتخار این ملت قرار گرفت. ما به وجودش افتخار می‌کنیم، روحش شاد باد.

مارشال فقید برای مبارزان این میهن الگوی سعادت و یکی از آغازگران شور و شغف ملت مظلوم و دربندکشیده این کشور است، ما منسوبین اردوی ملی که زیر رهبری و قیادت‌شان قرار داشتیم، جدا

از تجاربش استفاده کردیم و چیزهای خوب و موثر را از او آموختیم. مارشال فهیم واقعاً که قابل قدر بود و ما به وجودش افتخار می‌کردیم و او یگانه مارشال مملکت‌مان بود که ما درس ایثار و فداکاری از او آموختیم و هم‌چنان از انسان‌هایی که قابل قدر بود، چیزهای زیادی آموختانند.

پس به این خاطر ما به عنوان منسوبین اردوی ملی از درگذشت مارشال که از سومین سالگردش تجلیل می‌کنیم و به روحش درود و صلوات می‌فرستیم.

مارشال فهیم برگشت‌ناپذیر است، قافله‌های سعادتش چون دریای خروشان و موج به مسیر الهی در سیر و حرکت‌اند. او مرد مومن و فداکار بود که این راه را برگزید. ملت افغانستان اگر راه او را ادامه دهد، اسارت ندارد و هم‌چنان به آزادی‌های زیادی نایل خواهد آمد و سرنگونی دشمنان افغانستان حتمی خواهد بود. در جهاد و مبارزه و مثل او سائیرینی که زنجیز و غول‌های آهنین اسارت را که از دست و پای ملت ما باز کرد، به مستضعفین قوت بخشید و به ملت آزادی بخشید، یوغ اسارت را شکست.

چنین است ملت مسلمان و آزاده افغانستان که در قرن‌های متمادی از مزایای مبارزه بهره گرفته و آزاد زیسته و توانسته که با تفکر آزادشان استعمارگران خون‌آشام و متجاوزین فرومایه را از سرزمین اسلامی شان اخراج کنند و به شکست و نابودی مواجه سازند. از همین جاست که دین اسلام به جهاد و مبارزه اهمیت خاص داده است و از همین مقام بزرگ و والای جهاد برحق مردم افغانستان در برابر تجاوز بی‌شرمانه دشمنان که ما با تقدیم نیروی میلیون‌ها مسلمان شهید آن‌را به‌دست آوردیم، قدردانی می‌کنند.

بنابر این جا دارد تا از قهرمانان وطن و مبارزان، معلولین، آواره‌گان و هم‌چنان در سه دهه جنگ کسانی که شهید، معلول و معیوب شده‌اند قدردانی کنیم.

در اخیر یک‌بار دیگر بر روح مارشال فقید اتحاف دعا کرده و برای بازمانده‌گان او تسلیت عرض می‌کنیم.

مارشال افغانستان در طول عمرش در برابر بزرگترین قدرت‌های دنیا سر تسلیم خم نکرد

مولوی اسدالله جمالی - آگاه مسایل دینی

الحمد لله و الصلاة و السلام على من لا نبى بعده، اما بعد فاعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم. «وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» سورة نساء، آیه ۹۵ ترجمه: خداوند مجاهدان را نسبت به کسانی که نشسته‌اند با مزدی بزرگ برتری داده است. و قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: (إن في الجنة مائة درجة أعدها الله للمجاهدين في سبيل الله، ما بين الدرجتين كما بين السماء والأرض...) متفق عليه

فقیران تا به مسجد صف کشیدند

گریبان شهنشاهان دریدند

چو آن آتش درون سینه افسرد

مسلمانان به درگاهان خزیدند

با سلام حضور حضار گرامی، افتخار دارم که امروز به‌نماینده‌گی از ملت مجاهد فاریاب به‌مناسبت سومین سالروز رحلت یگانه مارشال افغانستان صحبت کنم.

مارشال فهیم چوکی نشین نبود بل که سنگ‌نشین بود. مارشال که در طول عمرش در برابر بزرگترین قدرت دنیا و همه قلدرهای جهان سر تسلیم خم نکرد.

صحبت کردن در مورد مارشال محمدقسیم فهیم در فرصت کوتاه بسیار مشکل است، شخصیت مارشال فهیم دارای ابعاد مختلف می‌باشد؛ مارشال با خدا، بی‌بدیل در کشور، کسی که ارتباطش با خدا بوده است. بازهم مطابق گفته شاعری که می‌گوید:

آب جیحون را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنه‌گی باید چشید

دوستان گرامی! تجلیل از روزهای شهادت قهرمان‌های ما، فرماندهان جهادی، بزرگان جهاد یا رحلت یگانه مارشال افغانستان که شما هم‌سنگرانستید و به چهره‌اش آشنایی دارید، ارج‌گذاری به جهاد و مبارزه، ارج‌گذاری به قربانی‌های جهاد و مقاومت ملت بزرگ افغانستان است. وقتی روح بزرگانی که از دنیا رفته اند راضی می‌شوند که فکر و اندیشه‌شان را زنده نگه داریم.

خوشنودی روح‌شان تنها در برگزاری محفل یادبود برای دو سه ساعت نیست، اگر مارشال فهیم را دوست دارید، اگر سپه‌سالار و قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود را دوست دارید، اگر پروفیسور استاد برهان‌الدین ربانی شهید را دوست دارید و سایر شخصیت‌ها را مانند استاد شهید مزاری، شهید احمدخان سمنگانی، شهید مولانا سیدخیلی، شهید داوود داوود، شهید عبدالحق و سایر شهدا که نمی‌توان در فرصت کم از همه‌شان نام برد، دوست دارید باید راه‌شان را تعقیب کنید، مکتب‌شان زنده نگه داشته شود، فکر و آرمان‌شان زنده نگه داشته شود، در آن صورت می‌توان گفت

که ما آنها را دوست داریم.

به قول استاد عبدرب الرسول سیاف که یک عده نوکر بیگانه، تعدادی از رسانه‌هایی که در خدمت بیگانه استند، با دهن مردارشان وظیفه دارند تا مجاهدین و رهبران‌شان را توهین و تحقیر کنند تجارت کردند... اما آیا خیانت کردن برای تو روا است؟ در دوران جهاد از افغانستان فرار کردن رواست؟ وطن فروختن روا است؟ این همه برای تو رواست، اما اگر یک مجاهد موتوری را سوار شود ناروا است؟

هزاران مجاهد در تانک‌ها بسته و شهید شدند، زن‌های‌شان بیوه شد و فرزندان‌شان یتیم شد و خانه‌های‌شان ویران، شما از برکت قربانی مجاهدین دوباره به کشور برگشتید در صورتی که شما بزدلان آمده نمی‌توانستید. اگر شما پنجاه سال دیگر هم مجاهدین را تخریب کنید، به نتیجه نمی‌رسید، چرا که این ملت مجاهد است. مجاهدین چند نفر محدود که نیستند، بل که در افغانستان و در خارج از کشور هم مجاهد داریم که با جان، قلم، زبان و مال خود جهاد کردند.

وارثین این کشور ملت مجاهد آن است. اگر بارها تخریب کنید باز هم می‌بینیم که رأی مجاهدین در پارلمان و شوراها و ولایتی بیشتر است. اگر شماری از مجاهدین یک لقمه نانی دارد، اما باقی همه مجاهدینی که پولی ندارند و به این باورند که صرف به‌خاطر رضای الله متعال جهاد کرده‌اند.

و من الله التوفیق



ولایت تخار



مارشال افغانستان بردبار و با حوصله بود

سید امان‌الله سیرت - شخصیت جهادی

نبود مارشال فهیم در عصر جدید ضایعه بزرگ برای مردم افغانستان است. یقیناً که او شخصیت بردبار و باحوصله بود. در طول جنگ با قشون سرخ شوروی سابق بالای یک برنامه مدون کار می‌کرد و هم‌چنان دستیار و مشاور خوب در زمانش برای احمدشاه مسعود شهید بود.

بعد از سقوط دولت کابل یکی عمده‌ترین پست‌های دولتی را که رهبری وزارت امنیت بود، به عهده گرفت، هم‌چنان رهبری دفاع از مردم در جنگ‌هایی که در کابل صورت می‌گرفت به‌دوش گرفت، همه این‌ها از درایت و کارفهمی مارشال فهیم بود.

مارشال فهیم برخورد بسیار خوب با مجاهدین و بازمانده‌گان‌شان داشت. در دوران جهاد و مقاومت جبهات زیادی را رهبری کرد و بعد از احمدشاه مسعود شهید چون فرد دوم بود، به صفت وزیر دفاع و جانشین او تعیین شد. موفقیت دوباره نیروهای مقاومت و رهبری سالم در فضای بحرانی کشور، ایجاد شرایط باثبات تفاهم بین دولت جدید و بین مجاهدین از توانمندی‌های مارشال بود.

نبود مارشال فهیم در تصمیم‌گیری‌های امروز محسوس و ضایعه بزرگ است. هر قدر که ما از این شخصیت‌ها و انسان‌های مدیر و مدبر بی‌بهره باشیم دچار مشکلات زیادی می‌شویم. با این اساس افغانستان از نظر سوء تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت به بحران می‌رود.

روح مارشال فهیم را شاد می‌خواهم و از الله متعال برای بازمانده‌گان و رهروانش پیروزی و موفقیت آرزو می‌کنم.



مارشال فهیم عالم و آگاه بود

مولوی عبدالوارث-آگاه مسایل دینی

شهکاری‌هایی که مارشال فهیم کرد و زحماتی که در طول جهاد و مقاومت در برابر متجاوزین کشید قابل یادآوری و قدردانی است و نباید تلاش‌های مجاهدین را نادیده گرفت.

مارشال فهیم شخصیت دینی و عالم بود و هم‌چنان پدر بزرگوارش نیز عالم دین بوده است. او در دارالعلوم عربی کابل درس خوانده بود. مارشال فهیم، معلومات دینی کافی داشت و کسانی که از نزدیک با او ملاقات کرده باشند و یا سخنرانی‌هایش را شنیده باشند، می‌دانند که او شخصیت عالم و آگاه بوده است.

از زمان شروع جهاد در سال ۱۳۵۷ خورشیدی مارشال فهیم در کنار شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور و شخصیت جهادی و نظامی قرار داشت و هم‌چنان در بخش‌های ارتباطات داخلی و خارجی نقش داشته است. در جهاد و مقاومت همیشه دوشادوش قهرمان ملی کشور برای دفاع از ارزش‌های دینی و میهنی تلاش کرده است.

روحش شاد و یادش گرامی باد



مارشال افغانستان مرد شمشیر و قلم بود

سید یاسین دهبزاد-آمر رادیو تلویزیون تخار

از دوره مقاومت با مارشال فهیم گرامی خاطرات بسیار خوشی دارم. ما را در کارهای رسانه‌ای مان تشویق و حمایت می‌کرد. روزی برای من گفت، ما هم قدرت داریم و هم سرمایه، اما کار رسانه‌ای بالاتر از کار ما است. او می‌گفت که آرزو دارم تا صلاحیت و قدرت نظامی شما را به شوق نیاورد، کار رسانه‌ای و فرهنگی‌تان را انجام دهید و هر روزی که من شما خبرنگاران را می‌بینم احساس خوشی برایم دست می‌دهد.

خبرنگاران را تشویق می‌کرد، روزی تهیه گزارش دو مرتبه نزدش رفتیم و گفت که شما را به نظر خوب می‌بینم، به‌خاطری که خوب و بسیار باحوصله کار می‌کنید. شماری را ما اكمال می‌کنیم و توجه داریم و اما طوری که لازم است تلاش نمی‌کنند، در حالی که شما با وسایل اندک بسیار کار می‌کنید. مارشال فهیم تأکید می‌کرد که مطابق به مسلک‌تان صادقانه کار کنید تا رشد کنید. مارشال همواره تأکید می‌کرد که ارزش‌های دینی باید نزدتان بسیار مطرح و مهم باشد. فرهنگیان و اهل رسانه‌ها را تشویق مادی و معنوی می‌کرد.

امیدوارم تا نام مارشال فهیم همیشه باقی بماند، خانواده، دوستان و همسنگران‌ش راهش را ادامه دهند.

مارشال فهیم مرد باغیرت و شجاع بود، او مرد شمشیر و مرد قلم بود. سالگرد وفات مارشال فهیم را به دوستان، یاران، خانواده و همسنگران‌ش تسلیت می‌گویم و امیدوارم که راهش ادامه پیدا کند و پررهرو باشد.

یاد مارشال فهیم فقید گرامی و روحش شاد و جایش جنت باد.



مارشال افغانستان علاقه‌مندی به معارف و دانشگاه داشت

محبوب‌الله حامد-رئیس دانشگاه تخار

درگذشت مارشال فهیم در شرایط حساس کشور ضایعه جبران ناپذیر بود. مارشال فهیم یکی از عیارهای این کشور بود که در آوردن صلح و ثبات و امنیت تأثیرات به سزای خود را داشت. او در قلب اکثر مردم افغانستان که مربوط به شمال، جنوب، شرف و غرب می‌شود جا داشت و مدافع حقوق همه مجاهدینی بود که در این سرزمین مبارزه کرده بودند.

مارشال فهیم هم شخصیت علمی بود و در عین حال شخصیت سیاسی نیز بود و شخصیت روحانی و معنوی نیز داشت. می‌توان گفت که جایگاه کلانی داشت که هر کس احساس می‌کرد که مارشال فهیم با او رفیق و هم‌دیار است. او شخصیتی بود که همه مردم افغانستان را دوست داشت و به عام مردم این کشور آشنایی داشت، از فرد عادی شروع تا ملک قریه، ولسوال و یا بالاتر از آن آشنایی داشت، با او محبت می‌کردند و در دل آن‌ها جای داشت.

افغانستان در چنین شرایطی به شخصیتی مانند مارشال فهیم نیاز داشت که برای آوردن صلح می‌توانست نقش کلانی بازی کند. دوره زعامت مارشال با دوره کنونی تفاوت‌های زیادی دارد.

مارشال شخصیت محوری بود و می‌توانست همه اقشار کشور را در دور خود جمع کند. علما، روشن‌فکران، مجاهدین، جامعه مدنی، خانواده رسانه‌ها و همه اقشار این ملت را به نحوی می‌توانست در اطراف خود بیاورد و قناعت‌شان را حاصل کند.

در آوردن نظام و حکومت‌داری خوب تأثیرات کلان داشت. مارشال از گذشته تا دوره جهاد، مقاومت و حکومت‌داری، دید بسیار علمی و کلان داشت و مانند عالم و دانشمند می‌اندیشید، خودش هم از مدرسه دینی فارغ بود و علاقه‌مندی به معارف و دانشگاه داشت.

خاطره‌یی را بازگو می‌کنم، زمانی که در مورد زمین دانشگاه تخار مشکل و چالش به وجود آمد، به مارشال فهیم دو مرتبه تماس گرفتم، یکبار در کشور ترکیه بود و بار دیگر در داخل کشور در زمان معاونیت اول ریاست جمهوری‌اش، در این دو بار صحبت برایم گفت که لشکررداری؟ گفتم بلی! گفت که زمین ملکیت دانشگاه است و من از آن حمایت می‌کنم و اگر هر کسی به زمین دانشگاه دست‌درازی کرد باقوت در مقابلش ایستاده‌گی کن و من هم اجازه مداخله را به زمین دانشگاه نمی‌دهم. این همکاری مارشال فهیم بود که امروز دانشگاه تخار ۱۸۴۰ جریب زمین دارد و کسانی که می‌خواستند در زمین‌های این دانشگاه مداخله کنند، مارشال قناعت‌شان را حاصل کرد، اکنون این زمین در اختیار دانشگاه تخار قرار دارد.

مارشال فهیم شخص معارف دوست بود، به تحصیلات عالی توجه داشت و به استادان احترام داشته و به آن‌ها محبت می‌ورزید. علاقه‌مندی به شعر، ادب و عرفان داشت و هم‌چنان محافل علمی را دوست داشت. به علما، دانشمندان، شعرا و اهل رسانه‌ها احترام خاص قایل بود. دست‌آوردهای کلان در بخش‌های مساجد، مدارس، مکاتب هسته‌گذاری‌های کلانی کرده و توجه خاصی داشت. اگر آن وضعیت ادامه پیدا می‌کرد فکر می‌کنم که پروژه‌های زیادی تا اکنون به‌ولایات می‌آمد.

مارشال کشور به همه مردم افغانستان حرمت خاصی قایل بود و در دل مردم کشورش جای داشت.



د مارشال خاطره د تل لپاره مونږ سره ژوندي ده

د مارشال خاطره د تل لپاره مونږ سره ژوندي ده

مارشال محمدقسیم فهیم سره ما ډیر نږدې اړیکې درلودې. د تخار او نورو خلکو ته یې معلومه ده که شخصاً ما سره او زموږ کورني سره دومره نږدې اړیکې درلود چه همیشه زه د مارشال فهیم شفقت او د زره سوزي سره مخامخ کیدلم. د مارشال خاطره د تل لپاره مونږ سره ژوندي ده، مونږ تل یادوو او د یادولو سړي وو.

د مارشال فهیم نبود ډیر لویه ضایعه ده چه هیڅ شک نشته چه د هغې ځای هیڅ څوک نشي کولای چه دک کړي. خو بیا هم مونږ دعا کوو چه د مارشال فهیم څوک چه پاتي دي خدای ده هغه توفیق دي ته واچوي او هغوي برکت دي ته واچوي چه ده هغه ځای دک کړي. هغه دلسوزي او هغه خدمت گذاري که ده هغه پیشه وه نورو سره اختیار کړي ده دي وطن وگرو او د خلکو سره چه مارشال فهیم دوستان وو ډیر ښه اړیکې وساتي او هغوي یاد کي او د مارشال یاد د تل لپاره ژوندي وساتي.



ولایت بغلان



مارشال فهیم به مردم جرأت داد

عبدالحدی نعمتی - والی ولایت بغلان

الحمد لله رب العالمين والعاقيبة للمتقين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد و على آله و اصحابه اجمعين.

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران گرامی! پیش از همه اتحاف دعا می‌کنیم به روح سالار و سردسته کاروان جهاد و مقاومت افغانستان مارشال محمدقسیم فهیم فقید و همه شهدای گلگون‌کفن جهاد و مقاومت افغانستان در رأس قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود و از الله متعال جنت فردوس برای‌شان استدعا می‌کنم. اکثر حضار گرامی در این تالار مجاهدین استند و تاریخ معاصر افغانستان را می‌دانند و کسانی که جوان‌تر استند فیلم‌های مستند دیده‌اند، تاریخ و کارنامه‌های مجاهدین و مقاومت‌گران را مطالعه کرده‌اند، کسانی که در سنگر بوده‌اند خودشان تاریخ زنده استند.

زمانی که احمدشاه مسعود قهرمان ملی به شهادت رسید، ما به خاطر طالب‌نماها در ایران مهاجر بودیم و از شنیدن شهادت قهرمان ملی بسیار سراسیمه شدیم، در عالم مهاجرت بودیم و دشمن در

سراسر افغانستان به جز از نقاط بسیار محدود مانند پنجشیر و تعدادی از ساحات دیگر چیره بود. در این شرایط به الله رجوع کردیم که ای الله لایزال! از خودت توقع داریم، ولی جای او را چه کسی پر خواهد کرد.

خاطره تلخی از روزی در حافظه دارم که به طور ناگهانی خبر شهادت مظلومانه قهرمان ملی را شنیدیم، از شدت ناراحتی یک نوع جوش دل برآیم پیدا شد و هم‌چنان احساس کردم که از شدت بعض گلویم آتش گرفت، شب‌ها بی‌خواب و روزها غم از دست‌دادن فرمانده مجاهدین و مقاومت‌گران آرام نمی‌گذاشت. به الله دست‌نیایش بلند کرده و صدا کردیم که خدایا پناه‌ما به تو و تو هستی که همه چیز را می‌سازی و همه کس را به منزل می‌رسانی. خداوند جای او را توسط کسی پُر کرد که ما کم‌بود زیادی از نبود احمدشاه مسعود شهید احساس نکردیم. مارشال فهیم به مردم جرأت داد و کاری کرد که کمبودی احساس نشود، در کم‌ترین فرصت خداوند جان‌شین قهرمان ملی را به‌ما داد و در این زمان حادثه یازدهم سپتمبر نیز رخ داد، خداوند دشمن را به واسطه دوست خودشان زد و برای ما موقع مساعد شد و مجاهدین و مقاومت‌گران بسیار به‌زودی به پیروزی رسیدند. از همان زمان همه مجاهدین و مقاومت‌گران در آغوش پُرمهر و در قومانده و فرماندهی مبتکرانه مارشال فهیم جای پیدا کردند و توانستند تا آخر زنده‌گی‌شان راه قهرمان ملی و آرمان او و همه مجاهدین افغانستان را به‌سر برسانند.

دوستان عزیز! قهرمان ملی کسی نیست که ما در موردش بگوییم به گفته شاعری:

عطر آن است که خود ببوید

نه آن‌که عطار بگوید

این‌ها کسانی استند که عزم و مجاهدت‌شان، شرافت و قهرمانی‌های‌شان آن‌ها را از شخصیت‌های ملی به شخصیت‌های جهانی تبدیل کرده است. این‌ها کسانی نیستند که تنها در کشور ما شناخت داشته باشند، بل که آن‌ها را روس‌ها در مجموع جهان می‌شناسد و کسانی بودند که به استکبار ضربه زدند.

به مجاهدین، رهروان و بازمانده‌گان‌شان لازم است که راه‌شان را تعقیب و ادامه دهند، آرمان‌های‌شان را به‌ثمر برسانند. باید از آن‌ها بیاموزیم و در شرایط ناگوار وارخطا نشویم.

به‌صراحت می‌گوییم که افغانستان میراث مجاهدین است و این کشور را مجاهدین آزاد ساخته است، این کشور مال مجاهدین است، یعنی ملت افغانستان مجاهد است. اگر تجاوزی در کشور صورت می‌گیرد، قسم به الله است که غیر از مجاهدین واقعی دیگر کسی آن‌را دفع کرده نمی‌تواند. این وطن را، خاک را و آرزوهای مردم آن‌را غیر از این قشر که واقعاً وابسته به کسی نبودند و فرزند اصیل این خاک بودند کسی دیگر نگه و برآورده کرده نمی‌تواند.

حاضرین گرامی! کسانی‌که از این تریبون صدای من را می‌شنوند، شاهد باشند که در افغانستان در زمان مقاومت همه نیروهای مقاومت‌گران از افغانسان بودند یک‌نفر خارجی در بین‌شان نبود،

برعکس در بین دشمن از هر ده نفر پنج نفرشان خارجی بود، که شامل پاکستان، کشمیر، چین و سایر کشورها بودند.

مردم مجاهد افغانستان در تاریخ ثابت کردند که مسلمان، ملی‌گرا و فرزند افغانستان بوده‌اند، از این خاک برخاسته بودند و از دین و تمامیت ارضی آن دفاع می‌کردند. علت آن این بود که سران‌شان واقعاً فرزند این خاک بودند، خودفروخته و فرستاده‌شده از کدام جای دیگری نبودند.

دوستان عزیز! جهاد و حرکت ما از قلب مردم افغانستان شروع شده بود، ولی متأسفانه دشمن ما که امروز در مقابل ما می‌جنگد، صادرشده از مناطق مختلف پاکستان مانند کوئته، پشاور و سایر نقاط آن کشور می‌باشد. زمانی که من معاون ولایت فراه بودم، اولین حرکت آن‌ها از مسیر بولدک صورت گرفت، دوران حکومت شهید استاد برهان‌الدین فقید بود که وارد ولایت قندهار شدند. اولین قیام در برابر آن‌ها در ولایت فراه به واسطه من صورت گرفته است. اولین کسی که در فرقه ولایت فراه جلسه‌یی را به اشتراک علما، متنفذین و اقوام فراه تشکیل داد من بودم.

به همه هشدار دادم که ای برادران! کسانی که به نام طالب آمده‌اند، دسیسه است، مجاهد نیستند، بل که اوباش‌ها اند و در لباس عالم و طالب آمده‌اند، گفتم که این‌ها خطرناک‌ترین و قاتل‌ترین گروه به مردم افغانستان استند. متأسفانه که عده زیادی از مردم حرف ما را نشنید و به نام این و آن برای‌شان جای دادند و در کوتاه‌ترین مدت تا مرزهای فاریاب و نزدیک ولایت کندز و بغلان رسیدند. تباهی‌های‌شان را مردم افغانستان دید که از این کشور چه ساختند، می‌بینید که چه قدر ما را از کاروان تمدن جهان عقب زدند، چه قدر مجاهدین را بدنام کردند و تا امروز به کشورمان بدترین بلا شده‌اند. تروریسم جهانی در کشور جای گرفت و باعث عبرت جهان شد، کسانی که در جهاد با مردم افغانستان همکاری بودند در زمان طالبان ما را فراموش کردند، دشمنان را آوردند و نتایج‌اش را هم دیدند که پنتاگون و مرکز تجارت جهانی چه طور منفجر شدند و هم‌چنان خطرانی را متوجه عالم بشریت کردند.

طالبان حکومت نمی‌سازند، اهداف و آرمان‌هایی ندارند که خدمت به مردم و اسلام باشد، بل که اهداف طالبان اهداف ساخته‌شده از طرف کشورهای بیرونی است، اهدافی دارند که برای ملت افغانستان زهر است. ما با مارشال فهیم فقید و قهرمان ملی افغانستان شهید احمدشاه مسعود و سایر شهدای بزرگوار و نام‌دار افغانستان سوگند یاد کردیم روزی که علم جهاد بلند کردیم وعده سپردیم که تا آخرین رمق حیات انشاءالله رهرو آرمان‌های‌شان استیم. نشستن بر ما حرام باشد تا زمانی که افغانستان یک کشور اسلامی، مرفه، آزاد و مستقل شود.

از توجه تان نهایت سپاس

السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته!



مجاهدین د ټول افغانستان افتخار دی

اسدالله شهباز-رئيس شورای ولايتی بغلان

نحمده و نصلی علی رسولہ الکریم. بسم الله الرحمن الرحيم

به نمایندگی از مردم بغلان و شورای ولایتی این ولایت سومین سالگرد رحلت برادر مجاهدان محمدقسیم فهیم مارشال کشور افتخار مردم و مجاهدین این مرزوبوم را به همه مردم افغانستان تسلیت می گویم. جای افتخار است که ما و مردم افغانستان از قهرمانی های مجاهدین کشور یاد بود می کنیم. از روزی تجلیل می کنیم که افتخارات آن به تمام مردم افغانستان تعلق دارد.

زه په لنده توگه به دوه موضوع کي اشاره کوم، هغه ده چی د افغانستان تاریخ، د افغانستان د مجاهدینو تاریخ، د افغانستان د ولسونو تاریخ که په گذشته کي وو یا که په آینده کي وي، د ټول مسلمانانو افتخار تاریخ ده. دا د مونږ ځوانانو د اوسنی نسل لپاره او د آینده نسل لپاره یو څه رهنمایی یا لارښود تاریخ چی زمونږ مشرانو او قهرمانانو او زمونږ شهیدانو مونږ ته لاپریښود. د هغوی د تاریخ نه مونږ ته یو درس او عبرت او لارښود ده چه د هغوی آرمانونه مونږ او تاسو ته میراث پاتی کیږی چه هغه تعقیب کو.

شهید قهرمان ملی احمدشاه مسعود یا شهید صلح استاد برهان‌الدین ربانی، حاجی عبدالحق شهید و سایر شهدای کشور که در راه حق، به خاطر استقلال کشور و آرامش مردم افغانستان جان‌های شیرین خود را از دست دادند و در هر نقطه‌ای این خاک با شهادت به خاطر اسلام و به خاطر وطن و عزت مردم آن مبارزه کردند. هیچ گوشه‌یی از افغانستان نیست که قربانی نداده باشد.

و من الله التوفیق



ولایت کندز



مارشال افغانستان پایه قوی مجاهدین بود

سخنرانی اسدالله امرخیل-والی کندز

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم. اعوذ بالله من الشطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.
حضار گرامی، مجاهدین گرانقدر، علمای کرام، اراکین دولتی، خواهران و برادران، السلام علیکم
و رحمۀ الله و برکاته!

امروز ما و شما در برنامه‌یی جمع شده‌ایم که یادبود از یک قهرمان جهاد صورت می‌گیرد، به نام
مارشال فهیم که مارشال افغانستان، مارشال مجاهدین و مارشال مسلمان‌ها است؛ مارشال کشور یک
شخصیت عادی نبود. روزی که افغانستان و نظام این کشور به اساس توطئه و دسیسه استعمار سرخ
به زنجیرهای سرخ بسته شد، کسی که این زنجیرها را شکستاند، کسی که استعمار سرخ را به شکست
روبه‌رو کرد و کسی که توانست تا به دنیا ثابت بسازد که یک ابر مرد یا یک سرلشکر اسلام هم در
میدان نبرد و هم در میدان سیاست پیروزی را به دست می‌آورد.

مارشال فهیم در میدان سیاست معاون رئیس جمهور این کشور بود و اگر عمر یاری می‌کرد،
حتماً روزی شخص اول این کشور هم می‌بود. به هر حال، مارشال فهیم یگانه کسی بوده که در وجب

و جب خاک افغانستان به خاطر دفاع و نجات مسلمان‌ها رزمیده و برای جهان اسلام و دنیا ثابت کرده که هر کسی پیروی دین خدا کند به نصرت پروردگار به هدف می‌رسد. این که وعده الله متعال حق است، فرموده که «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» سوره انبیا، آیه ۳۵ ترجمه: هر نفسی چشنده مرگ است. همان معیاری که الله برای بنده‌اش تعیین می‌کند و زمان ختم همان معیار را نیز معین کرده است. اگر پادشاه و یا گدا باشد، ظالم یا مظلوم باشد، مجاهد، عالم و یا عوام باشد، هر کسی که باشد جهان فانی را وداع خواهد گفت. هر کس به وقت و زمانش روان است. مارشال فهیم کسی بود که در نتیجه مبارزات در جهاد به درجه مارشالی رسیده بود و مارشال این کشور بود، رفتنش حتماً بالای مجاهدین تأثیر خود را داشت.

من می‌گویم که پروردگار از برکت این مردم پیروزی را هم به بازمانده‌ها و رهروانش نصیب می‌کند. از مارشال یک اکادمی باقی مانده است که حال شاگردان او در همان سنگری که جنگیده بود از همین خاک و ملک دفاع می‌کنند و شاید این اکادمی تا زمانی که افغانستان آباد است، همان‌طور آباد بماند. هر مجاهد آماده است تا در این اکادمی خود را شامل بسازد، به این وطن خدمت کند و ثوابش مستمر به مارشال می‌رسد.

مارشال افغانستان واقعاً یک پایه بسیار قوی مجاهدین بوده است؛ هر کسی که پیرو خط او و جهاد باشد پیروز است چرا که او هم در مکتب جهاد کلان شده بود، تحت رهبری خردمندانه استاد برهان‌الدین ربانی شهید صلح در این تنظیم کار کرده و مستقیماً در جبهه تحت قیادت احمدشاه مسعود شهید که واقعاً یک مکتب جهاد بود، کلان شده و پیرو خط او بود. هر کسی که دعوای جهاد و اسلام را می‌کند و واقعاً خود را مجاهد و یا اولاد مجاهد می‌داند، این‌طور مردم تاریخ‌ساز را باید فراموش نکند.

ما دعوای تاریخ چندین هزار ساله افغانستان را می‌کنیم، در تاریخ ما به جز از دو دوره دیگر هیچ موردی که بالایش افتخار کنیم نداریم؛ یک دوره‌اش این بود که از انگلیس‌ها آزادی خود را به دست آوردیم، البته به سرکرده‌گی امان‌الله خان و دوم دوره‌یی که تاریخ ما را مزین ساخته است، پیروزی مجاهدین در برابر استعمار سرخ بود که زنجیرهای سرخ را شکستاندند و سرانجام آزادی را کسب کردند که این تاریخ زرین افغانستان است، دنیا هم آن را نمی‌تواند فراموش کند. این تاریخ، تاریخی بوده که یک ابرقدرت دنیا با زنجیرهای سرخش می‌شکند، تمام مکتب و دارو ندار ابرقدرتی از بین می‌رود و با ذلت از افغانستان بیرون می‌شود. یک جنرال شوروی سابق به نام (گروموف) با خود چیزی می‌گوید و خبرنگار از او می‌پرسد که چه می‌گویی، نتوانستم صداقت را بشنوم؟ می‌گوید، روس‌ها در تاریخ بنویسند که دوباره این اشتباه را تکرار نکرده و هیچ‌گاه نیت مداخله را به افغانستان نکنند، این حرف‌ها در نتیجه زحمات مردانی مانند مارشال افغانستان بود که از وطن به نصرت پروردگار و پیمانی که با الله متعال بسته بودند، صادقانه تلاش کردند و دشمن را شکست داده و از وطن بیرون کردند.

چند روز پیش روس‌ها اعلام کردند که با دشمنان افغانستان که طالبان استند همکاری می‌کنند،

به‌خاطری که گروه داعش جای‌شان را نگیرد، اما مسأله طالب و یا داعش نیست، بل که داعش و طالب یک سکه با دو روی‌اند. اما این کار روس‌ها به‌خاطر این است که مردم افغانستان را به بهانه‌های مختلف استعمال کنند و انتقام خود را بگیرد. ما به این باوریم که روس‌ها دیگر هیچ‌گاهی کوشش به مداخله در مورد افغانستان را نکنند، روس‌هایی که تا دیروز مبارزه کمونیستی چین را غلط ثابت می‌کردند و با آن مخالفت داشتند تا مجبور می‌شود تا به‌طرف چین دست دراز کند و با چین، ایران و پاکستان خود را متحد سازد تا از مردم افغانستان انتقام گیرد.

صداقت، ایمان‌داری، وفاداری و قراردادی که ابرمردان ما با پروردگار خویش داشتند، اگر پیروان و بازمانده‌گان‌شان از آن راه پیروی کنند، در مقابل مستکبران و ظالمان کامیاب خواهند شد. آروزهای این‌ها هیچ‌گاهی خاک نمی‌شود، بل که پوره‌شدنی است. پروردگار ذات غیور است، همان کمی و کاستی که ما داشتیم از پروردگار توفیق می‌طلبیم تا آن‌را رفع و اصلاح کند. آرمان مجاهدینی که از دنیا رفته‌اند آمدن یک حکومت اسلامی سرتاسری که در آن امنیت باشد و مردم افغانستان خود را در آن نظام ببینند، بوده است؛ الله متعال مردم افغانستان را به این آرمان می‌رساند.

افتخار می‌کنیم که چنین ابرمردانی تاریخ افغانستان را در دنیا زنده ساخته‌اند و دنیا که تا این اندازه به‌طرف کشورما میلان دارد، از برکت جهاد این مردان بوده است. کشورهای خارجی به‌خصوص کشورهایی که خاصیت‌های استعماری دارند، از مردم افغانستان می‌خواهند تا گروه‌های تروریستی را از بین ببرند، همان‌طوری که قشون سرخ را از بین بردند. دنیا از شما توقع دارد و شما قهرمانی خود را به آن‌ها ثابت کرده‌اید و مردم افغانستان است که این کار را کرده می‌توانند، این رسالت را بازمانده‌گان این ابرمردان است که باید انجام دهند، تروریستان را در این کشور دفن کنند و دنیا را از شرشان نجات دهند و انشاءالله شاهد آن روز خواهیم بود.

هرچند در مورد این ابرمرد هر چه قدر که تبصره کنیم، کم است، فقط همین قدر می‌گوییم که پروردگار به یاران و به تمام شهدای دوران جهاد جنت فردوس نصیب و به بازمانده‌گان‌ش صبر جمیل نصیب کند و به پیروانش توفیق دهد تا آرزوهایش را عملی کنند و به همه‌ما الله متعال توفیق دهد تا اتحاد و اتفاق بین خود به‌وجود آوریم.

دشمنی که با انسان اعلام دشمنی کرده است و دین مبین اسلام را بدنام می‌سازد، پرورگار توفیق نصیب‌مان کند که این دشمن اسلام و انسانیت و دشمن تاریخ افغانستان را در این سرزمین دفن کرده و کشور را برای‌شان قبرستان بسازیم و اسلام و افغانستان و جهان را از شرشان نجات دهیم.

در آخر، بالای‌شان صدا می‌کنم که در برابر مجاهدین و لشکر پروردگار اگر ایستاده می‌شوید، الله متعال شما را ذلیل می‌سازد، بهتر است تا توبه کنید و به‌عنوان صلح به اسلام واقعی و با مردم افغانستان یک‌جا شوید و در غیر آن، نابود می‌شوید و این لکه ننگ برای فامیل‌تان برای ابد باقی می‌ماند. بیایید بزرگان شما، قهرمان‌های شما برای‌تان یک تاریخ زرینی را ساخته است. شما هم شریک آن تاریخ شوید تا آرزوی مردمان و قهرمانان ما برآورده شود که همانا صلح سرتاسری کشورما است.

از الله متعال مشکور استم که شمار زیادی از مردمان در این نوع گردهمایی از بزرگان، اشتراک کرده‌اند و اگر این محبت به بزرگان نزدما و جوانان ما موجود بود، انشاءالله آرمان‌های ما پوره خواهد شد.

و من الله التوفیق



مارشال فهیم آزادی افغانستان را می‌خواست

امرالدين ولي-رئيس شوراي ولايتي كندز

رفتى زجهان اگر چه اى روح خدا

ليكن علمِ مهر تو برياست هنوز

يك بار ديگر از آدرس مردم سالگرد درگذشت يگانه مارشال كشور را به تمام مردم مجاهد و سلحشور كشور خاصاً به مردم رنج‌ديده و باعزت ولايت كندز تسليت عرض مى‌كنم. به‌همه‌گان معلوم است كه مردان قهرمان و سنگردار مرتبط با همان مرز و بوم مى‌شوند، سمت‌وسويى ندارند و شخصيت‌هاى ملي است كه آنها قهرمان مى‌شوند.

مارشال تنها مارشال يك آدرس، يك مكتب و يك منطقه نبود، بل كه مارشال همه مردم افغانستان و مجاهدين اين كشور بود. شخصيت مبارز و متدين و كسى كه روى تبعيضى كه امروز مردم ما را بى‌چاره ساخته است، خط بطلان كشيده بود. او فقط آزادي كشور و مردم اين مرز و بوم را مى‌خواست، يگانه هدفش بود و به آن رسيد. به همه معلوم است كه جنگ، نفاق و بى‌چاره‌گى راه حل نيست، بل كه يگانه راه حل هم‌سويى و يك‌پارچه‌گى است. شعارهاى اخير مارشال فهيم اين بود كه

او به طرف مردم خود و آدرس‌هایی که مردم را با نام‌های گونه‌گون به سمت و سویی می‌کشاند و از هم جدا می‌سازد، صدا می‌کرد که بیایید با هم یک‌جا شویم و به خاطر صلح کار کنیم و نگذاریم تا دست بیگانه‌ها بالای مردم و کشور ما کار کند. با تأسف که به این هدف به شکل درستش نایل نیامده‌ایم.

یک چیز را باید بگویم که اگر حضور فیزیکی هم چون قهرمان‌ها امروز نیست، اما هدف‌شان، وطن‌دوستی و به خاطر حُرمت، وقار و عزت این وطن می‌رزمیدند، در رگ‌رگ مجاهدین و کسانی که می‌خواهند به خاطر سربلندی افغانستان کار کنند، زنده است و این اندیشه را حالا هم در ذهن خود می‌پرورانند.

این‌که ما به هر طرف رفتیم و مشکلاتی به خود و مردم و میهن خود پیدا کردیم، از آن منشأ می‌گیرد که نتوانستیم تا آن‌چه اندیشه‌های صیقل‌شده‌ی را که آن بزرگواران که تاریخ را رقم زدند به ما به ارمغان آوردند صیقل دهیم. اما با تأسف به قول شاعری که می‌گوید:

تا شود اندیشه قومی خراب

ناسره گردد به دستش سیم ناب

سیم نابی را که برای ما عرضه کردند، اما به‌خاطری که اندیشه‌های ما به طرف این و آن رفت، میلیون‌ها هم‌وطن را شهید دادیم تا آن بدبختی از سر ما دور شود، ولی با تأسف که دوباره دامن‌گیر ما شده است. متوجه باشیم که سنگر داغ به خاطر حراست و حفاظت همیشه پابرجا است و کسانی هم استند که باید این راه را تعقیب کنند و این کار جزء رسالت ایمانی و وجدانی هر انسان آزاده است. ما نسل جوان مدیون مبارزه و فداکاری‌های همه مجاهدین افغانستان هستیم، مارشال فهیم یکی از مجاهدین این مرز و بوم بود، او به خاطر عزت مردم خود تلاش و فداکاری‌های زیاد کرد.

خواست من به نماینده‌گی از مردم این است، به خاطر این‌که همیشه پرچم این مکتب بلند باشد، این اندیشه‌ها و خط مشی برای جوانانی که می‌خواهند آزادانه و رسالت‌مندانه زنده‌گی کنند، زنده باقی بماند، باید ادای مسئولیت کنیم. حد اقل با وجودی که به طرف انکشاف و ساخت‌وساز پیش می‌رویم، منار جهاد و مقاومت باید ساخته شود و باید برای ساخت‌وسازش از یک آدرسی که از نظر ما و شما مناسب باشد، کوشش صورت گیرد. در آن منار از شخصیت‌های ملی و مبارزما در سطوح مختلف چه در سطح کشور و ولایت یادی شده و کارنامه‌هایش درج شود. یک بار با خود فکر کنیم که ما از نسل چه کسانی هستیم؟ به قول شاعری که می‌گوید:

هر ملتی که زنده کند نام بزرگان

در مجمع اقوام سرفراز بماند

ما باید نام بزرگان خود را با کارنامه‌های‌شان زنده نگه داریم. ما می‌توانیم مناری، پارکی و یا هر چیز دیگر به نام این رادمردان داشته باشیم و در سطح کشور مانند قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه

مسعود، مارشال افغانستان، شهید صلح استاد برهان‌الدین ربانی و سایر بزرگواران و شهدایی که به سطح ولایات مردم عزیز کندز دارند باید نام آنها زنده بماند. جوانان ما باید بدانند که ما چه شخصیت‌هایی داشتیم و آنها را از دست دادیم و این زنده‌گی نسبتاً آرامی را که داریم و شب و روز خود را سپری می‌کنیم. اکنون هم مخالفین مردم ما نمی‌گذارند که نفس راحت بکشیم، ثمرهٔ مجاهدت، تلاش و ایثار چه کسانی است، باید این مسائل را بدانیم، پس خوب است وقتی که یادی از این قهرمانان، جهاد و مقاومت می‌شود و یادبود می‌کنیم، حدِ اقل برنامه‌یی را در نظر بگیریم و تا سال آینده آن را انجام دهیم.

شعار مجاهدین بود که می‌گفتند:

قلهٔ اسلام قلب آسیا

جاودان آزاد خاک آریا

زادگاه قهرمانان بزرگ

سنگر رزمنده مردان خدا

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته!



مارشال افغانستان یکی از قافله سالاران کاروان مجاهدین بود

عبدالحمید حمیدی-فرمانده پولیس کندز

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. «الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا...» سورة عنكبوت، آية ۶۹ ترجمه: کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند، یقیناً راه‌های خود را می‌نمایانیم...

ضمن درود و تحیات بر روان پاک همه شهدای گلگون‌کفن همه شهدای انقلاب اسلامی افغانستان که با نثار کردن خون پاک خود در پیشگاه احدیت نهال آزادی و استقلال کشور را بارور ساختند، سومین سالروز رحلت مارشال محمدقسیم فهیم را به همه تسلیت عرض می‌کنم.

دوستان گرامی!

هر موجود زنده که پا در صحنه حیات می‌گذارد، اولین قدمی را که برمی‌دارد و حرکتی می‌کند در حقیقت، رهرو منزل مرگ است و بر اساس همان آیه‌یی که الله متعال می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» سوره انبیا، آیه ۳۵ ترجمه: هر نفسی چشنده مرگ است. بر اساس وعده خداوند زمانی که اجل فرا می‌رسد نه یک ساعت پیش می‌شود و نه پس. در فاصله‌یی که انسان بین زنده‌گی و مرگ قرار دارد، یک مرحله ابتلا و آزمایش بوده که انسان هر لحظه در آزمایش الله متعال قرار دارد. میزان

ارزشی حضور انسان در جامعه بر می‌گردد به میزان موفقیت انسان در ابتلاهای الهی. انسان به هر اندازه‌یی که در امتحان الهی کامیاب می‌شود، به همان اندازه جای‌گاه حضوری انسان در جامعه شکل می‌گیرد. چون انسان موجود اجتماعی است، گاهی اوقات ابتلاهای الهی گاهی فردی می‌باشد و گاهی هم اجتماعات بشری مورد امتحان الله متعال قرار می‌گیرد، چنان‌چه عملاً من و شما دیدیم که تجاوز قشون اتحاد جماهیر شوروی سابق چند دهه پیش یک آزمون بزرگ الهی بود که ملت افغانستان مورد ابتلای الهی قرار گرفت. به لطف الله متعال که مردم مسلمان و غیور و مجاهد افغانستان با رشادت و پای‌مردی در برابر این تجاوز مردانه ایستاد شدند و مقاومت کردند تا سرانجام به اثر این مقاومت و پای‌مردی فتح و نصرت نصیب مجاهدین شد و یک امپراتوری شکست‌ناپذیر به شکست مواجه شد.

با شکست امپراتوری شوروی وقت بزرگ‌ترین حماسه قرن توسط مجاهدین افغانستان رقم خورد. مارشال محمدقسیم فهیم و سایر رهبران بزرگ جهاد از جمله کسانی بودند که قافله‌سالار کاروان مجاهدین بودند، در این راه زحمات و تکالیف زیادی را متحمل شدند. گاهی اوقات که ما به‌خاطر بزرگداشت از یک شهید و یا شخصیتی دور هم می‌نشینیم هر چیزی که در قسمت شهید خلاف علم بگوئیم خوب نیست، الله متعال می‌فرماید، در قسمت شهید نه گمان کن و نه بگو که او مرده است. جای‌گاه و عاقبت شهید معلوم است، منتها وقتی که در مجلسی اشتراک می‌کنیم و یادبودی از شخصیتی می‌کنیم، در حقیقت یک نوع اظهار تعهد با آرمان او می‌کنیم.

شخصیت‌های ما که رفتند و در زنده‌گی کارنامه‌یی را از خود جا گذاشتند و خاطره‌هایی نیز از آن‌ها داریم، این‌که به ابدیت پیوستند معامله الله متعال با آن‌ها است که متناسب با اعمالی که در زنده‌گی انجام داده‌اند، صورت گرفته است، اما این‌که ما نسبت به آرمانی که آن‌ها داشتند چه تعهدی داریم و چه می‌کنیم مهم است.

خوش‌بختانه یکی از عوامل پیروزی مجاهدین در برابر یک ابرقدرت تایید و نصرت الهی بوده است، به دلیل این‌که وسایل و امکانات جزء توکل است، اما انجام کار را خداوند رقم می‌زند. اسباب انجام کار را رقم نمی‌زند، اما جزء وسایل توکل است. انجام کار را الله متعال به این دلیل رقم می‌زند که صف‌ما شایسته‌گی نصرت الهی را داشته باشد. متأسفانه ما مجاهدینی که مورد تایید و نصرت الهی قرار گرفتیم و یک امپراتوری توسط یک ملت مظلوم و یک ملت پابرنه به شکست مواجه می‌شود، اما به عزتی که الله متعال به ما داده بود نفهمیدیم و قدر آن را ندانستیم.

الله متعال ما را عزیز جهان ساخت، اما به آن پی نبردیم، از هدف خود دور شدیم و از آرمان خود فاصله گرفتیم، از دین هم فاصله گرفتیم و سرانجام، مصیبت‌های گونه‌گون نصیب ما شد. وعده الله متعال است که می‌گوید، زمانی که شما را از یک مشکل خلاص کردم، از تنگ‌نای زنده‌گی نجات‌تان دادم در صورتی که شکر نعمت را نکشیدید از بالا و پایین برای‌تان عذاب نازل می‌کنم و شما را متشتت و پراکنده می‌سازم. این چیزی است که ما و شما عملاً آن‌را می‌بینیم، همه‌اش نتیجه کفران نعمت‌های خدادادی است.

حرکت‌هایی که زیر عنوان جهاد و هر عنوان دیگری که است بر ضد این نظام به راه انداخته شده است، ابتدای این حرکت‌ها همان است که به خاطر سرنگون شدن حکومت جهاد شروع شده بود. ملتی که یک‌ونیم میلیون شهید را در راه خدا تقدیم می‌کند، در مقابل چند تا شخصیت و افراد بی‌هویت و ناشناخته، آله و ابزار دست بیگانه که در برابر مردم قیام و حرکت می‌کند که گویا اسلام را به ما یاد و نشان می‌دهد، نمی‌تواند ایستاده‌گی کند؟ همه علل آن این است که ما از اسلام فاصله گرفتیم، اعمالی را مرتکب شدیم که اگر تا دیروز خودما این اعمال را می‌دیدیم بالای آن شخص فاعل فتوا صادر می‌کردیم و به عنوان اخلاق رذیله و ضد اسلام مجازاتش می‌کردیم. بدبختانه ما نتوانستیم هویت و جای‌گاه شخصیتی خویش را حفظ کنیم.

الله متعال همه ما را توفیق دهد، وقتی که در مجلس بزرگداشت از شخصیت‌های خویش می‌نشینیم و زمانی که از هر کدام این شخصیت‌ها یاد می‌کنیم احساس آزادی، عزت و غرور را در وجود ما زنده می‌کنند و ما را به آن روزگاری می‌برند که جای‌گاه شخصیتی ما در کجا بود، عزیز جهان شدیم، همه مسلمانان در بند جهان چشم امید به طرف مجاهدین داشتند، این‌که فردای آن حکومت مردم توسط شمشیر جهاد به وجود می‌آید، یگانه حکومتی که مایه امید آن‌ها باشد تا مشکلات خود را از طریق این حکومت حل کنند؛ اما بدبختانه نتوانستیم جای‌گاه خویش را حفظ کنیم.

از الله معتال توفیق آن‌را می‌خواهیم که یک بینش اسلامی برای ما نصیب کند، متوجه به خود شویم، شرایط کشور خود را ببینیم، جای‌گاه خود را درک کنیم، چرا در دنیایی که ما و شما زنده‌گی می‌کنیم، قانون حاکم در جهان هستی طوری است که همه تحولات در زنده‌گی به تناسب اعمال خودما رقم می‌خورد، هر حالتی که در زنده‌گی ما می‌آید بسیار ساده‌لوحانه است که از دیگران گله کنیم، در حالی که همه گله از خود ما است، خودما بودیم که بستر ساختیم و خود بودیم که زمینه را فراهم ساختیم، خودما بودیم که منازعه و کشمکش کردیم، حیا باشد، چهارتا شغال آمد و به جسدم‌ا حمله‌ور شد.

از خداوند هم برای خود توفیق اعمال صالح می‌خواهم و هم به شما. الله متعال ما را توفیق اعمالی نصیب کند تا صف‌ما شایسته‌گی نصرت الهی را حاصل کند که در زیر سایه رحمت خداوند شاهد یک کشور آزاد و دارای صلح و امنیت باشیم تا حد اقل چند صباحی را که در قید حیات به سر می‌بریم، لذت زنده‌گی و بهبود حیات را در خود احساس کنیم.

والسلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته



مارشال افغانستان برای ایجاد نظام عادلانه و مبرا از تبعیض و تعصب جنگید

عبدالشکور قردان-رئیس رادیو تلویزیون ولایت کندز

بسم الله الرحمن الرحيم. قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود چهره تکرار ناپذیر تاریخ افغانستان تجسم عینی جهاد و مقاومت و مبارزه آزادی خواهانه مردم افغانستان می باشد که ارزش آفریده است و خود به ارزش تبدیل شده است. مارشال محمدقسیم فهیم یکی از این شخصیت های غیور، مصمم و آگاه و از درخشان ترین چهره های افتخار آفرین عرصه جهاد و مقاومت مردم افغانستان در برابر تجاوز ارتش سرخ و هجوم تروریسم بین المللی می باشد که سال های طولانی در کنار شهید احمدشاه مسعود و همگام با او برای پاس داری از عزت و نوامیس مردم و برای حفظ تمامیت اراضی افغانستان رزمید.

مارشال فهیم در مدیریت و رهبری نظام مدیر مدبر، قاطع و هم چنان در عرصه جنگ فرمانده صادق، باشهامت و سرافرازی بود که از متن سنگین ترین جنگ دشمنان افغانستان پیروز و سربلند بیرون آمده و خواب و خیالات آن ها را نقش بر آب کرده است. مارشال فهیم، تجربه آموخته مکتب شهید احمدشاه مسعود بود که ایثار و فداکاری و افغانستان دوستی اساس این مکتب را شکل می دهد.

پس از شهادت قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود که سایه دشمنان مردم افغانستان بیش از همیشه بر سرنوشت مردم سنگین تر گردیده بود، مارشال فهیم مقاومت نیروهای دولت اسلامی افغانستان را در برابر سپاه طالبان، القاعده و حامیان بیرونی آنها فرماندهی کرد که در حقیقت پیروزی نیروهای بین‌المللی در برابر تروریسم بین‌المللی و هم‌چنان استحکام دولت بعد از طالبان مرهون و مدیون شهامت و فرماندهی مارشال فهیم می‌باشد.

بخش بزرگ حماسه‌های جهاد و مقاومت مردم افغانستان با نام مارشال فهیم گره خورده است که هنوز خطوط و سنگرهای مقاومت در کوه‌پایه‌های هندوکش طنین گام‌های استوار او را فریاد می‌کشند. همان‌گونه که اشاره شد، مارشال فهیم برعلاوه داشتن استعداد و مهارت بلند فرماندهی در جنگ‌های متعارف و نامنظم سیاست‌مدار مجرب، مدیر مدبر و کارفهم در عرصه رهبری و اداره دولت بود.

او به‌عنوان معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر دفاع در دولت بعد از طالبان معمار اردوی ملی نوین افغانستان می‌باشد که در واقع با تلاش‌های خسته‌گی‌ناپذیر، با استفاده از تجارب و دانش گرانسنگ خود در عرصه نظامی بستر تشکیل اردوی ملی معاصر افغانستان را فراهم آورد. مارشال محمدقسیم فهیم همان‌گونه که در پاس‌داری افغانستان و ارزش‌های مردم آن مظهر ایثار و شهامت به حساب می‌رفت، در برابر دوستان خود نیز مظهر فداکاری و جوان‌مردی محسوب می‌شد. صداقت و وفاداری او نسبت به مسعود شهید و آرمان‌های او نمادی از صداقت در برابر آرمان‌های مردم افغانستان می‌باشد که بارها این صداقت را به نمایش گذاشت.

در میان دوستان و هم‌زمان سال‌های جهاد و مقاومت او معروف است که هرگاه در میدان‌های نبرد خطری متوجه مسعود شهید می‌گردید، مارشال فهیم اولین کسی بود که این خطر را با نقد جان می‌خرید. اما متأسفانه به دلیل کم‌مهری دوستان و کینه دشمنان هر از گاهی تلاش شد تا بر افتخار آفرینی‌ها و فداکاری‌های ماندگار او پرده آویزند. دشمنان مردم افغانستان تلاش کردند تا با استفاده از تمام توان و امکانات خدمت‌گذاری‌ها و افتخارآفرینی‌های این سردار جهاد و مقاومت مردم را در پرده‌های ضخیم پنهان کرده و جهاد و مقاومت او را برای پاس‌داری از ارزش‌های مردم کم‌تر بها دهند. اما مارشال فهیم یک عمر جنگید و افتخارآفرینی جنگ‌ها را مدیریت و رهبری کرد.

مارشال کشور برای دفاع از مرز و بوم این کشور و برای پاس‌داری از نوامیس و ارزش‌های مردم و برای تأمین حقوق مردم و ایجاد نظام عادلانه و مبرا از تبعیض و تعصب جنگید. به کوری چشم دشمنان مارشال فهیم به عنوان فرزند صدیق این وطن پرچمدار سرفراز جهاد و مقاومت در برابر دشمنان مردم افغانستان بود که هنوز در قلب میلیون‌ها انسان این سرزمین خانه دارد.

مارشال فهیم، این ابرمرد تاریخ افغانستان و نماد خوب وحدت ملی رفتار، تفکر و اندیشه‌هایش از همان نخستین روزهای پیوستن به جهاد مرزهای قومی و منطقه‌ای را در هم شکستاند که جهاد و مقاومت او در برابر دشمنان افغانستان در واقع داعیه برحق تمام مردم افغانستان بوده است. زیرا

او اولین روزهای جهاد را در برابر نظام تحمیل شده از سوی شوروی سابق از ولایت کنر و در میان دوستان خود در شرق افغانستان شروع کرده است، این خود نماد مبارزات فراقومی او برای عزت و سربلندی افغانستان می‌باشد. مارشال فهیم همان‌گونه که در زادگاه خود عزیز و مکرم است، به همان اندازه در میان سایر اقوام افغانستان عزیز شمرده می‌شود و مورد احترام قرار می‌گیرد.

دشمنان مردم افغانستان در این راستا نیز تلاش ورزیدند تا با تبلیغات پیوسته او را منحصر به یک منطقه ساخته و از سایر مردم افغانستان بریده نشانند دهند. در حالی که او برای عزت و صیانت از ارزش‌های مردم افغانستان رزمید و در میان مجاهدین از تمامی اقوام جایگاه شایسته و مانده‌گاری برای خود کسب کرد، جهاد و مقاومت او فریاد تمام ستم‌دیده‌گان این سرزمین بوده است. زنده‌یاد مارشال محمدقسیم فهیم بعد از پیروزی مجاهدین به‌عنوان وزیر امنیت دولت اسلامی افغانستان نیز مصدر خدمات ارزنده برای افغانستان بود و دسایس بیگانه‌گان به‌خصوص کشورهای همسایه را نقش بر آب کرد.

نقش مارشال فهیم در این دوران از نقش او در دوران جهاد و مقاومت کم‌تر نیست بسیار اند کسانی که در منصب و اقتدار مهم سیاسی قرار می‌گیرند، از مردم فاصله می‌گیرند و غرق غرور کاذب می‌شوند، اما مارشال فهیم در اوج اقتدار سیاسی و نظامی همواره با مردم بوده و هیچ‌گاهی فریفته امکانات و قدرت نگردید. او به‌عنوان همکار و هم‌باور مسعود شهید قدرت و نیرومندی خود را در تماس نزدیک با مردم و در بودن با مردم می‌دانست.

سه سال از روز غمگینی می‌گذرد که با اقتدارترین سیاستمدار افغانستان مارشال محمدقسیم فهیم از جهان رفت. در سه سال نبود مارشال افغانستان این کشور با نابسامانی‌های زیادی روبرو شد که به قول آقای محمداشرف غنی شاید در بودنش این مشکلات کم‌تر می‌بود.

مارشال فهیم نمادی از هم‌بستگی و سازنده‌گی بود، سه ساله‌گی عروج ملکوتی مارشال فقید تسلیت باد

مارشال افغانستان دین خود را موفقانه ادا کرد

محبوب‌الله سعیدی-ولسوال امام صاحب-کنند

بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام و درود حضور حضار گرامی!

مارشال محمدقسیم فهیم فارغ دارالعلوم عربی کابل بود و هر کسی که برای کسب علوم، خصوصاً علوم اسلامی تلاش می‌کند، عبادت محسوب می‌شود. هم‌زمان با فراغتش مبارزات مسلحانه و غیرمسلحانه در مقابل تجاوزی که بالای مردم افغانستان صورت گرفته بود، آغاز می‌شود و مارشال فهیم فقید یکی از جمله کسانی است که به پاکستان می‌رود و بعداً به‌منظور آغاز مبارزات برای دفاع

از نوامیس ملی و تمامیت ارضی وارد افغانستان می‌شود که این دوره نقش مارشال در جهاد می‌باشد. مارشال فقید جهاد را از ولایت کنر شروع می‌کند و همه ما شاهد هستیم که مارشال نقش برانزنده و چشم‌گیر در جهاد افغانستان داشته است.

مارشال فهیم در دوران جهاد نیز یک شخصیت ملی بوده است. زمانی که جهاد را از کنر شروع می‌کند در تمام ولایات شمالی افغانستان و در ولایات شرقی کشور به مجاهدت می‌پردازد، این نمایانگر شخصیت ملی مارشال فهیم را در دروان جهاد نشان می‌دهد.

دوران نقش‌آفرینی دیگر مارشال فهیم در دوران مقاومت بوده که خودما هم تا جایی شاهدش بود که مارشال فهیم فرمانده عمومی سوق و اداره زون شمال‌شرق حتا شمال افغانستان در دوران مقاومت در ولایت تخار بود، این زمانی است که نقش مارشال بسیار برانزنده بوده البته زیر قیادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور، کسانیکه در این دو دوره شاهد بودند، بهتر میدانند و لازم به توضیح بیشتر نیست. آنچه که بسیار مهم است و باید بالایش بحث صورت گیرد این است که مارشال افغانستان بعد از شهادت احمدشاه مسعود شهید چه‌گونه این مقاومت را به پیروزی رساند، باید تحقیق شود.

مارشال فهیم موسس نظام نوین در افغانستان است. زمانی که حادثه یازدهم سپتمبر اتفاق افتاد و دو روز پیش از آن امر صاحب شهید شد مارشال با دلیری، جسارت و مدیریت خوب مقاومت را رهبری کرد و دین خود را موفقانه ادا کرد.

در ساختن نظام تلاش و صبر زیاد نیاز است که مارشال فهیم چنین کاری را کرد. گذشت مارشال فهیم را هم می‌توان از جمله نادرات خواند، به‌خاطر این که سال‌ها مجاهدت، مبارزه، زحمت، زخمی‌شدن‌ها و شهیددادن‌ها و سرانجام پس از پیروزی با رضایت خود بپذیرد تا به‌خاطر صلح همیشه‌گی نفر دوم در حکومت باشد که نشان‌دهنده تحمل زیاد است.

مارشال فهیم زیر قیادت شهید صلح استاد پروفسور برهان‌الدین ربانی، اولین انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را در تاریخ افغانستان بنیان می‌گذارد، این کار ساده‌یی نیست. شما می‌دانید که تمام امکانات هم در آن‌زمان در اختیار مارشال و هم‌سنگران‌ش قرار داشت، هم از لحاظ نظامی و هم از لحاظ زمینه‌های دیگری که در کابل و سایر ولایات افغانستان بود.

او واقعاً که موسس نظام نوین در افغانستان است، وقتی که او این نظام را در کشور بینان‌گذاری کرد بسیار کارهای دیگری را که نظام را می‌سازد مانند قانون اساسی، پارلمان و انتخابات و سایر نهادهای دموکراتیک را نیز بنا نهاد.

هیچ‌کسی در این شک ندارد که مارشال فهیم موسس اردوی نوین در افغانستان بوده است و هم‌چنان نقش کلیدی در تصویب قانون اساسی در افغانستان داشت و نقش اساسی در انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری نیز داشت، این کارها نظام را تکمیل می‌کند. کارنامه‌های مارشال فهیم در تحولات اخیر و هم‌چنان در حکومت‌داری نوینی که ما و شما امروز شاهد آن هستیم بسیار زیاد است.

مورد دیگری را که در ارتباط به مارشال مرحوم بسیار فشرده باید به عرض برسانم این است که خیلی از مردم شاید در مورد شخصیت مارشال فهیم تصوّراتی داشته‌اند، اما زمانی که با مارشال فهیم ملاقات می‌کردی و با او شناخت می‌داشتی شخصیت او چیز دیگری بود تا مردم از دور تصور داشتند. از چند مورد در باره شخصیت او یادداشت کرده‌ام که یکی در مورد دین‌داری مارشال فهیم است که او بسیار برازنده‌تر نسبت به کسان دیگری می‌باشد.

مورد دیگر اندیشه ملی مارشال فهیم می‌باشد که من به‌طور مثال از یک مورد یاد می‌کنم، از زمانی حکومت عبوری تا وقت رحلتش کسانی را که در کندز تعیین کرده منصوب به قومیت خودش نبوده است. چون ما در کندز استیم و از سالگردش تجلیل می‌کنیم، از همین جا هم مثال می‌دهیم؛ در زمان معاونت اول ریاست‌جمهوری‌اش، آمر لطیف را به‌هیئت والی در ولایت کندز تعیین کرد، بعد از او انجینیر عمر شهید، پس از او انورخان جگدلک که در قید حیات است و یکی از شخصیت‌های ورزیده کشور می‌باشد و بعد از او حاجی غلام‌سخی بغلانی که از قوم خودش نبوده‌اند، این‌ها دید فراقومی بودن او را نشان می‌دهد و شما هم شاهد استید.

در یکی از جلسات که من هم حضور داشتم حدود دو ماه پیش از رحلتش بود، این جلسه را در باره انتخابات برگزار کرده بودند و در آن جلسه گفت که شما تلاش نکنید تا انتخابات را به‌طرف دو قطبی‌شدن و قومی‌شدن ببرید، شما باید ملی فکر کنید و هر کسی مربوط به هر قومی که باشد به منفعت مردم کشور بود و به مردم افغانستان فکر می‌کرد و هم‌چنان ملت افغانستان در اطراف او جمع می‌شدند، به همان شخص رأی دهید.

و من الله التوفیق



ولایت کاپیسا



مرحوم مارشال فهیم بعد از شهادت احمدشاه مسعود در رأس نیروهای مجاهدین قرار داشت

سید خالد هاشمی-والی کاپیسا

الحمد لله والصلاة على رسول الله

بسم الله الرحمن الرحيم.

به محفل بزرگداشت از سومین سالگرد رحلت مارشال محمدقسیم فهیم خوش آمدید. شما بزرگان، متنفذین و مجاهدین در جریان استید که مرحوم مارشال فهیم در سه دههٔ اخیر در جهاد و مقاومت از خود دلیری و شجاعت نشان داده بود. بعد از شهادت احمدشاه مسعود در رأس نیروهای مجاهدین قرار داشت. در نظام جدید بعد از پیروزی مقاومت مردم افغانستان به‌عنوان معاون اول ریاست‌جمهوری و وزیر دفاع افغانستان ایفای وظیفه کرد. مارشال تمام عمر خویش را به‌خاطر آزادی وطن، دفاع از خاک و ناموس صرف کرد که نادیده گرفته نمی‌شود.

مجاهدین افغانستان شاهد استند که مارشال فهیم فقید زحمات زیادی را در راستای خدمت‌گذاری

به افغانستان و مردمش متحمل شده است و در ترقی و آزادی این وطن سهم ارزنده داشت. ما به منظور بزرگداشت از سومین سالگرد رحلت مارشال افغانستان در این تالار جمع شده‌ایم و از همه مجاهدین، مقاومت‌گران و قهرمانان تقاضا می‌کنیم که شما هم مانند گذشته‌گان‌تان برزمید و مبارزه کنید تا وطن را از شر ظالمان و تجاوزگران نجات دهید. هر قدر که حمله‌کنند، انتحارکنند، توطئه‌کنند و هر قدر که تجاوز کنند، مردم غیور افغانستان زیر تأثیر نخواهند رفت. از راه‌هایی که دشمن استفاده می‌کند عبارت اختلافات قومی، زبانی و سمتی مردم افغانستان است. زمانی از این وطن جنگ برچیده می‌شود که همه باهم این وطن را آباد کنیم و هیچ‌گاه به فکر مسائل اختلافی مانند حزب و قوم و تبار نباشیم.

در زمان مقاومت مردم افغانستان مارشال فهیم با تمام نیروهای مقاومت یک‌جا کوه‌به‌کوه مبارزه می‌کرد و یکی از دلایل پیروزی هم اتحادشان بود، اما امروز هم باید مردم افغانستان متحدانه در برابر دشمن مبارزه کنند. دشمنان افغانستان از خودما بالای‌ما استفاده می‌کنند و ما باید یک‌جا خاک خود را به میلیاردها دالر معامله نکنیم. اگر چنان نکنیم، تاریخ نیاکان ما کجا شد، تاریخ شجاعت‌ما، وطن دوستی‌ما کجا شد؟

یکی از دلایل فقر و بی‌سوادی مردم افغانستان که در نتیجه آن ناامنی و بی‌عدالتی به‌وجود می‌آید، اختلافات قومی و زبانی ... است که باید از این وطن برچیده شود. وظیفه همه‌ما است تا دشمن را به کسانی که نمی‌دانند معرفی کنیم تا نسل جوان بدانند که افغانستان با چه نوع دشمنانی سروکار دارد.

در اخیر سالروز رحلت مارشال محمدقسیم فهیم را به تمام مردم افغانستان، به خانواده محترمش و به مردم کاپیسا تسلیت عرض می‌کنم.



مارشال فهيم د قوم پرستی پر ضد وو

انجینر گل زمان شینواری - معاون شورای ولایتی کاپیسا

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته

د گران افغانستان په درانه او سپیڅلی لمن کي میړنی او سمبال په هیواد مین د پوهی به زرین نعمت لمړی مرستیال ارواښاد مارشال محمدقسیم فهیم دریم تلین لمانځو.

ارواښاد مارشال فهیم د هیواد د معاصر تاریخ د شین آسمان هغه ځلانده ستوري وو چه د وجودي د هیواد په گوډ گوډ زمونږ هر هیوادوال ویاری د بی شمیره اتلولیو او سربښدونو یادوني کوي. د یادوني وړ ده ارواښاد مارشال فهیم بی شمیره او ستر کارونه وکړل، ملي او اسلامي فکري درلود. مارشال د هیواد هره برخه یی خپله بلله. د توکم پالنی او قوم پرستی پر ضد وو، واحد افغانستانی غوښت او په خپل هویت ویار کاوو. د بیلتون او نفاق په وړاندی نه ستریکیدونکی مبارزه وکړه. اوس په فزیکي توگه زمونږ سره نشته او د هغه ملي فکری ځای لری. د وقت په بیلابیلو پړاوونو کي هیله یی دا وه چه زمونږ گلالی ځوانان، خویندی او ورونه په سولیزه توگه ژوند وکړي.



سخنرانی‌ها و پیام‌های مارشال افغانستان



سخنرانی مارشال افغانستان در روز چهارم شهادت سید مصطفی کاظمی

حضار گرامی و برادران عزیز!

امروز در گرامی داشت از روز چهارم شهادت سید مصطفی کاظمی و همراهان وی و کسانی که یکجا با او به شهادت رسیدند قرار داریم. از آنجایی که مسلمانیم و به خدا ایمان داشته و اوامر و احکام اسلام را از دل و جان پیروی می‌کنیم؛ به این هم باورمند باشیم که موقف و مسئولیت انسان‌ها در روی زمین متغیر اند؛ انسان‌های مسئول و انسان‌های غیر مسئول، انسان‌های رسالت‌مند و انسان‌های غیر رسالت‌مند.

انسانی که در آزمونگاه پروردگار رسالت را قبول کرد و به تعهد و میثاق خود با خدا صادق ماند، این انسان در آزمایش‌های بزرگ خداوند قرار می‌گیرد و در ادای رسالت و مسئولیت‌های خود با پای مردی کامل حرکت می‌کند. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» سوره فصلت، آیه ۳۰ ترجمه: بی‌گمان آنانی که گفتند «پروردگار ما خداست و باز استقامت کردند...»

کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، باز به‌خاطر محکم‌ساختن این کلمه تا پای جان پای‌داری و مردانه‌گی از خود نشان دادند. قرآن کریم به‌صراحت در ارتباط با تفکیک مرزها و انسان‌های

رسالت مند می‌گوید که از جملهٔ مومنان مردانی اند که در پیمان و میثاق خود با خدای خود صادق و راست اند؛ یعنی خداوند کریم از این انسان‌ها به صفت مردها یاد می‌کند؛ «من المومنون رجال...»، یعنی مومن‌ها، نمازخوان‌ها و مسلمانان نمی‌گوید؛ از بین این‌ها مردانی اند که در تعهد و میثاق با خدای خود ایستاده هستند و در این راه تا پای جان حرکت می‌کنند و این انسان‌ها مرگ را در راه خدا، رسیدن به آرزو و هدف خود می‌دانند.

بندهٔ آزاد را شان دگر

مرگ او را می‌دهد جان دگر

ایشان مرگ را در راه خدا، رفتن و یا راه رفتن به طرف زنده‌گی جاودانی می‌دانند؛ اما در مقابل انسان‌هایی هستند که غلام و تابع خواهش‌های نفسانی و هوا و هوس خویش اند، آن‌ها از مرگ می‌ترسند و مرگ را پایان زنده‌گی خود می‌دانند.

هر زمان میرد غلام از بیم مرگ

زنده‌گی او را حرام از بیم مرگ

آزمایش‌ها و امتحان‌هایی که در سی سال در کشور ما پیش آمد، مرد و نامرد را کاملاً مشخص ساخت. کسانی که مجاهد شدند و در راه خدا به جهاد پیوستند و به‌خاطر ادای مسئولیت و نجات مسلمانان و مستضعفان و به‌خاطر به وجود آوردن یک جامعهٔ اسلامی و جامعه‌یی که حق و عدالت بر اساس دستورات اسلام برقرار شود و باداری، مزدوری و برده‌گی وجود نداشته باشد، کاملاً موضع خود را روشن ساختند. یقین دارید کسانی که در جهاد برحق افغانستان بودند، همیشه با خدای خود تعهد داشتند و از او دو چیز را می‌خواستند؛ یکی پیروزی جهاد و دوم شهادت.

باور دارم روزهایی که روزهای قبول دعا بود و کسانی که مخلصانه در این راه حرکت کردند، خداوند دعای آنان را قبول کرده است. به همین خاطر شهادت که بزرگترین افتخار است برای انسان‌های مسلمانی نصیب می‌شود که عزت‌مندانه زنده‌گی کردند، رزمیدند و با عزت شهید شدند. به ندرت شخصیت‌های جهادی و با افتخار افغانستان را می‌بینید که به مرگ طبیعی می‌میرند؛ بلکه شهادت نصیب آنان بوده و در بین اجتماع، ملت و مردم خویش محبوبیت دارند. این شخصیت‌های محبوب و بزرگ جهاد هیچ کدام توسط مردم افغانستان به شهادت نرسیده اند. همان قسم که در صدر اسلام نیز خلفا و یاران پیامبر(ص) یکی پی دیگری توسط غلام‌ها و انسان‌هایی پست به شهادت رسیدند. از امر صاحب مسعود شهید تا کاظمی شهید همه به‌خاطر نجات مردم شان راست‌کارانه و مردانه رزمیدند، در طول دوره‌های زنده‌گی‌شان هیچ شهروند افغانستان به جز احترام به نام و شخصیت آنان قصد مقابله و یا شهادت آنان را نکردند؛ بل که این مزدوران خارجی اند که شخصیت‌ها و بزرگان ما را به شهادت می‌رسانند و این ثابت می‌سازد که از لحاظ خصوصیات انسانی ایشان که غرور، حیثیت، انسان‌دوستی و آزادی‌خواهی است، مردم و ملت به آنان افتخار می‌کنند و در رفتن

و شهادت آنان غمگین می‌شوند. کاظمی شهید که از دوران جهاد تا به امروز با او دوست، رفیق و برادر هم بودیم و طرز دید و تفکر واحد داشتیم؛ در طول زنده‌گی‌اش به جز از آزادی، صداقت، راست‌کاری و به جز این که در این کشور مصدر خدمتی به مردم و جامعه خود شود و این وطن را، مرفه، آزاد و آرام و مردمش را با هم‌دیگر برادر ببیند؛ هیچ آرزو و هدف دیگری نداشت. ما به خدا ایمان داریم، خداوند در یک حدیث قدسی دیگر می‌فرماید: «من لم یشکر علی نعمایی...» کسی که مسلمان و بنده من است، نعمت‌های من را شکرگزار نیست، به مقدراتم راضی نبوده و به بلاهایی که از جانب من و مصیبت‌هایی که بر سر او می‌آید صابر نباشد؛ از زیر آسمان و روی زمین من خارج شود. به این خاطر که اگر من خدای او هستم و او واقعاً به من ایمان دارد؛ باید با این مصیبت‌ها و مقدراتی که از جانب من است راضی و صابر باشد. در غیر آن از زیر آسمان و از روی زمین خارج شود. ما زنده‌گی انسانی را یک کاروان در حال حرکت می‌دانیم و این کاروان همیشه در جریان و در حرکت است. به‌ویژه جریان جهاد، اسلام‌خواهی، مبارزه، آزادی‌خواهی، نجات یک کشور و هم‌نوعان، یک کاروان در حال حرکت است. هر روز در این کاروان و هر کسی که نزدیک به خانه خود می‌رسد او به خانه خود می‌رود ولی این کاروان جریان دارد. اگر سید مصطفی از میان ما رفت و به‌خانه خود رسید و خداوند او را با خود برد و به لقاءالله پیوست، این جریان و کاروان ادامه دارد. کسانی که با ترور یک شخصیت و با از بین بردن کسی فکر می‌کنند که این جریان را خاموش کنند، اشتباه می‌کنند.

کسانی که می‌خواهند، شخصیت‌های ما را ترور کنند و آنان را به شهادت برسانند و این طور فکر کنند که یک جریان ملی، اسلامی، جهادی و برحق از بین می‌رود، اشتباه فکر کرده‌اند و کور خوانده‌اند. راه خدا، راهی است که خداوند خود آن را روشن نگه می‌دارد.

خداوند خودش راه خود را به اتمام می‌رساند ولو هر کسی که اراده‌ی از بین بردن او را داشته باشد، این سنت الهی است. معتقدیم در جایی که اجل انسان برسد حتماً می‌میرد. هیچ امکان ندارد که اجل برسد و انسان از بین نرود. «اذا جاء اجلهم لا...» زمانی که اجل انسان‌ها برسد یک لحظه آن تغییر نمی‌کند. خداوند جای دیگر در قرآن کریم ما را متوجه می‌سازد که مسلمانان! شما مانند کافران نیندیشید. کسانی که می‌گفتند که اینان به بغلان نمی‌رفتند کشته نمی‌شدند، این تصور کافران است. خداوند می‌گوید این گونه تصور نکنید کسی که به جنگ، غزا و در راه انجام عمل خیر می‌رود و اگر در خانه می‌بود، مرگ او را فرا نمی‌گرفت. به صراحت خداوند از زبان کافران نقل می‌کند که «لوکان عندنا ما مات و ماقتلو...» خداوند حتماً جان انسان را می‌گیرد، مرگ و زنده‌گی به دست خداوند است. باور داریم که زمان فرا رسیدن مرگ هم این است، جریانی که ترسیم می‌شود، راه و روشی که از یک تعداد مردان نابغه به وجود می‌آید، این جریان و این راه و روش باید ادامه پیدا کند و این سنت الهی است که این راه ادامه می‌یابد. هیچ‌کس نمی‌تواند این راه، روش و نور خدایی را از بین ببرد. شهید کاظمی یک مجاهد بود، بعد از این که جهاد به پیروزی رسید و حکومت مجاهدین به وجود آمد از همان روز به فکر یک مسئولیت بزرگ ملت‌سازی و نظام‌داری و ایجاد حکومت ملی افتاد.

در این جریان آزمایش‌های عجیب و غریبی پیش آمد. پنج‌سال حکومت اسلامی زیر دسایس و توطئه‌های دشمنان افغانستان قرار گرفت و بعد دوره مقاومت که سخت‌ترین دوره این مردم بود که با فشارهای زیادی ایستاده‌گی و مقاومت کردند. در جریان این مقاومت شخصیت‌ها و رهبران مقاومت افغانستان به این نتیجه رسیدند؛ در پهلوی این که مجاهد هستند و مقاومت کردند، مسئولیت شان در اینجا خاتمه نمی‌یابد، تجربه‌های گذشته نشان داده بود که حکومت‌های یک‌جانبه و یک‌طرفه در افغانستان نتیجه مثبت ندارد. بنابراین، آمر صاحب شهید و مصطفی کاظمی و امثال ایشان که در یک حلقه رهبری قرار داشتیم، بر این باور بودیم زمانی که زمینه برای آزادی افغانستان مساعد شود، به‌خاطر ایجاد یک نظام و حکومت ملی فراگیر باید تلاش کرد که مصطفی کاظمی یکی از سرقطاران و سرقافله‌های این جریان بود.

بعد شرایطی در افغانستان آمد و کشور آزاد شد. مجاهدین افغانستان برای ساختن یک نظام ملی و حرکت ملی و آوردن وحدت ملی در افغانستان و به‌خاطر این که مردم افغانستان همه یک پارچه و یک‌دست حرکت کنند، پشتون و تاجیک و ازبیک و هزاره و ... از بین برداشته شود و همه به حیث یک ملت واحد در زیر چتر یک نظام ملی حرکت کنند، آخرین فداکاری‌ها را انجام دادند. شاهد بودید که در افغانستان مقاومت جریان داشت، طالبان همان وقت زمین‌گیر شده بودند. زمانی که حادثه آمریکا {۱۱ سپتامبر} واقع شد و دنیا به مبارزه با تروریسم و طالبان روی آوردند؛ اصلاً دنیا هیچ‌گونه معلومات درست در قضیه افغانستان، روابطها و زد و بندهای داخلی این کشور نداشتند. مجاهدین بودند که رودرو عمل کردند و دشمنان را شکست دادند. در آن زمان حتا ده نفر خارجی هم به افغانستان نیامده بود، افغانستان را مجاهدین آزاد ساخت، برخلاف ادعای یک عده از دوستانی که می‌گویند مجاهدین را آنان آوردند، این اشتباه است. حقیقت این است که مقاومت ملی افغانستان سبب بقای افغانستان شد.

روزی شنیدم که دوستان می‌گفتند: ملت ما را بخشید، احمد شاه مسعود هم آنها را بخشید، و ملت مقاومت کرد و ما را نجات دادند. وارونه نشان دادن حقیقت‌های تاریخی کشور و تحریف کردن آنان درست نیست. امروز یک نفر، کاتب یک پادشاه و تاریخ نویس نیست. مردم افغانستان به صورت قطع، همه شان تاریخ می‌دانند، آن مردم ناآگاه دیروز نیستند. همه حقایق را می‌بینند. حقیقت هم این است که مجاهدین مقاومت کردند، آمدند و نظام ساختند و آن قدر فداکاری کردند که از ریاست جمهوری دولت مشروع خود گذشتند و نظام ملی را در افغانستان شکل دادند. در مراحلی که نظام ملی در افغانستان آمد تمام فداکاری‌ها را چه در فعالیت نظام و چه در از خودگذری‌ها همه را مجاهدین انجام دادند. سه سال دوره طلایی موقت و انتقالی، محصول زحمت‌کشی‌های مجاهدین در افغانستان بود. سیدمصطفی کاظمی و هم‌قطاران او که همه در این سلسله بودند، هر کدام نقش اساسی و بارز خود را ایفا کردند. در همان وقت بود که دشمنان افغانستان از بین رفتند، تروریستان شکست خوردند، وحدت ملی به وجود آمد، سلاح جمع شد و قانون اساسی تصویب گردید. اما زمانی که مجاهدین از صحنه کشیده شدند و حکومت زیر نام دموکراسی و به شکل یک‌جانبه به وجود آمد از آن روز است که افغانستان سیر نزولی‌اش شروع می‌شود، دشمنان قوی می‌شوند، ضعف و ناتوانی و

ناآشنایی دولت سبب شد که امروز افغانستان در یک وضع بحرانی خطرناک قرار گیرد. از آن روزی که حرکت‌های ضعیف شروع شد، افغانستان به یک بحران اجتماعی، بی‌اعتمادی و امنیتی قرار گرفته و از این بابت همه مردم افغانستان تشویش دارند. اگر خارجی‌ها در افغانستان حضور دارند به خاطر خود می‌جنگند، و به این خاطر که شرایطی به وجود نیاید که جنگ به کشورها و خانه‌های آنان کشانده شود. مردم افغانستان باید خودشان فداکاری کنند. ضرورت بود که آن قدر ساختار و پیشرفت در افغانستان صورت می‌گرفت که ما امروز بر علاوه این که در این وضع منفی قرار نمی‌گرفتیم، آماده‌گی اساسی و قطعی برای دفاع از کشور را هم می‌داشتیم. بعد از افغانستان عراق در یک وضعیت بسیار خراب به آزادی رسید و تا کنون نه ولایت در عراق است که خود دولت عراق آماده شده تا امنیت آنان را گرفته و خارجی‌ها را رخصت کنند؛ اما مردم افغانستان امروز از خرد تا جوان، کلان و موی سفید و دولت‌مردان جامعه و مردم عادی همه به این باور اند که افغانستان با وجود پشتیبانی جامعه جهانی، امروزه در یک وضع بسیار خراب قرار گرفته و یک قدم مثبت هم برداشته نشده است.

تا زمانی که خود مردم افغانستان آماده فداکاری نشوند و مخلصانه تلاش نکنند، کاری صورت نمی‌گیرد. ضرورت است که باید از این حالت رکود و بن‌بست نجات پیدا کنیم. وقتی از این حالت نجات پیدا کرده می‌توانیم که واقعاً به طور مخلصانه دست به دست هم بدهیم، اعتماد ملی در کشور به وجود آید، نسبت به یک‌دیگر باور کنیم، حرکت‌های یک جانبه از بین برود و با یک باور ملی و اعتماد کلی از این وضعیت نجات پیدا کنیم. به صراحت می‌گویم، زمانی که مجاهدین افغانستان که یک طبقه ۹۵ درصدی است، این مردم نادیده گرفته نشوند به یک‌دیگر باور کنند و یک خط مشی رهبری واقعاً ملی و قابل اعتماد در پیشاپیش این ملت قرار داشته باشد، می‌توانند سبب نجات این کشور شوند و آن را حفظ کنند. دیروز هم ایستاده‌گی کردند، در آوردن نظام هم فداکاری کردند و در آینده هم مسئولیت مجاهدین است و اینان می‌توانند که ایستاده‌گی کنند. چلنج می‌دهم که اگر مجاهدین واقعاً در افغانستان نقش اساسی خود را داشته باشند وطن خود را آزاد می‌توانیم، کسی به این کشور تجاوز کرده نمی‌تواند و مردم ما با صلح و آرامش زنده‌گی می‌کنند. مصطفی کاظمی دیدگاه ملی داشت، دیدگاه و روش او نمرده است. مصطفی امروز نیست؛ ولی راه، حرکت، جریان، دوستان و مردم او زنده است.

دیدگاه او برای هر شخصیتی سرمشق خواهد بود و این راه ادامه پیدا می‌کند و یقین دارم و به شما نیز باور می‌دهم، تمام کسانی که هم‌سنگر و یار و رفیق کاظمی شهید بودند، این راه را ادامه می‌دهند تا همه کشمکش‌ها و نزاع‌ها در این کشور از بین برود. در این حرف خود کاملاً باور داریم و در این راه ایستاده هستیم تا مردم ما در آرامش زنده‌گی کنند و نگذاریم که بار دیگر تاریخ گذشته در افغانستان تکرار شود.



پیام مارشال محمد قسیم فهیم به مناسبت شش جدی

هموطنان عزیز، خواهران و برادران!

ششم جدی، روزی که ارتش سرخ اتحاد شوروی وقت از زمین و هوا به سرزمین ما یورش آورد، کشور ما را اشغال کردند.

به این مناسبت به همه مردم متدین و شهید پرور افغانستان خاطر نشان می‌سازم که از خودگذری و ایثار شما مردم با ایمان و فداکار سبب شد که اشغال‌گران در همان نخستین روزهای تهاجم به کشور ما دانستند که دچار اشتباهی بزرگ شده‌اند.

مردم افغانستان با هجوم ارتش سرخ به کشور شان بیشتر از هر زمان دیگری دست اتحاد و یک‌دلی دادند و متحدانه در برابر طاغوت سرخ قد علم کردند و مبارزه دشواری را آغاز کردند.

مردم افغانستان با هجوم ارتش سرخ به کشور شان، دوره سختی را آغاز کردند. پس از آن روز سیاه و شوم دوران مصایب و بدبختی مردم ما شروع شد و در نتیجه افغانستان در گرداب ویرانی و تباهی گیر ماند و همراه با آن مبارزه مسلحانه مردم ما علیه اشغال‌گران ادامه یافت.

خواهران و برادران!

ششم جدی ۱۳۵۸ سر آغاز بزرگترین مصیبت تاریخ مردم ما بود. از این روز به بعد افغانستان در میان شعله‌های جنگی ویران‌گر سوخت و فرزندان صدیقش در جبهات جهاد مقدس به مبارزه آزادی‌خواهانه شان ادامه دادند.

جهاد مردم افغانستان یکی از درخشان‌ترین صفحات تاریخ معاصر بشریت است که در نتیجه آن کشورهای بسیاری به آزادی رسیدند و هیولای کمونیسم در سراسر جهان نابود شد.

جهاد افغانستان جغرافیای کشورهای جهان را دگرگون ساخت و ثابت ساخت که ملت پابرهنه و مسلمان افغانستان وقتی اراده کنند در برابر هر ابر قدرتی خواهند ایستاد و آن را از پا درخواهند آورد.

هموطنان گرامی!

من به روح همه شهدای عزیز جهاد افغانستان و همه شهدای عزیزی که در سال‌های اخیر در راه عزت و سربلندی مردم ما جان‌های عزیزشان را از دست داده اند اتحاف دعا می‌کنم و برای آنان از خداوند بهشت برین آرزو می‌کنم.

عرض تسلیت دارم به همه خانواده‌ها و وارثین شهدای گلگون کفن افغانستان و برای همه معلولان و معیوبان کشور عزیزم که با ایثار و از خودگذری تمام در راه آزادی و اعتلای کشور شان مبارزه کردند.

مردم ما در امر آزادی کشور دشواری‌های فراوانی را متحمل شدند. میلیون‌ها تن از هموطنان ما مجبور به مهاجرت‌های تحمیلی شدند و تا هنوز درد دوری از وطن را متحمل می‌شوند.

امیدوارم به زودی صلح و سعادت در کشور عزیز ما تامین گردد تا به یاری خداوند همه در کار آبادی و عمران کشور عزیز خود متحدانه تلاش کنیم.

ما انشا الله بر دشواری‌های کنونی فایق خواهیم گشت و دیر نیست روزی فرارسد که دیگر جنگ در افغانستان پایان یافته باشد و همه در راه پیشرفت و ترقی افغانستان عزیز سرگرم باشیم.



کارگاه چهار روزه جزایی بیانیه افتتاحیه مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری اسلامی افغانستان

کارگاه چهار روزه بررسی طرح قانون اجراءات جزایی و قوانین مرتبط به آن که به ابتکار وزارت عدلیه روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۰/۹/۲۷ در هوتل کابل سرینا تدویر یافته بود، در آن وزرای عدلیه، حج و اوقاف، رئیس اداره مبارزه با فساد اداری، رئیس کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی و نمایندگان لوی څارنوالی، ستره محکمه، بورد عدلی و حقوقی ریاست جمهوری، سفارت امریکا، UNDP, UNODC، وکلای پارلمان و جمع کثیری از اراکین بلند رتبه دولتی اشتراک کرده بودند. این کارگاه با سخنان مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری افتتاح گردید که در قسمتی از سخنان خود به اشتراک کنندگان کارگاه چنین خطاب کرد:

چون معمول است که یکی از اراکین دولت یک مجلس بزرگ را افتتاح کند بناءً من به خود اجازه می‌دهم با در نظر داشت شاگردی خود در مقابل شما استادان چند کلمه به عرض برسانم.

انسان یک موجود اجتماعی است و در اجتماع زنده‌گی می‌کند، هر موجودی که در اجتماع زنده‌گی کند مانند انسان ضرورت به نظم، قانون و قرار داد که یک از امر اجتماعی است پیدا می‌شود که مطابق آن زنده‌گی انسان‌ها تنظیم شود و اگر نه هر کس که در اجتماع زور بود و توانمند بود بالای

مظلومین ظلم می‌کند و قانون جنگل در آن جا حکم فرما می‌شود.

قرار داد اجتماعی که در بین انسان‌ها تمام امور زنده‌گی انسان‌ها را تنظیم می‌کند و حق حاکم و حق تابع را مشخص می‌سازد، رفاه، آرامش و مصئونیت انسان را تضمین می‌کند. در هر جامعه‌یی که قانون‌مندی نباشد، خواسته‌های فردی اشخاص ملوک و سیاست‌مداران بالای جامعه تطبیق شود به یقین که در آن جامعه فساد و بی بندوباری رُخ می‌دهد.

نظام‌ها و حکومت‌هایی که فردی هستند خواسته‌های افراد حاکم است در جامعه و یا نظام‌هایی که گروهی و گروهی هستند حتا خواسته‌های یک گروه سیاسی که تطبیقش بالای جامعه بسیار دشوار و سخت است عملی می‌گردد. ما و شما در جامعه خود ما در افغانستان این را به چشم سر دیدیم یک حزب و یک گروهی که در سر قدرت می‌باشد او خواسته حزبی خود را بدون در نظر داشت اعتقادات مردم بدون در نظر داشت سنن و رسم و رواج مردم و بدون در نظر داشت خواسته‌های مردم بالای یک جامعه تطبیق می‌کند به هیچ صورت آن قانون و آن خواسته امنیت، آرامش و رفاه را در جامعه بار نمی‌آورد.

انسان خلق شده به‌خاطر اینکه در جامعه مصدر خدمت شود و اخلاقیات اجتماعی انسان کنترل شود. انسان فطرتاً دارای اخلاق است اما اعتقادات، دین و اسلام که ما و شما مسلمان هستیم و جامعه ما جامعه اسلامی است اخلاقیات انسان را تکمیل می‌کند و در اساس نظام اسلام بعد از ایمان به خدا و تسلیم بودن به خدا پیاده کردن عدالت در جامعه است، انسان خودش باید تابع قانون باشد و اگر انسان تابع قانون نباشد و خود را مطیع در برابر قانون نداند به هیچ صورت نمی‌تواند که در یک جامعه عدالت را پیاده کند.

موردی که بسیار ضرورت است و اولویت دارد برای مردم افغانستان بازنگری در قوانین افغانستان است و به طور اخص و عمده در قوانین که به زنده‌گی اجتماعی انسان بیشتر سروکار دارد، قوانین جزایی است که جداً در افغانستان قابل بازنگری است. گرچه ما در این نظام و در این شرایط در ارتباط به مبارزه با مفاسد اخلاقی نهادها و ادارات مختلف داریم، این نهادها و ادارات مختلف هرکدام از خودش برنامه کاری دارند در حقیقت همه بر یک موضوع و همه در حقیقت به‌خاطر یک هدف حرکت می‌کنند که در جامعه سلامت به وجود بیاید در جامعه‌یی که مصئونیت به وجود بیاید در جامعه‌یی که امنیت به وجود بیاید مفاسد و ارذال اخلاقی از میان برداشته شود.

جوامع بشری در پهلوی این‌که به افغانستان کمک می‌کنند می‌خواهند از لحاظ قوانین و پخش اشاعه و فرهنگ شان هم در افغانستان اثر داشته باشند، از طرف دیگر مردم افغانستان مسلمان هستند و اسلام یک دین مقید است، اسلام دین باز نیست دینی نیست که هر چه دل کس بخواهد همان طور انجام شود، اسلام اخلاقیات انسان را در یک قید تعریف می‌کند در یک محدوده تعریف می‌کند و انسان اگر از آن محدوده تجاوز کرد او ملامت است. برای انسان می‌گوید که بالایت نماز فرض است

اگر انسان نماز نخواند گناه کار است برای انسان می گوید که به مال مردم تجاوز نکن به ناموس مردم تجاوز نکن اگر تجاوز کردی مجازات می شوی و به اصطلاح داخل شدن در یک جای ممنوعه است و حریم اسلام محارم است محارم چیزهایی که در اسلام حرام است اسلام برای انسان گفته که در این چیزها حرکت نکن زیرا اسلام یک دین مقید است و اخلاقیات انسان را کنترل می کند و هم چنان ضرورت داریم به ترقی و پیشرفت و افغانستان کشوری است که سنت بسیار قدیمی دارد، دارای تاریخ، ارزش های دینی و فرهنگی، افتخارات جهادی که اگر به تمام این ارزش ها، اصول شریعت، قوانین مدرن و میثاق های بین المللی که افغانستان متعهد به رعایت آنان است توجه کنیم یک جامعه با ثبات و قانون مند خواهیم داشت.